

● **گام معکوس زنان**

● **روزآمد شدن آگاهی زنان با ژنولوژی**

● **دیسان زن زیان نازادی رژیم به چوک دینیت**

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال سیزدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی سی

آبان ۱۴۰۳

OCTOBER 2024



**آزادی رهبر آپو به بحران‌ها  
در منطقه پایان خواهد داد**



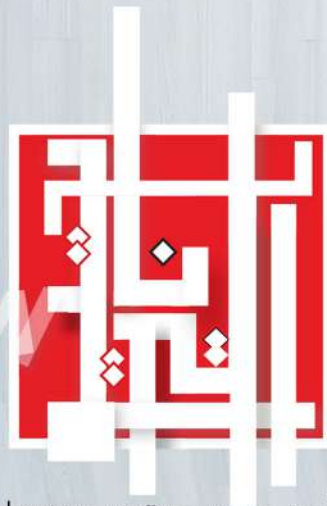
**انقلاب زن زیان آزادی، رادیکال‌ترین انقلاب قرن معاصر است**

# آلترناتیو

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک





ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال سیزدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی سی

آبان ۱۴۰۳

OCTOBER 2024



مرکز مطبوعات  
حزب حیات آزاد  
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jinjiyanazady  
mail: ciyaviyan24@gmail.com

# فہرست

	سخن آغازین	۵
رہبر آپو	معضل جمعیت ارتباط تنگاتنگی با جنسیت‌گرایی...	۶
پیمان شیان	انقلاب ژن ژیان آزادی، رادیکال‌ترین انقلاب قرن...	۱۱
بیستون مختاری	در جستجوی آزادی و آفریدن حقیقت اجتماعی	۱۷
گولان فہیم	زیستن حیاتی آزاد و معنامند، برپایہی آزادی زنان...	۲۱
مظلوم ہفتن	توطئہ بین‌المللی برعلیہ رہبر آپو	۲۹
نوژین بریتان	گام معکوس زنان	۳۳
بہار اورین	روزآمد شدن آگاہی زنان با ژنولوژی	۳۷
فراخوان پڑاک	آزادی رہبر آپو بہ بحران‌ها در منطقہ پایان خواهد داد	۴۲
ئہوہمن چیاکوؤ	دیسان ژن، ژیان، نازادی رژیم بہ چوک دینیت	۴۴
تؤلہہ‌ندان سارا	دوہمین سالی کہ مپینی نازادی بو جہ وانانی...	۵۰
نارام کہریم	پیلانگیري نیونہ تہوہیی و ناستہ نگکردنی یہ کیتی...	۵۴
ہہردی دولبہر	روئی ژن لہ بونیادنانی کوئمہ لگہی نازاددا	۵۰
	معرفی کتاب	۵۱



منطقه در آستانه‌ی تحولات عمیقی بسر می‌برد. از یک جهت خلق‌های منطقه در تکاپوی دستیابی به احقاق حقوق‌شان به مرحله‌ی حساس تاریخی رسیده‌اند و همچنین شعله‌های مبارزات آزادیخواهیشان فروزاتر می‌شود و دموکراسی و آزادی را در منطقه تحقق می‌بخشد. از دیگر سو دولت - ملت‌های منطقه برای سلطه و حاکمیت‌شان بر منطقه آتش جنگ را شعله‌ورتر می‌سازند و برای دستیابی به قدرت و سرمایه‌ی بیشتر خلق‌های منطقه را قربانی منافع پلیدشان می‌کنند. مقاومت خستگی‌ناپذیر خلق کورد علیه دولت فاشیست ترکیه و متحدانش و همچنین خلق ستمدیده‌ی فلسطین و لبنان علیه اسرائیل نمونه‌ی بارز این حقیقت است

جنگی که امروز در فلسطین، لبنان، اوکراین و روسیا برپاست، در حقیقت شعله‌های فروزان‌شده‌ی جنگ موجود در کوردستان است که سال‌های سال به پیشگامی دولت فاشیست ترک به پشتیبانی ناتو و آمریکا در حال وقوع است و شعله‌های این جنگ به دیگر مناطق سرایت نموده. هدف این جنگ ویرانگر هم نابودی و نسل‌کشی خلق کورد می‌باشد. یعنی بعد از جنگ جهانی دوم دولت فاشیست ترکیه و متحدانش برای حفظ منافع‌شان در منطقه نابودی خلق کورد را در سرلوحه‌ی سیاست‌های خود پرورانده‌اند. در عین حال همان سیاست علیه خلق فلسطین از طرف اسرائیل به حمایت از ناتو و متحدانش صورت گرفته است. برپایی جنگ خونین منطقه بعنوان فینال نهایی برای سلطه‌ی بیشتر دولت‌های استبدادگر و پیروزی خلق‌های منطقه محسوب می‌شود.

برای جلوگیری از بروز جنگ و منازعه در منطقه انقلاب زن زندگی آزادی در شرق کوردستان و ایران برپا شد. پیروزی این انقلاب در واقع می‌توانست به مانع اساسی از بروز جنگ میان اسرائیل و فلسطین و لبنان مبدل گردد. اما ذهنیت جنگ‌افروزی نظام و دولت - ملت این شانس تاریخی برای برقراری صلح و آرامش در منطقه را از دست داد. برای همین امروز با رویدادهای مرگ‌باری که دامنگیرش شده باج چنین سیاست‌هایش را می‌دهد. اما شعله‌های انقلاب زن زندگی آزادی همچون در اقصی نقاط ایران فروزان است و هنوز خلق کورد و خلق‌های ایران در جستجوی آزادی و دموکراسی بسر می‌برند.

مقاومت زنان در زندان‌های ایران با پیشگامی زنان مبارزی همچون؛ گلرخ ایریایی، وریشه موراوی، شریفه محمدی، پخشان عزیز، نرگس محمدی، سپیده قلیان و غیره شعله‌های انقلاب زنان را فروزاتر نموده‌اند و این مقاومت هم در راستای دموکراتیزاسیون ایران و حل مسئله‌ی کورد به پتانسیل عظیمی مبدل گردیده است. برای همین اعتصاب غذای وریشه موراوی پیام بسیار واضحی برای تداوم و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است. یعنی با مقاومت و مبارزه‌ی رادیکال، زمان انتقام از تمامی نیروهای سرکوب‌گر فرارسیده. چون نظام هم در سیاست خارجی و داخلی‌اش با یک چالش بسیار بزرگ مواجه است. مرحله‌ی پیش‌رو برای خلق کورد چه در داخل ایران و منطقه فرصتی تاریخی بوجود آورده که لازم است نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

برای همین دامنه‌ی این جنگ خونین سراسر منطقه را در بر خواهد گرفت. چون دولتی‌هایی که این جنگ را برپا نموده‌اند، از هیچ ترفندی دریغ نخواهند ورزید. اعمال سیاست‌های جنگ‌افروانه‌ی اسرائیل و ترکیه مصداق این حقیقت است. جالب اینجاست که دو دولت چنین وا‌نمود می‌کنند که مخالف و دشمن سرسخت همدیگر می‌باشند و هرکدامشان خود را حامی خلقی که تحت ستم طرفین می‌باشد نشان می‌دهند. اما هر دو دولت دو روی یک سکه می‌باشند.

دولت ایران هم، طرفی از این جنگ می‌باشد که منافعش را در جنگ‌افروزی منطقه دیده و برای همین خلق‌های منطقه را بعنوان سپر دفاعی بکار برده

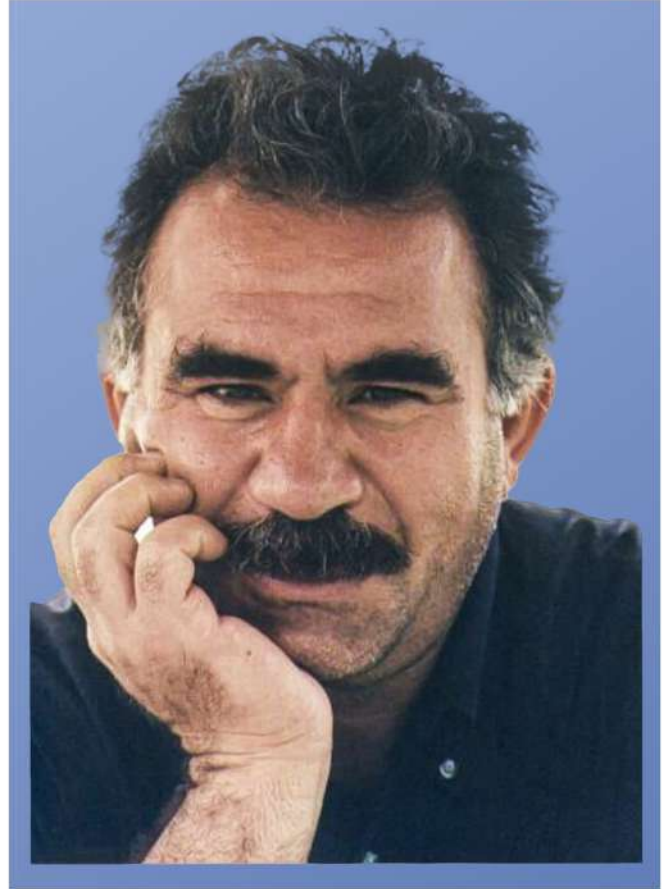
دولت ایران هم، طرفی از این جنگ می‌باشد که منافعش را در جنگ‌افروزی منطقه دیده و برای همین خلق‌های منطقه را بعنوان سپر دفاعی بکار برده

دولت ایران هم، طرفی از این جنگ می‌باشد که منافعش را در جنگ‌افروزی منطقه دیده و برای همین خلق‌های منطقه را بعنوان سپر دفاعی بکار برده

# مسئله‌ی جنسیت‌گرایی اجتماعی؛ خانواده، زن و جمعیت در جامعه معضل جمعیت ارتباط تنگاتنگی با جنسیت‌گرایی، خانواده و زن دارد

باشد. تحلیل اُنتولوژیک (هستی‌شناسانه) می‌تواند برای این پرسش (و نه مسئله) در پی پاسخ باشد. جواب من این است: هستی موجودیت جز به صورت دوگانه‌بودن، قابل تحقق نیست. دوگانه‌بودن، شیوه‌ی ممکن‌گردانیدن هستی است. حتی اگر زن و مرد به صورت کنونی نبوده و بدون جفت (فاقد جنس مخالف) می‌بودند نیز نمی‌توانستند از این دوگانه‌بودن رهایی یابند. پدیده‌ای که دوجنسی نامیده می‌شود نیز همین است. نباید تعجب کرد. اما دوگانه‌ها همیشه تمایل دارند تا به صورت متفاوت تشکیل شوند. اگر دلیل و برهانی برای هوش کیهانی (Geist) جسته شود نیز، بنیان آن را می‌توان در همین گرایش دوگانه جستجو نمود. هر دو سوی دوآلیته نیز نه نیک هستند و نه بد؛ تنها متفاوت بوده و ناچار از متفاوت‌بودن می‌باشند. اگر دوگانه‌ها دچار این‌همانی شوند، هستی نمی‌تواند تحقق یابد. به‌عنوان مثال، نمی‌توان از طریق دو زن یا دو مرد، مسئله‌ی تناسل و تولیدِ موجودیت اجتماعی را حل نمود. بنابراین سؤال «چرا مرد یا زن باید وجود داشته باشند؟» ارزشی ندارد، یا اگر به اصرار خواهان یافتن جوابی برای این سؤال باشیم، می‌توان به گونه‌ای فلسفی پاسخ داد: به سبب اینکه کیهان ناچار از تشکلی این‌چنینی می‌باشد (ناگزیر از آن است؛ بدان گرایش دارد؛ خردش چنان است؛ در آرزوی آن است).

پژوهش در باب زن به‌منزله‌ی نمود تراکم رابطه‌ی اجتماعی، صرفاً به این دلیل بامعنا



اینکه زن جنسی تلقی شود که صرفاً از لحاظ بیولوژیک متفاوت است، عاملی است در رأس عوامل بنیادینی که سبب بی‌بصیرتی در موضوع درک واقعیت اجتماعی می‌گردند. تفاوت جنسیتی، به خودی خود نمی‌تواند دلیل هیچ معضل اجتماعی‌ای باشد. همان‌گونه که دوگانه‌ی واقع در هر ذره‌ی کیهان در هیچ موجودی مسئله تلقی نمی‌گردد، دوآلیته‌ی موجود در انسان را نیز نمی‌توان به‌عنوان مسئله بررسی نمود. پاسخی که به پرسش «چرا موجودیت دوگانه است؟» می‌توان داد، تنها می‌تواند فلسفی

نیست بلکه جهت تحلیل گره‌کوره‌های اجتماعی و گذار از آن‌ها نیز حائز اهمیت فراوانی است. چون نگرش مردسالارانه مزمین شده است، درهم‌شکستن بی‌بصیرتی یا فقدان دیدی که در مورد زنان وجود دارد به نوعی همانند شکافتن اتم‌ها [دشواری] است. برطرف‌سازی این بی‌بصیرتی، مستلزم یک تلاش وسیع روشنفکرانه و فروپاشاندن مردانگی سلطه‌جو است. در جبهه‌ی زن نیز می‌بایست زنانگی که تقریباً به حالت شیوه‌ای از هستی درآورده شده و در اصل، برساخته‌ای اجتماعی است را تحلیل نمود و به همان میزان فروپاشاند. نقش بر آب شدن تمامی خیال‌هایی که با عدم متحقق‌گردانی اتوپیا، برنامه و اصول در پیروزی یا شکست تمامی مبارزات آزادی‌خواهانه، برابری طلبانه، دموکراتیک، اخلاقی، سیاسی و طبقاتی رخ می‌نمایند، تا حدی به سبب شکل رابطه‌ی سلطه‌جویانه‌ی (قدرت‌محور) بین زن-مرد است که درهم‌نشکسته‌اند. مناسباتی که تمامی نابرابری‌ها، بردگی‌ها، خودکامگی‌ها، فاشیسم و میلیتاریسم را تغذیه می‌کنند، سرچشمه‌ی اصلی خویش را از همین شکل رابطه می‌گیرند. اگر بخواهیم واژه‌های



## یافته‌های تاریخی و مشاهدات روزمره آشکارا نشان می‌دهند که مرد در رشد قدرت مرتبط با نظم هیرارشیک و دولتی، نقش طلایه‌دار را ایفا نموده است



بسیار رایجی نظیر برابری، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم را چنان عملی نماییم که منجر به نقش بر آب شدن انتظارات نگردد، ناگزیر باید شبکه‌ی روابطی را که پیرامون زن تنیده شده و به اندازه‌ی رابطه‌ی

جامعه-طبیعت قدیمی‌ست، ازهم بشکافیم و تجزیه کنیم. جز این راهی وجود ندارد که از طریق آن بتوان به اخلاقی به‌دور از ریاکاری و همچنین آزادی، برابری (متناسب با تفاوت‌مندی‌ها) و دموکراسی حقیقی دست یافت

از دوران پیدایش هیرارشی به بعد، معنایی تحت عنوان «ایدئولوژی قدرت»، بر جنسیت‌گرایی بار شده است. رابطه‌ی تنگاتنگی با تکوین طبقاتی و قدرت دارد. تمامی تحقیقات و مشاهدات باستان‌شناختی، انسان‌شناسانه و روزانه نشان می‌دهند که ادواری وجود داشته‌اند که زنان منشأ اتوریته بوده و این امر طی مدت‌زمانی طولانی شایع بوده است. این اتوریته، اتوریته‌ی قدرت برقرارشده بر روی محصول مازاد نبوده، برعکس اتوریته‌ای است که از بازدهی و زاینده‌ی نشأت گرفته و هستی اجتماعی را توان می‌بخشد. هوش عاطفی که در زن از تأثیر بیشتری برخوردار است، دارای روابط مستحکمی با این هستی است. اینکه در جنگ‌های برپاشده بر سر قدرتی که بر روی محصول مازاد برقرار گشته، زن جای برجسته‌ای نداشته، با این موقعیت و شیوه‌ی هستی اجتماعی او در ارتباط می‌باشد.

یافته‌های تاریخی و مشاهدات روزمره آشکارا نشان می‌دهند که مرد در رشد قدرت مرتبط با نظم هیرارشیک و دولتی، نقش طلایه‌دار را ایفا نموده است. جهت این امر لازم بود اتوریته‌ی زن که تا مرحله‌ی متأخر جامعه‌ی نئولیتیک پیشرفته بود، درهم شکسته شود و از آن گذار صورت گیرد. باز هم یافته‌های تاریخی و مشاهدات روزانه تصدیق می‌کنند که در رابطه با این مسئله، مبارزات بزرگی با اشکال گوناگون و طی مدت‌زمانی طولانی صورت گرفته‌اند. به‌ویژه میتولوژی سومری در این موضوع بسان حافظه‌ی «تاریخ و طبیعت اجتماعی»، بسیار روشنگرانه عمل می‌کند

فرار خواهد کرد یا با سُرنازن!»، «زودتر به عقد یکی درآور!» رایج هستند. چگونگی مؤثر بودن رابطه‌ی بین غریزه‌ی جنسی و قدرت در جامعه، امری بسیار آشکار است. این واقعیتی جامعه‌شناختی است که امروزه هر مرد از «حق‌ها»ی بسیاری بر زن برخوردار است که «حق کشتن» از جمله‌ی آنهاست؛ این حق‌ها هر روزه اجرا می‌شوند. اکثریت قریب به اتفاق روابط، دارای کاراکتر آزاررسانی و تجاوزند

در چارچوب اجتماعی، خانواده به‌مثابه‌ی دولت کوچک مرد بر ساخته شده است. هرچه کامل‌تر شدن شیوه‌ی کنونی نهادی که خانواده نامیده می‌شود در طول تاریخ تمدن، به سبب توان بزرگی است که به دستگاه‌های قدرت و دولت می‌بخشد. اولاً، خانواده‌ای که پیرامون مرد به حالت قدرت درمی‌آید، به سلول جامعه‌ی دولت مبدل می‌گردد. دوم اینکه، فعالیت بی‌حد و مرز و بلاعوض خانواده و زن تحت ضمانت گرفته می‌شود. سوم اینکه، کودکان را پرورش می‌دهد و نیاز به جمعیت را برآورده می‌سازد. چهارم اینکه، به‌مثابه‌ی مدل نقش‌آفرین، «بردگی و فرومایگی» را در سرتاسر جامعه شیوع می‌بخشد. خانواده، با این محتوای خویش، در اصل یک ایدئولوژی است. نهادی است که ایدئولوژی خاندانی در آن حالتی کارکردی یافته است. در خانواده، هر مردی خویش را همانند صاحب یک «خان‌نشین» تصور می‌کند. آنچه باعث می‌شود تا خانواده یک واقعیت بسیار مهم تلقی گردد، ناشی از تأثیرگذاری فراوان این ایدئولوژی خاندانی است. به‌میزانی که در یک خانواده زن و فرزند بیشتری وجود داشته باشد، مرد کسب اعتماد و شرف می‌نماید. در ضمن، ارزیابی خانواده با وضعیت موجودش به‌عنوان یک نهاد ایدئولوژیک نیز مهم است. اگر زن و خانواده را با وضعیت موجودش از زیر سلطه‌ی سیستم تمدن، قدرت و دولت بیرون آورید، چیز چندانی

بی‌شک زنی که توأمندانه  
بیاندیشد، قادر به تصمیم‌گیری نیک،  
زیبا و صحیح باشد، بتواند از من  
گذار نموده و بدین ترتیب مرا در  
حیرت وانهد و مخاطبم باشد، یکی  
از اساسی‌ترین دغدغه‌های جستجوی  
فلسفی‌ام می‌باشد

تاریخ تمدن، در عین حال تاریخ شکست خوردن و مفقودگشتن زن نیز می‌باشد. این تاریخ با تمامی خدایان و بندگانش، حکمرانان و تابعانش، اقتصاد، علم و هنرش، تاریخی است که در آن، شخصیت مردسالار استحکام یافته است. بنابراین شکست و ناپیدایی زن، انحطاط و شکستی بزرگ برای جامعه می‌باشد. جامعه‌ی جنسیت‌گرا، نتیجه‌ی این انحطاط و شکست است. هنگامی که مرد جنسیت‌گرا، سلطه‌ی اجتماعی‌اش را بر روی زن برقرار می‌نماید، چنان پُر اشتها می‌گردد که هر نوع تماس طبیعی را به‌صورت یک نمایش سلطه‌جویی درمی‌آورد. همیشه بر پدیده‌ی بیولوژیکی نظیر رابطه‌ی جنسی، مناسبات قدرت بار شده است. مرد به‌هوای کسب پیروزی، اقدام به تماس جنسی با زن می‌کند. در همین راستا، یک عادت بسیار قوی ایجاد کرده و عبارت‌های فراوانی را ایجاد نمود است: ضرب‌المثل‌ها و متلک‌های بی‌شماری نظیر «ترتیبش را دادم»، «کارش را تمام کردم»، «ماده‌سگ»، «باید همیشه آبستن باشد و گُتک را هم فراموش نکن!»، «فاحشه، روسپی»، «پسرکی مثل دختر»، «اگر دختری را به حال خود رها کنی، یا با دُهل‌زن



تحت نام نظام باقی نمی‌ماند. ولی نتیجه‌ی تداوم این شیوه، محکومیت به شیوه‌ی هستی‌ال‌بار، انحطاط‌آمیز، محرومانه و شکست‌آمیزی است که در پس وضعیت جنگی کم‌شدت اما مستمری نهفته است که زنان بدان دچار هستند. انگار «انحصار مرد» بر روی جهان زن، دومین زنجیر انحصار موازی و مشابه با انحصارات سرمایه است که در طول تاریخ تمدن بر روی جامعه برقرار نموده‌اند؛ و صدا البته قوی‌ترین و کهن‌ترین انحصار هم می‌باشد. ارزیابی هستی زن به صورت کهن‌ترین جهان مستعمره، موجب دستیابی به نتایجی واقع‌گرایانه‌تر خواهد گشت. شاید هم



**مدرنیته‌ی کاپیتالیستی، علی‌رغم تمامی بَزک‌ها و پیرایه‌های لیبرالی، همان‌گونه که موقعیت به‌جامانده از گذشته را فرونپاشانده و زن را آزاد و برابر ننموده است، وظایفی ضمیمه بر وی بار نموده و تحت موقعیتی دشوارتر قرار داده است**



صحیح‌ترین عبارت این باشد که زنان را قدیمی‌ترین خلق استعمارشده‌ای بنامیم که به سطح ملت نرسیده‌اند

مدرنیته‌ی کاپیتالیستی، علی‌رغم تمامی بَزک‌ها و پیرایه‌های لیبرالی، همان‌گونه که موقعیت به‌جامانده از گذشته را فرونپاشانده و زن را آزاد و برابر ننموده است، وظایفی ضمیمه بر وی بار نموده و تحت موقعیتی دشوارتر قرار داده است. موقعیت‌هایی همچون ارزان‌ترین کارگر، کارگرِ خانه،

کارگر بدون دستمزد، کارگر مسامحه‌پذیر و خدمتکار، نشان از حادث‌شدن وضعیت او دارند. به‌ویژه استثمارش را در مقام سرگرم‌کننده‌ترین موجود و ابزار تبلیغات تجاری، تعمیق بخشیده‌اند. حتی بدنش نیز به منزله‌ی ابزار متنوع‌ترین استثمارها، در سطح کالای اغماض‌ناپذیر سرمایه نگه داشته می‌شود. ابزار تحریک مستمر در امور تبلیغاتی است. خلاصه اینکه، فایده‌بخش‌ترین نماینده‌ی بردگی مدرن است. آیا می‌توان کالایی را تصور نمود که هم ابزار لذت بی‌پایان بوده و هم ارزشمندتر از برده‌ای باشد که منفعت سرشاری را با خود به‌همراه دارد؟

معضل جمعیت ارتباط تنگاتنگی با جنسیت‌گرایی، خانواده و زن دارد. جمعیت افزون‌تر، به معنای سرمایه‌ی بیشتر است. «زن خانه‌دار» کارخانه‌ی جمعیت‌سازی است. می‌توان آن را کارخانه‌ی تولید باارزش‌ترین کالاهای مورد نیاز نظام، یعنی «فرزندان»، نیز بنامیم. متأسفانه خانواده تحت تأثیر حاکمیت انحصارگرایانه، به سوی این وضعیت سوق داده شده است. تمامی رنج و دشواری‌ها بر دوش زن نهاده شده، ولی ارزش کالا باارزش‌ترین هدیه برای نظام است. جمعیت رو به تزاید، بیشتر از همه برای زنان زیان‌بار می‌باشد. در ایدئولوژی خاندانی نیز این‌گونه است. خانواده‌گرایی به منزله‌ی برگزیده‌ترین ایدئولوژی مدرنیته، آخرین مرحله‌ی موجودیت خاندان‌گرایی است. تمامی این موارد، بیش از پیش با ایدئولوژی «دولت-ملت» گراییی درآمیخته و یکی می‌گردد. چه چیزی می‌تواند ارزشمندتر از پرورش مستمر فرزندان برای دولت-ملت باشد؟ جمعیت هرچه بیشتر دولت-ملت، به معنای توان و نیروی بیشتر است. پیداست که در بنیان انفجار جمعیت، منافع حیاتی سرمایه و انحصارات مردانه‌ای وجود دارد که به شکل بسیار متراکمی سازماندهی شده‌اند. سختی، غم

باشد؟ هر نوع [زنده]، با این امر در شور و اشتیاق آن به سر می‌برد تا خویش را به ابدیت بسپارد. به‌ویژه این امر در انسان امروزی در سطحی زیسته می‌شود که به قول یک ترانه‌سرا «بلاى جان ماست، ذریه‌ی ما». نمی‌توان منکر شد که دیگر بار با بی‌اخلاقی، اشتباه‌آمیزی و کراهت عظیم انحصارگری مرد و سرمایه‌ای مواجهیم که با طبیعت اول و دوم مغایرت دارد

چیزی که به دست انسان بر ساخته شده، به دست انسان می‌تواند فروپاشیده شود. در اینجا نه یک قانون طبیعت مطرح است و نه یک سرنوشت. موردی که موضوع بحث است تنظیمات منفور انحصاراتی است که نظم زندگی سرطانی و هورمونی شبکه یعنی مرد حقّه‌باز و نیرومند را تشکیل می‌دهد. همیشه لزوم رسیدن این عالی‌ترین جفت موجود در کیهان (تا آنجا که کشف شده) به یک معنای ژرف را احساس نمودم. شهادت آن را نشان دادم که پیش از هر نوع رابطه‌ای با زن، ابتدا اهمیت اندیشیدن و سپس بر طرف‌سازی هر تخریبی که در هرجا، هر زمان و به هر مقداری که وجود داشته باشد را قرار دهم. بی‌شک زنی که توانمندانه بیاندیشد، قادر به تصمیم‌گیری نیک، زیبا و صحیح باشد، بتواند از من گذار نموده و بدین ترتیب مرا در حیرت وانهد و مخاطبم باشد، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های جستجوی فلسفی‌ام می‌باشد. اعتقاد همیشگی‌ام این بوده که رمز و رازهای جریان حیات موجود در کیهان، در کنار این زن با «بهترین، زیباترین و صحیح‌ترین» وجوهش معنا خواهد یافت. اما به‌گونه‌ای متفاوت از همه‌ی مردان به اخلاقم اعتماد داشتم؛ همان اخلاقی که سهیم نمودن کالای مرد و سرمایه‌ی موجود و «عروس هزار داماد» را در شیوه‌ی هستی‌ام رد می‌نماید. بنابراین فراتر از فمینیسم، اصطلاح ژنئولوژی (زن‌شناسی) می‌تواند هدف را بهتر برآورده سازد

و غصه، حقارت، آلام، اتهامات، محرومیت و گرسنگی سهم زنان است؛ و لذت و سود آن نیز برای «آقا»ی وی و سرمایه‌دار. در تاریخ، هیچ عصری به اندازه‌ی عصر کنونی، نیرو و آزمون استفاده از زنان به صورت یک ابزار استثمار همه‌جانبه را نشان نداده و در پی نگرفته است. زنان به منزله‌ی «اولین و آخرین مستعمره»، در خطرناک‌ترین لحظه‌ی تاریخ می‌زیند

حال آنکه زندگی مشترکی که با زنان و از طریق فلسفه‌ی بنیادینی سرشار از آزادی، برابری و دموکراسی ساماندهی و تنظیم شود، توانایی تحقق زیبایی، نیکی و درستی را در عالی‌ترین سطوح داراست. شخصا معتقدم که در موقعیت‌های موجود، زندگی با زنان بسیار مسئله‌دار است و به همان میزان زشت، پلید و اشتباه. از زمان کودکی بدین سو به هیچ وجه جسارت زندگی با زنان در موقعیت کنونی را نشان ندادم. آنچه مدنظرم بود، شیوه‌ی حیاتی است که [هدف از] غریزه‌ی بسیار نیرومند جنسی را مورد پرس‌وجو قرار می‌دهد. غریزه‌ی جنسی جهت تداوم حیات است. یک محصول خارق‌العاده‌ی طبیعت است که بایستی قداست داشته باشد. اما انحصارگری مرد و سرمایه، زنان را چنان آلوده نموده که این استعداد خارق‌العاده‌ی طبیعت را به یک نهاد تحقیرگشته‌ی تولید کالا نظیر «کارخانه‌ی زاد و ولد» متحول ساخته است. با این کالاها جامعه را زیر و زبر کرده و محیط‌زیست نیز تحت فشار جمعیت هر لحظه فرومی‌پاشد (فعلا جمعیت آن شش میلیارد است؛ به محیط‌زیستی بیاندیشیم که با سرعت کنونی جمعیتی ده یا پنجاه میلیارد نفری در آن زندگی کند). بی‌گمان صاحب فرزند شدن از زن، ماهیتا پدیده‌ای مقدس است؛ نشانه‌ی این است که حیات نابود نخواهد شد. احساس ابدیت و پایان‌ناپذیری را ایجاد می‌کند. آیا احساسی ارزشمندتر از این می‌تواند وجود داشته

# پیمان فیان: انقلاب زن ژیان آزادی رادیکالترین انقلاب قرن معاصر است



در این شماره از مجله‌ی آلترناتیو مصاحبه‌ای ویژه با ریاست مشترک پژاک رفیق «پیمان فیان» انجام داده‌ایم. رفیق پیمان در این مصاحبه جنگ میان حماس، حزب‌للا و اسرائیل را مورد واکاوی قرار داده و این جنگ را بعنوان جنگی هیبریدی یا بعبارتی جنگی چندجانبه که مطبوعات، اقتصاد، انرژی، اکولوژی، بیولوژی و استخباراتی را در بر می‌گیرد، به نام مُوده است

همچنین سیاست‌های دولت - ملت‌های خاورمیانه و بویژه ایران را علیه زنان ارزیابی نموده که دولتمردان، بر نیروی زنان بخوبی واقفند، برای همین از یک سو زنان فعال و پیشرو را رد میکنند، از سوی دیگر سعی در جذب برخی زنان دیگر، در سیستم خود را دارند

ریاست مشترک پژاک در خصوص اعتصاب غذای وریشه مورادی با خطاب گرفتن از جامعه‌ی آزادیخواه خواستار است که از موضع رادیکال وریشه مورادی صیانت به عمل آورند و می‌گوید: وریشه مورادی خوانشی صحیح نسبت به وضعیت کنونی دولت-ملت‌ها در خاورمیانه داشته و همانطور که در نامه‌ی اخیرش به آن اشاره نموده است، همه‌ی دولت‌ها و بویژه دولت-ملت ایران سعی دارد با برجسته نمودن جنگ‌های برون مرزی، سرکوب‌های داخلی را پنهان نموده، زیرا بر اراده‌ی جامعه به خوبی واقف است. اعتصاب غذای نامحدود او نیز اعلان موضع به سیاست‌های زن ستیزانه‌ی حاکمیت ایران بوده است.

• مدتی است که جنگ میان حماس و اسرائیل، وسیع‌تر شده است و حزب الله و ایران در این جنگ بطور مستقیم نقش داشته‌اند، ارزیابی شما از این وضعیت چیست؟

- جنگ جهانی سوم در جریان است، یک طرف جنگ نیروهای سرمایه‌داری و یک طرف نیز نیروهای اسلام‌گرا هستند. ویژگی این جنگ بسیار متفاوت‌تر از دو جنگ جهانی اول و دوم است. این جنگ، طولانی‌تر و وسیع‌تر می‌باشد و ابزار بکار گرفته در جنگ، متفاوت‌تر است. از سوی دیگر این جنگ، جنگی هیبریدی است، عبارتی جنگی چندجانبه که مطبوعات، اقتصاد، انرژی، اکولوژی، بیولوژی و استخباراتی را در بر می‌گیرد. از یک سو، وضعیت کوردستان و فلسطین به گره کور مبدل شده، و از سوی دیگر حملات علیه افغانستان، لبنان و دیگر دولت‌ها افزایش می‌یابد. دیزاین خاورمیانه وارد فاز نوینی گشته، دولت-ملت‌های منطقه سهمی از قدرت می‌خواهند اسرائیل نیز می‌خواهد در دیزاین نوین خاورمیانه نقش داشته باشد و حاکمیت ایران، نیز با استفاده از نیروهای نیابتی خود بر آتش این جنگ می‌افزاید. این جنگ جنگ منافع دولت‌هاست، به همین دلیل جنگی رقابتی بر روی خط انرژی و مساله‌ی تجارت در حال وقوع است. در این جنگ‌ها نیروهای نیابتی در کشورهای همسایه به جنگ با یکدیگر می‌روند و در راستای منافع دولت‌ها می‌توانند از میان برداشته شوند. همانطور که در جنگ جهانی اول و دوم دولت ایران مستقیماً در جنگ شرکت نکرد و تا حدودی دوری گزید، در این جنگ نیز خواهان آن بود که با بکار بردن نیروهای نیابتی در برون مرزها، جنگ را از خود دور سازد. اما لازم به ذکر است که این جنگ گریبان حاکمیت ایران را خواهد گرفت. زیرا مهم‌تر از جنگ‌های برون مرزی، وضعیت نابسامان داخلی است که حاکمیت را دستپاچه نموده است. اما از دیگر سو، باید به این موضوع اشاره کرد، نیروهای سرمایه‌داری جهانی، خواهان ایجاد انقلاب و تغییری بنیادین در حاکمیت ایران، نیست، زیرا نیروی انقلابی جامعه‌ی ایران نه به دولت ایران

خدمت نمود، نه به سیستم سرمایه‌داری جهانی، از همینرو بود که در همان روزهای آغازین انقلاب ژن ژیان آزادی، دولت‌های غربی صراحتاً نشان دادند، که خواهان تغییر حاکمیت کنونی نیستند. پس باید تاکید نمود که جنگ کنونی، جنگ خلق‌ها نیست و جنگ میان دولت‌هاست و خلق‌ها قربانیان جنگ‌ها هستند، از همین رو تنها راه برون رفت از چنین وضعیتی، سازماندهی خلق‌ها در همه‌ی حوزه‌ها و عرصه‌هاست

• دو ماه از تشکیل کابینه‌ی پزشک‌یان، می‌گذرد، کابینه با شعار وفاق ملی، آغاز بکار نمود، به نظر شما، تفاوت‌مندی‌های ملی و مذهبی، چه جایی در این وفاق ملی دارند؟

- در پاسخ به این سوال باید گفت، تعریف اتحاد ملی و وفاق ملی از دیدگاه حاکمیت چیست؟ در ساختار دولت - ملت که دولت در مرکز قرار گرفته و ملت در حاشیه، چگونه می‌توان از ملت تعریف صحیحی ارائه نمود. همچنین با وجود ساختاری ملی گرا که شعار اساسی آن یک ملت، یک پرچم و یک مذهب است، چگونه می‌توان حقوق یکسان و برابر برای تمام تفاوت‌مندی‌ها و تنوعات موجود در جغرافیای سیاسی ایران، قائل بود؟ پس با این تفاسیر، می‌توان گفت منظور پزشک‌یان از وفاق ملی، تقویت ذهنیت ملی‌گرایی به منظور برجسته کردن یک ملت و در حاشیه قرار دادن و حذف نمودن دیگر ملت‌هاست. با گذشت مدتی کم از روی کار آمدن کابینه، مشخص شد که کوردی-آذری صحبت کردن پزشک‌یان و سفرها و دیدارهایش از آذربایجان و کوردستان، نتوانست از درد ملت‌های مختلف بگوید، پس اتفاقاً، باید گفت ملی‌گرایی نه، بلکه به رسمیت شناختن ملیت‌های گوناگون در جغرافیای سیاسی ایران می‌تواند راهگشای مسائل ملی در ایران باشد

• یکی از اهداف کابینه‌ی پزشک‌یان شکستن تحریم‌ها علیه دولت ایران بود، از همین رو سیاست‌های خارجی ایران را در طول این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

و فاشیستی در سطح جهان و در عین حال دولت-ملت‌های منطقه، موضوع زنان را برجسته می‌کردند و زنان را در کابینه و مجلس قرار می‌دادند. به نظر شما اگر زنی در حزب راستگرا و فاشیستی به درجه‌ی بالای ریاست دست پیدا کند، چه درکی از وضعیت همجنس‌انسانش دارد؟ تا چه اندازه می‌تواند بازگویی رنج‌های کشیده‌ی زنان باشد و بر دردشان درمان نهد؟ خود حاکمیت، نیز می‌داند که مساله‌ی آزادی زنان یکی از موارد مهم در روند دموکراتیزاسیون در جامعه است، از همین رو سعی می‌کند در متینگ‌ها و انتخابات، از مساله‌ی زنان بگوید. پزشک‌ان در میتینگ‌های

## تحمیل انزوای شدید بر رهبر عبدالله اوجالان، به آن دلیل است که فکر و فلسفه‌ی آپویی به عنوان یگانه راه حل مسائل در خاورمیانه، در پشت میله‌های زندان محبوس بماند، غافل از آنکه این فکر و فلسفه در اقصی نقاط جهان مورد بحث و تدریس قرار می‌گیرد

خود از مساله‌ی زنان گفت، اما صحبت‌هایش بوی جنسیت‌گرایی می‌داد، زیرا ماهیت حاکمیت جنسیت‌گرا است. از سوی دیگر، چنین زنانی از سوی حاکمیت همچون مدل به جامعه نشان داده می‌شوند. یعنی اگر تو زنی مطیع و تابع سیستم مردمحور باشی و به آن خدمت کنی، قادر به حضور در عرصه‌های سیاسی خواهی بود. این سیاست کلی نامزدهای انتخاباتی است، گاهی روبان بنفش به دست می‌بندند، گاه از نقش پر رنگ زن در خانواده می‌گویند، گاه می‌گویند که صدای زنان است، در حالیکه مغز حاکمیت ضد زن است، پزشک‌ان نیز در ابتدا اینگونه برخورد

- بله همانطور که شما نیز اشاره کردید، ایران در میان انبوهی از تحریم‌ها قرار گرفته است و در طول این مدت، سیاست‌های داخلی و خارجی‌اش با شکست مواجه شده است، از همین رو از طریق پزشک‌ان، سعی بر آن دارد تا با امتیاز بخشی به دولت‌های خارجی، از شدت این تحریم‌ها بکاهد. بخشی از اهداف سفرش به دولت‌های عربی و نیویورک نیز در این راستا بود، اما با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی، مشاهده می‌کنیم، درصد تورم و سطح بیکاری افزایش یافته، روزانه بازنشستگان، پرستاران، معلمان و دیگر اقشار جامعه، در اعتراض به وضعیت‌شان به خیابان‌ها می‌آیند، پس ناکارآمدی دولت درباره‌ی مسائل اقتصادی بسیار بارز و ملموس است. از طرفی مساله‌ی حاکمیت ایران، تنها و تنها مسائل اقتصادی نیست، بلکه سیاسی، فرهنگی، ملی و اجتماعی است. پس هر چند که دولت در دو ماه گذشته، در ترافیک دیپلماسی بسر می‌برد، اما نتوانست از مشکلات عظیم داخلی جلوگیری کند. یعنی سیاست خارجی منجر به گسترش و تقویت جنگ شد، نه برقراری صلح و آرامش در منطقه!

• سیاست‌های دولت - ملت‌های خاورمیانه و بویژه دولت ایران و کابینه‌ی پزشک‌ان را در برابر زنان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ - همانطور که در سوالات قبل اشاره شد، جنگ جهانی سوم در جریان است، چه در جنگ جهانی اول و چه جنگ جهانی دوم، زنان و کودکان غنایم جنگی بودند، این وضعیت در جنگ جهانی سوم نیز بهمان شیوه است. مهاجرت، تجاوز، کشتار ... از جمله مسائلی است که زنان در طول جنگ با آن مواجه هستند. از آن جهت تعاریف نظام سرمایه‌داری و دولت-ملت، زن ستیزانه است، پس آلترناتیوها نیز زن ستیزانه است و وضعیت زنان را بغرنج‌تر از گذشته می‌کند، زیرا آنان قربانی و مقدر جنگ هستند. علاوه بر این، دولتمردان، بر نیروی زنان بخوبی واقفند، از همین رو از یک سو زنان فعال و پیشرو را رد می‌کنند، از سوی دیگر سعی در جذب برخی زنان دیگر، در سیستم خود دارند. در سال گذشته دیدیم که احزاب راست‌گرا

بسیاری از زنان از حقوق اجتماعی و سیاسی خود محروم می‌شوند. و در نهایت زندان به محلی برای اجرای این احکام مبدل می‌شود. در طول یک سال گذشته زنان خانواده اکثراً از سوی یکی از اعضای نزدیک خانواده، به قتل رسیده‌اند، اما هیچ یک، مورد بازخواست قرار نگرفتند، چرا؟ چون ماهیت حاکمیت ضد زن است. از سوی دیگر خود رژیم می‌داند که انقلاب ژن ژیان آزادی ادامه دارد و سرکوب نشده است. زیرا انقلاب، انقلابی ذهنیتی، فرهنگی و اجتماعی بود و بر فکر و اندیشه جامعه تاثیر نهاده است. اگرچه جرقه‌ی انقلاب در یک آن زده می‌شود، اما پروسه‌ی انقلاب، پروسه‌ای طولانی مدت بوده و در طول این دو سال در حوزه‌های مختلف، انعکاس یافته است. علی‌رغم اینکه حاکمیت سعی داشت که با انتخاب زنان در پست‌های بالای دولت و دادن وعده وعیدهای گوناگون مخالفت‌ها و اعتراضات زنان را سرکوب نماید و موجب شود تا زنان از مطالباتشان دست کشند، اما می‌توان گفت این وعده وعیدهای پوشارین راه به جایی نبرد. هم اکنون زنان هم از ظلم و ستم رانده شده به خودشان، بخوبی آگاهند و هم اینکه سر تسلیم فرو نمی‌آورند. انقلاب ژن ژیان آزادی، نیاز به پیشاهنگی زنان و حضور فعال زنان در تمامی عرصه‌ها به منظور ایجاد جامعه‌ای آزاد، را به همگان نشان داد. از آن جهت که هدف انقلاب ژن ژیان آزادی بسیار روشن بود، و به ریشه‌ای ترین مساله‌ی موجود در جامعه که همانا به گره کوری برای دولت مبدل شده پرداخت، پس حاکمیت تمام توان خود را برای انتقام از زنان مبارز و پیشرو گرفت و این دقیقاً به معنای ترس از مطالبات رادیکال جامعه و بویژه زنان است. از همین‌رو موج عظیمی از دستگیری را آغاز نمود و برای زنان پیشاهنگ احکام سنگین صادر نمود. چرا؟ اولاً زنان پیشاهنگ بوده، جامعه چشم به عملکرد پیشاهنگ خود می‌دوزد، پس حاکمیت با دستگیری همان زن پیشاهنگ، سعی دارد روحیه‌ی مبارزاتی را تضعیف نماید. دوماً، حاکمیت زندان را به سان خانه‌ی آخری نشان می‌دهد که دیگر نه تنها مبارزه، بلکه زندگی در آنجا پایان می‌یابد،

راه حل‌های ارائه شده از سوی نظام سرمایه‌داری و دولت - ملت نه تنها درمان نیست، بلکه خود درد است. از همین رو بود که رهبر عبدالله اوجالان، بر همزیستی مسالمت آمیز خلق‌ها با تکیه بر آزادی زنان اصرار ورزیدند. پروژه‌ای تحت نام «مدرنیته‌ی دموکراتیک» که تمام جوانب مردسالارانه، ملی‌گرایانه، مذهب‌گرایانه را مورد مواخذه قرار می‌دهد

کرد، همانطور که مسائل ملی در راستای منافع حاکمیت را بسیار مطرح کرد، خواست که مساله‌ی زنان را به نفع خود بکار گیرد. اما باید گفت که ریاست جمهوری و کابینه نیز، پست و مقامی است که برنامه‌های دولت را عملی می‌سازد. پس کابینه‌ی پزشکیان، آن هم در وضعیت کنونی نه تنها نمی‌تواند پاسخگو باشد، بلکه کل صورت مساله را پاک می‌نماید

• در دومین سالگرد انقلاب ژن ژیان آزادی شاهد افزایش خشونت و بویژه دستگیری و اجرای احکام سنگین بویژه علیه زنان بوده‌ایم، هدف از دستگیری زنان چیست؟

- شما در سوال قبل از حضور زنان در کابینه پرسیدید، و من نیز از عدم پاسخگویی کابینه به مطالبات جامعه گفتم، با نگاهی به وضعیت کنونی جامعه و بویژه زنان، منظورم را بخوبی متوجه می‌شوید. این حاکمیت پیرسالار مردمحور بر جامعه سایه افکنده، قانون و لایحه و فتوا از سوی مردان وابسته به دولت صادر و اجرا می‌شود. در مساجد به جای زنان و برای آنان تصمیم گرفته می‌شود، در مجلس، بنام قانون



# ÖCALAN

## UNA SOLICIÓN POLÍTICA PER A LA QÜESTIÓ KURDA!

کوردستان است و در راستای آزادی زنان و کل آحاد جامعه گام در راهی پر تلاطم نمود. شما بخوبی نامه‌های وریشه را بخوانید، در پس هر واژه‌اش، درک از وضعیت زنان و ارائه‌ی آلتزناتیو نهفته است. فعالیت آزادپخوانانه‌ی وریشه مرادی تنها به یکسال گذشته محدود نمی‌شود، او سال‌هاست برای آزادی هم نوعانش فعالیت می‌نماید. طی سال‌ها فعالیت و مبارزه نسبت به وضعیت زنان درک عمیقی پیدا نمود و سعی کرد از دردهای جامعه بکاهد. محتوای نامه‌های وریشه مرادی و پخشان عزیز در طول این مدت، دقیقاً پیام‌آور انقلاب ژن ژیان آزادی بود. وریشه در یکی از نامه‌هایش از ستم‌های ملی، مذهبی و جنسیتی می‌گوید و تنها راه چاره‌یابی مشکلات و مسائل را در همزیستی مسالمت‌آمیز خلق‌ها در ایران با تکیه بر رهایی و آزادی زنان خاطر نشان می‌سازد. حال در زندان نیز، به صدای زنان ستم‌دیده و در عین حال آزادپخواه مبدل شده. او از مرداد ماه سال ۱۴۰۲ دستگیر شده و هم اکنون در زندان اوین محبوس است. در طول این مدت، تحت شکنجه‌های روانی بسیاری قرار گرفت و از ملاقات با وکلا و خانواده‌اش محروم است، اما علی‌رغم این همه فشار و محدودیت، تنها و تنها سعی داشته که نه تنها وضعیت خود، بلکه وضعیت دیگر زندانیان سیاسی زن را

پس باید فرد زندانی، در مرگی خاموش فرو رود. اما در طول چند سال گذشته مشاهده نمودیم که زندان خانه‌ی آخر نه، بلکه یکی از سنگرهای بنیادین مبارزه‌ی زنان است، زینب جلالیان تنها زندانی زنی است که بیش از ۱۷ سال است که با مقاومتش زندگی می‌سازد. شیرین علم هولی که از زنان اعدامی بود، برای اولین بار شعار ژن ژیان آزادی را بر روی دیوار زندان نوشت، او در راه زندگی جان داد، اما شرف را نه! حال نیز زنان مبارزی همچون؛ وریشه مرادی، پخشان عزیز، گلرخ ایرایی، شریفه محمدی و ... در زندان‌های مختلف، در ایران برای رسیدن به هدف شان مبارزه می‌کنند. دیگر احکام سنگین نمی‌تواند زنان را از مبارزه باز دارد، بلکه برعکس این مقاومت و مبارزه بر دل حاکمیت ترس و هراسی فراوان انداخته است و او را در سراسیمگی قرار داده است. پس در یک کلام باید گفت مبارزات زنان رادیکال و برحق است، پس آزادی آنان نیز امری لازم و ضروری است و فعالیت‌ها در این راستا باید صورت گیرد

- خوانش شما نسبت به اعتصاب غذای وریشه مرادی، همچون ریاست مشترک پژاک چیست؟
- وریشه مرادی « جوانا سنه » از زنان مبارز

با تکیه بر آزادی زنان اصرار ورزیدند. پروژهای تحت نام «مدرنیته ی دموکراتیک» که تمام جوانب مردسالارانه، ملی گرایانه، مذهب گرایانه را مورد مواخذه قرار می‌دهد و در عین حال برایش آلترناتیو نیز ارائه می‌دهد. در اصل ایجاد چنین سیستمی، به معنای تغییر ذهنیت است و این تغییر ذهنیت دقیقاً یعنی درمان برای تمام دردهای خاورمیانه! انقلاب زن ژیان آزادی، یکی از رادیکال‌ترین انقلاب‌های قرن معاصر است که هنوز هم ادامه دارد. رهبر عبدالله اوجالان، چندین سال قبل به ضرورت ایجاد چنین سیستمی در شرق کوردستان و ایران پرداختند، زیرا تنوعات ملی-مذهبی بسیاری در این جغرافیای سیاسی زندگی می‌کنند و مساله‌ی آزادی زنان ریشه‌ای ترین و اساسی ترین مساله‌ی موجود در ایران است. پس خلق‌های ایران، پذیرای چنین ذهنیت و سیستمی هستند. همانطور که شما گفتید کمپین آزادی برای عبدالله اوجالان با استقبال فراوانی در سطح جهانی مواجه شده است، زیرا آزادی رهبر عبدالله اوجالان، آزادی خلق‌های ستمدیده و آزادیخواه است. تحمیل انزوای شدید بر رهبر عبدالله اوجالان، به آن دلیل است که فکر و فلسفه‌ی آپویی به عنوان یگانه راه حل مسائل در خاورمیانه، در پشت میله‌های زندان محبوس بماند، غافل از آنکه این فکر و فلسفه در اقصی نقاط جهان، مورد بحث و تدریس قرار می‌گیرد و حمایت‌ها روز به روز بیشتر میشود، البته که در وضعیت کنونی، آزادی رهبری راه بر حل مسائل و مشکلات در ایران و شرق کوردستان می‌گشاید. در وضعیتی قرار داریم که لازم به وظایف و رسالت اخلاقی-وجدانی خود در راستای آزادی فردی که ۲۶ سال از زندگی‌اش را در زندان، برای آزاد نمودن جامعه، فدا کرد، عمل نمائیم. از همینو از همه‌ی زنان و جامعه‌ی آزادیخواه شرق کوردستان و ایران می‌خواهم که در این کمپین شرکت کنند و برای آزادی جسمی رهبر عبدالله اوجالان گام بردارند

به جهانیان نشان دهد. در طول این مدت، بارها درباره‌ی وضعیت زندانیان دیگر اعلان موضع کرده و به دادگاه نرفته است، از سوی دیگر خوانشی صحیح نسبت به وضعیت کنونی دولت-ملت‌ها در خاورمیانه داشته و همانطور که در نامه‌ی اخیرش به آن اشاره نموده است، همه‌ی دولت‌ها و بویژه دولت-ملت ایران سعی دارد با برجسته نمودن جنگ‌های برون مرزی، سرکوب‌های داخلی را پنهان نموده، زیرا بر اراده‌ی جامعه به خوبی واقف است. اعتصاب غذای نامحدود او نیز اعلان موضع به سیاست‌های زن ستیزانه‌ی حاکمیت ایران بوده است، در همین راستا برای همصدایی بیشتر با وریشه مرادی، از جامعه‌ی آزادیخواه می‌خواهم که از این موضع رادیکال وریشه سیانت به عمل آورند.

• در ۲۷ مین سالگرد توطئه‌ی بین المللی علیه رهبر عبدالله اوجالان و دومین سال از آغاز کمپین «آزادی برای عبدالله اوجالان و حل سیاسی مساله‌ی کورد» قرار داریم، با توجه به وضعیت بحرانی خاورمیانه و رهیافت ملت دموکراتیک، رسالت جامعه‌ی آزادیخواه در خاورمیانه و بویژه ایران و شرق کوردستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
- در طی حداقل دو دهه‌ی اخیر، متوجه شدیم که نه سیستم سرمایه‌داری جهانی و نه دولت-ملت‌های منطقه، قادر به سیاست‌گذاری صحیح درباره حل مسائل خلق‌ها و بویژه خلق کورد نیستند. نظام سرمایه خود را منجی و پیام آور صلح و آرامی، نشان داد و بنام آزادی، دست به مداخله زد و ما حصل مداخله، جنگ و خونریزی و قتل عام بود و بس! اما سیاست‌های دولت-ملت‌های منطقه نیز جامعه را به قهقهرآ برد. یعنی هر کجا که اقتدار رخنه کرد، همان آنجا دموکراسی رخت بر بست! بحران‌ها یکی پس از دیگری سر درآوردند و این سرزمین کهن به مرکز کائوس و بحران مبدل شد. پس راه حل‌های ارائه شده از سوی نظام سرمایه داری و دولت - ملت نه تنها درمان نیست، بلکه خود درد است. از همین رو بود که رهبر عبدالله اوجالان، بر همزیستی مسالمت آمیز خلق‌ها



# در جستجوی آزادی و آفریدن حقیقت اجتماعی



بیستون مختاری

ترکیه به عنوان عضوی از ناتو و گلاویز بین‌المللی، پروژه‌ی پاکسازی حزب کارگران کوردستان را به شکل همه‌جانبه‌ای در برنامه‌ی کاری ناتو قرار داد. این طرح در سه حوزه و گستره‌ی سیاسی - اجتماعی، کوردستان، خاورمیانه و اروپا خود را تعریف و به فعلیت می‌رساند. می‌توان با توجه به عمق و جهان‌شمول بودن همکاری‌های بین‌الدولی، ادعا کرد که قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از پتانسیل‌ها و فعالیت‌های روبه‌گسترش و انترناسیونالیستی حزب کارگران کوردستان به رهبری عبدالله اوجالان نگران بودند و نظریات و پراکتیک رو به گسترش او مانعی اساسی بر سر راه خویش می‌دیدند.

اینک با گذشت بیست و شش سال از زندانی شدن فیزیکی رهبر آپو هر سال جنبه‌های تاریک این توطئه روز به روز برای مخاطب آگاه روشن می‌گردد. شاید بتوان گفت و به کوتاهی نیز نتیجه گرفت که دلیل وجودی این اتحاد نامیمون و نامتجانس برای دستگیری و از میان برداشتن رهبر آپو چیزی جز این نبود که ایشان نه نظم جهان سرمایه‌داری و سودمحوری غربی را می‌پسندید و نه در مقابل استبداد کور و خشن و غیر انسانی خاورمیانه‌ای که هیولوار همه چیز را در دایره‌ی خودخواهانه‌ی خویش می‌بلعید

نهم اکتبر ۱۹۹۸ آغاز توطئه‌ای است که در ادبیات سیاسی خلق کورد "روز سیاه" نام گرفته است

در ماهیت قضیه به کارگردانی نیروهای سرمایه‌داری بین‌المللی و منطقه‌ای و به بازیگری دولت ترکیه انجام پذیرفت. باید دانست که این توطئه نمود بیرونی پروژه‌ای با ریشه‌های عمیق و لزوماً تاریخی است

ساختار و سازمان مدرن سوسیالیستی و هم‌راستا با آن نظرگاه جهان‌شمولی که رهبر اوجالان در فضای دوران پسا اردوگاه شوروی در خاورمیانه بر ساخت، گستره‌ای از تهدیدات را برای ماهیت وجودی دولت‌های واپس‌گرای خاورمیانه به‌صورت عام و سیستم سیاسی فاشیستی ترکیه به شکل خاص و از همه مهتر نظم نوینی که بستر آن از مدتها پیش پایه‌ریزی شده بود پدید می‌آورد. پس از فروپاشی بلوک شرق در ۱۹۹۱، جهان وارد مرحله‌ای جدید گردید. سرمایه‌داری غرب مغرور و مسرور از به ظاهر پیروزی خویش، به نظر می‌رسید، سرمایه‌داری بین‌الدولی استراتژی راهبردی خود را بر آن بنیان نهاد که تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های سوسیالیستی و دموکراتیک را جدای از کوچک و بزرگ بودن آنها یا از میان بردارد و یا در خود استحاله نماید. در این راستا

ایران و روژهلات بدل گشته و بی‌گمان افق‌های روشن و وسیعی را فراروی خلق‌های آزادی‌خواه گشوده است. همه‌ی اینها تنها در سایه‌ی نثار جانمایی گرانها به وجود آمده و زمینه‌ساز انقلابی شگفت‌انگیز گردید

**انقلاب ژن، ژیان، آزادی! انقلابی بر اساس فکر و فلسفه‌ی رهبر خلق‌های آزاده‌ی جهان؛ رهبر آپو!**

امروزه و در این اوضاع ناب‌سمان خاورمیانه مسئله‌ی یا پرسمان کورد در کنار مسئله‌ی فلسطین و اسرائیل یکی از اساسی‌ترین مسائل منطقه و به تعبیری دیگر گره‌کورد مسائل لاینحل خلق‌های منطقه است. سرمنشاء و بانی این مسئله و مسائل و مانع‌چاره‌یابی دموکراتیک آنها، سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی‌ست. این سیستم، با ایجاد بحران، شیوه‌ی مدیریتی بحران‌زا، تضعیف نیروهای منطقه‌ای و وابستگی همیشگی منطقه به سیستم سرمایه‌داری جهانی که حضور مستمر گردانندگان سیستم سرمایه‌داری جهانی را در منطقه ضمانت می‌کند، این گره‌کورد را ایجاد نموده و از چاره‌یابی دموکراتیک آن ممانعت بعمل می‌آورد. از این‌رو چاره‌یابی دموکراتیک مسئله‌ی کورد نقش بسزایی در چاره‌یابی مسائل خلق‌های دیگر منطقه خواهد داشت. که این هم تنها با آزادی فیزیکی رهبر آپو میسر خواهد شد. ایشان که مدعی چاره‌یابی دموکراتیک این مسئله است و فرمول چاره‌یابی، نحوه‌ی چاره‌یابی و فرم اجرایش را ارائه نموده است، سالهاست گروگان و زندانی این سیستم جهانی‌ست

از این‌رو آزادی فیزیکی رهبر آپو با حل دموکراتیک مسئله‌ی کورد، مسئله‌ی خلق‌های ایران و دیگر خلق‌های منطقه ارتباطی ماهوی دارد

در شرایط بحرانی موجود بهترین راه حل مسئله‌ی خلق‌های ساکن در جغرافیای ایران و در رأس آنها خلق کورد، دموکراتیزه کردن ایران و ایجاد سیستمی دموکراتیک براساس فکر و فلسفه رهبر آپوست. موقعیت سرزمینی، سیرتاریخی و درهم تنیدگی تنوعات فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی منطقه برای شکل‌گیری و نهادینه شدن

## آزادی فیزیکی رهبر آپو، راه تحقق عملی پارادایم انقلاب ژن، ژیان، آزادی برای بر ساخت جامعه دموکراتیک در ایران را هموار می‌سازد و این به معنای حل مسایل و پایان جنگ‌ها و نسل‌کشی‌ها در دیگر نقاط مورد درگیری در جهان است

تسلیمیت را قبول نمود

ایشان همان‌طور که خود می‌گوید خود را با سوسیالیسم یکی نمود. رهبر آپو تنها سوسیالیست بودن را کافی نمی‌دانست بلکه تمامی وجود خود را در راستای اجتماع‌محوری و آزادی‌خواهی برای همه‌ی انسان‌های جهان به دور از رنگ، جنسیت و ملیت به اشتراک گذارد. این نمود کمونالیته تا فرای متافیزیک وجودی یک فرد - انسان است. اما ما اکنون و با گذشت بیش از دو دهه و نیم از زندانی و به اسارت گرفته شدن جسم رهبر خلق‌های به حاشیه رانده شده و ستم‌دیده و انقلابی، اندیشه - ساختاری که نظرگاه بزرگ و سوسیالیستی او در خاورمیانه و جهان پدید آورده، به عمق آینده‌نگری یا بهتر بگوییم آینده‌هراسی نظام سرمایه‌داری پی می‌بریم

این آینده‌نگری از همان ابتدای توطئه بین‌المللی در روژهلات میهن نیز دیدگاه اندیشه - عمل را در میان کسانی که به عدم پاسخگویی گفتمانهای سیاسی و منظومه‌های فکری موجود به نیازهای مترقی جامعه پراکنده شد سبب گردید تا جستجوی تازه و البته دیگرگونه جهت گذار از وضعیتی که جمهوری ولایی - اعدامی حاکم بر جغرافیای ایران بوجود آورده بود را پایه نهاد، با حیرت و شگفتی جنبشی نوین و بانشاط را در روژهلات و ایران ریشه بدواند. جنبشی که به مرور زمان اینک به مطرح‌ترین و مترقی‌ترین گفتمان سیاسی - ایدئولوژیک سپهر سیاسی در

این سیستم دموکراتیک بستریست مناسب که این موارد اهمیت، ضرورت و فوریت مسئله را چند برابر می‌کنند

امروزه فکر و فلسفه رهبر آپو گسترش جهانی یافته و دوستداران آزادی، دموکراسی و جویندگان حقیقت از گوشه و کنار جهان به تکاپوی شناخت و درک صحیح از ایشان افتاده و خواهان آزادی فیزیکی‌اش هستند. این موضوع حقیقتیست انکارناشدنی که دلایل وجودی متعددی داشته و همینطور مژده‌ایست جهت شکل‌گیری و تکوین سیستمی آلترناتیو یا همان سیستم مدرنیته دموکراتیک

در این میان علیرغم گسترش جهانی فکر و فلسفه رهبر آپو و فراهم شدن فرصت‌های تاریخی مساعد برای فعالیت در این راستا، درحد و اندازه قابل انتظار این اندیشه را در ایران و منطقه گسترش نیافته است. بی‌گمان دلیل اصلی این کم‌کاری عدم درک صحیح جامعه از فلسفه رهبر آپو و بالطبع عمل کردن به آن است. آزادی فیزیکی رهبر آپو با سازماندهی، اجتماعی شدن، اشاعه و نهادینگی فکر و فلسفه آپویی، ایجاد زندگی نوین و زیستن بر مبنای ملت دموکراتیک، جامعه و جوامع دموکراتیک و ایجاد سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک میسر خواهد شد. این نیز با مسئولیت‌پذیری و پیشاهنگی انسان‌های باورمند و دانا که حقیقت رهبری را به درستی درک نموده و به تمامی درخویش نهادینه کرده‌اند امکان‌پذیر خواهد شد. با این اوصاف شایسته است ما نیز در روژه‌لات و ایران در این مورد به موقع، به جا و بطور شایسته عمل کرده و وظایف تاریخی‌مان را به درستی به انجام برسانیم

تلاش و مبارزه برای آزادی فیزیکی رهبر آپو، در روژه‌لات کوردستان و ایران همزمان با آغاز کمپین‌های آزادی فیزیکی در سرتاسر جهان مهمترین موضوع در ادامه‌ی انقلاب ژن، ژیان، آزادی است. زیرا امروزه با انقلاب و فلسفه‌ی "ژن، ژیان، آزادی" ابعاد و عمق بحران‌های جهانی و منطقه بیش از پیش بر همگان روشن شده و در عین حال نیز، بر میزان تلاش‌ها جهت گذار از این بحران‌ها افزوده می‌شود، این مهم نیز به یمن

مبارزات شکوهمند و موثر رهبر آپو حاصل گشته است؛ رهبر آپو در نظریات و تحلیلات تاریخی خویش بارها بیان داشته است که: "انقلاب‌های این سده به انقلاب‌های زنان، و "آزادی زن" نیز به ایدئولوژی سده میدل خواهد شد". مشارکت و حمایت از کمپین "آزادی فیزیکی رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد" به وضوح نشان خواهد داد که افکار و فلسفه‌ی رهبر آپو تا چه میزان موثر و در سطح جهان اشاعه پیدا کرده است

نیروهای هژمونیک بیشتر از هر چیزی از افکار و اندیشه‌های رهبر آپو در هراس هستند، آزادی ایشان، به معنی گشودن درهای چاره‌یابی و گذار از مسئله‌ای خلق‌ها در خارومیانه است تحمل شرایط خارق‌العاده شکنجه و نسل‌کشی در امرالی به مدت بیست و شش سال، از نظر جسمی، روحی و فکری، یک ویژگی رهبری و تفاوت در رهبری بوده و این قدرت فکری، معنوی و اراده‌ی پولادین ایشان را نمایان می‌نماید. زیرا این تنها جسم ایشان نیست که در تابوت امرالی گروگان گرفته شده است، بلکه این اراده‌ی آزادی‌خواهانه است که قلب‌اش در همان امرالی می‌تپد. لذا لازم و وظیفه است که احاد مختلف جامعه از جمله زنان، جوانان و پیشاهنگان مبارزه برای آزادی در قبال تحقق آزادی فیزیکی رهبر آپو خود را مسئول بدانند

نتیجه نهایی اینکه در دومین سال از آغاز انقلاب ژن، ژیان، آزادی در ایران و روژه‌لات کوردستان و همچنین دومین سال از آغاز کمپین جهانی آزادی فیزیکی رهبر آپو در وهله‌ی اول ارتباط متقابل احزاب سیاسی و مردم می‌تواند در شالوده‌ی هماهنگ مابین این دو برای رسیدن به جامعه‌ای دموکراتیک تاثیرگذار باشد. اما متأسفانه به ظاهر احزاب سیاسی بخصوص در روژه‌لات کوردستان به صورت یک‌جانبه خط‌دهی نموده و خواهان تاثیرگذاری خود هستند و از سویی دیگر با قطع ارتباط معنامند و هم‌سو میان مردم و احزاب، که توسط نظام از طریق جنگ و بازی روانی صورت می‌گیرد، تلاش می‌شود گذار از این موضوع به‌سوی یک استخوان‌بندی سیاسی سوق نیابد. در واقع هدف، خروج اعتراضات مردم از

به واسطه‌ی نقاب‌زنی‌های پیاپی از سوی نظام تمدنی، تحریفاتی در آنها ایجاد شده است تلاش بس عظیم‌تری که در سطر به سطر مانیفست تمدن دموکراتیک ایشان هویداست، گرفتار نشدن در دام "روش" و "شیوه"ی مرسوم است که از سوی شبکه‌ی دانش - قدرت نظام سلطه‌گر ترویج داده می‌شود

این پیکار، موازی با ترسیم مسیر نوینی است؛ مسیری مستلزم شهادت اندیشیدن به سیاقی خلاف معمول!

پیمودن طریقی است دشوار، با تلاشی هم‌طراز عشق و بدون چشمداشت درعین حال بازگویی داستان پیشروی ابر انسانی مبارز است که در جستجوی آزادی و

**تلاش و مبارزه برای آزادی  
 فیزیکی رهبر آپو، در روژهلالت  
 کوردستان و ایران همزمان  
 با آغاز کمپین‌های آزادی  
 فیزیکی در سرتاسر جهان  
 مهمترین موضوع در ادامه‌ی  
 انقلاب ژن، ژیان، آزادی است**

آفریدن حقیقتی اجتماعی، پیمودن این طریق را کمر همت بسته و نوسرود خویش را از جزیره‌ای دور در گوش بشریت زمزمه‌ساز است؛ پس بایسته و شایسته است که هم در روژهلالت کوردستان و ایران و نیز در سرتاسر دنیا مبارزات در این زمینه گسترش یابد زیرا تنها این مبارزات است که آزادی همه‌جانبه خلق‌های تحت‌ستم را در جهان به ارمغان خواهد آورد

جریان مطالبات سیاسی و هدفمند و تقلیل‌دهی به نارضایتی نسبت به مشکلات اقتصادی است. احزاب سیاسی چه در کوردستان و همچنین در ایران لازم است با هم‌گرایی و تمرکز بر نقاط مشترک، ضمن مشارکت دادن اقشار و طبقاتی مختلف جامعه، روشنفکران، سیاسیون و طبقاتی که به حاشیه رانده شده‌اند، بر روی پروژه‌ای منسجم و فراگیر فعالیت نمایند. در این مرحله عدم وجود هماهنگی و هم‌سویی میان احزاب سیاسی حاصل عدم درک واقعیت موجود است که موجب هدر رفتن پتانسیل انقلاب می‌گردد. توسعه و پویایی سیاسی با مشارکت اقشار مختلف مردم به‌خصوص زنان و جوانان صورت می‌گیرد، این مشارکت در برساخت نظم نوین جهانی از اهمیت خاصی برخوردار است. جریان‌های سیاسی وظیفه دارند با مشارکت و درک مطالبات زیستی، سیاسی و اجتماعی مردم، خواسته‌های آنها را در چارچوب طرح‌های اجرایی سازماندهی نمایند. بدین‌صورت تنها با گریز از وضعیت تک‌ساحتی در حوزه‌ی گفتمانی احزاب و گشودن زمینه دیالوگ و گفتگو میان احزاب و جامعه، می‌توان دورنمایی روشن و دموکراتی را برای خود و جامعه ترسیم نمایند

در خاتمه باید گفت که آزادی فیزیکی رهبر آپو، راه تحقق عملی پارادایم انقلاب ژن، ژیان، آزادی برای برساخت جامعه دموکراتیک در ایران را هموار می‌سازد و این به معنای حل مسایل و پایان جنگ‌ها و نسل‌کشی‌ها در دیگر نقاط مورد درگیری در جهان است. در دومین سال انقلاب انتظار گسترش مبارزات برای تحقق آزادی رهبر آپو را از همه آحاد خلقتان داشته و بر این باوریم که مردم نیز در مقابل همچنان به این فداکاری‌های خویش ادامه خواهند داد. مرحله دوم کمپین بین‌المللی آزادی برای رهبر آپو و حل مسئله کورد آغاز گشته است، آزادی فیزیکی برای رهبری که پایه‌های فلسفی پارادایم جامعه‌ی اکولوژیک - دموکراتیک و آزادی‌خواهی زن را به گونه‌ی همه‌جانبه تشریح نموده است. هم‌چنین غور در ابعاد متفاوت و گذشته‌ی تاریخی نیز تلاشی است در جهت راست نمایانی حقایقی که نه تنها در خفا نگاه داشته شده‌اند بلکه

# زیستن حیاتی آزاد و معنامند برپایه‌ی آزادی زنان ممکن است



کلان فہیم

سرکوب‌های سیستماتیک صورت می‌دهند، البته که درک این حقیقت از اهمیت خاصی برخوردار است. افراد و سازمان‌های انقلابی، علی‌رغم همه‌ی تلاش‌ها، مبارزات و دستاوردهای‌شان، به دلیل عدم شناخت و درک صحیح از مسئله‌ی رهایی و آزادی و در عین حال ماهیت و دلایل این تهاجمات، متأسفانه به بخشی از خود نظام تبدیل شده‌اند.

اگر تغییرات بنیادین در ذهنیت ایجاد نشود، رهیافت نیز ارائه نمی‌شود. با یک مثال، منظورم را بهتر می‌رسانم. مریضی که به دکتر مراجعه می‌کند، در صورت عدم شناخت منشا بیماری‌اش، در صورت مداوا نیز، به بهبودی دست پیدا نمی‌کند، حال اگر بیماری‌اش کشنده باشد، به مرگ او می‌انجامد. مبارزه علیه سیستم نیز، همین را بیان می‌کند

اما سوال اینجاست، پس نقش زنان در تاریخ چه بوده و چرا نامی از آنان برده نشده است؟ سیستم کنونی، تاریخ حاکمان را به نگارش در آورده است و تاریخ ما قبل‌تر را رد و انکار می‌نمایند. علی‌رغم اینکه ۹۸ درصد تاریخ گذشته، تاریخ به دور از اقتدار و ۲ درصد تاریخ به دوران اقتدار اختصاص دارد، اما مورخین نظام، دوران قبل از تمدن را دوران جهالت، نادانی و بربریت می‌خوانند. با این اوصاف، چه انتظاری دارید

ماهیت و سطح دموکراتیزاسیون هر جامعه، به درک و نحوه‌ی برخورد با مسأله‌ی آزادی زنان بستگی دارد. همزمان با مطرح کردن مسأله‌ی دموکراسی اجتماعی «سوسیال دموکراسی»، باید گفت در صورت عدم توجه به مسائل تاریخی و اجتماعی زنان، مشکلات دیگر حل نخواهد شد، زیرا که مسائل مربوط به زنان، در ارتباط تنگاتنگ با مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی قرار دارد. محققان و جامعه‌شناسان از یک سو، آن طور که انتظار می‌رود، به مسئله‌ی برقراری دموکراسی جامعه، بر مبنای آزادی زنان نپرداخته و درک عمیقی از این موضوع ندارند، بطوریکه وقایع، معضلات و مشکلات پیرامون زنان را بسیار عادی جلوه داده و آن را ضرورتی طبیعی می‌خوانند، از دیگر سو نیز، از همین طریق این دیدگاه بر میتولوژی، دین و فلسفه نیز تأثیر گذار بوده و درصددند تا این نظریات را به افشار و آحاد جامعه بقبولانند. اما مسأله زمانی حادث می‌شود که عده‌ای بالاجبار و عده‌ای نیز بطور طبیعی، این پارادایم و ایدئولوژی را فرا می‌گیرند، در حالیکه همین جهانی‌بینی جامعه را در گرداب فروستگی و مستعمرگی، گرفتار ساخته است. مورخین نظام مردسالاری، از زنان بعنوان نسل، قشر و ملتی که باید نادیده گرفته شوند و حقوقشان پایمال گردد، یاد می‌کنند و علیه آنان

برخی اسناد مکتوب، ادبیات شفاهی و میتولوژی، مشخص است که جامعه دارای اصول دموکراتیک، برابر و آزاد بوده است. افراد جامعه بطور یکسان مشغول به کار هستند. افراد بیکار، مورد تایید جامعه نیستند. نه ظلم و اقتدار در چنین جامعه‌ای معنایی ندارد. حیات با به اشتراک گذاری است که زیباتر و معنامندتر می‌شود و همگی مکمل یکدیگر هستند. « یکی برای همه، همه برای یکی» فلسفه‌ی حیات است. تعاریف ارائه شده از واژه‌ی زن و طبیعت، بسیار در هم تنیده با همدیگر است، زیرا هر دو برای جامعه مفید و موثر هستند و همین نیز موجب قداست هر چه بیشتر آنان می‌شود. بهمین دلیل است که اغلب به طبیعت، مادر طبیعت می‌گویند. هر واژه، زائیده‌ی ذهنیت است و یا می‌توان گفت، خود واژه، فهم ایجاد میکند. معیار اخلاقی بسیار ملموس، بارز و تعیین کننده است و مشارکت برمبنای پابندی به معیارهای اخلاقی است. افراد فاقد معیارهای اخلاقی، از جامعه طرد می‌شوند و فرد بریده شده از اجتماع نیز تاب و توان مقاومت ندارد و محکوم به مرگ است. از سوی دیگر، تخریب محیط زیست و آسیب رساندن به آن، قابل قبول نیست، در عین حال آنان معتقدند در صورت آسیب رسانی به طبیعت، خود متوجه ضرر می‌شوند، بهمین دلیل از طبیعت محافظت می‌کنند و تنها برحسب نیازش از طبیعت بهره می‌برند

موضوع مهم دیگر این است که در چنین اجتماعاتی، حق یک شخص به رسمیت شناخته شده، اما فردیت وجود ندارد. هرچه وجود دارد، متعلق به همگان است، نه شخص ویژه‌ای! همزمان که تفاوت‌مندی‌ها و تنوعات تعریف شده‌اند، اما وحدت میان آنان نیز بر زیبایی حیات می‌افزاید! واژه‌هایی همچون فنا نمودن، تخریب و نابودی، در چنین جامعه‌ای تعریف نشده‌اند، زیرا که حیات آنان سرشار از احساس مسئولیت در قبال یکدیگر، همکاری، همیاری و رنج است. هرکس به اندازه‌ی توان و نیرویش در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کند. در هم تنیدگی روابط حیوانات، نبات و ... در طبیعت

کسی که تاریخ مکتوب را مطالعه کرده باشد، به تحقیق درباره‌ی ۹۸ درصد تاریخ بدور از اقتدار پردازد و طبق آن زندگی کند. پس گام اول، تلاش جهت اصلاح و تغییر این دیدگاه و ذهنیت است. حتی ضرورتی برای جامعه‌ی بشری است، زیرا در نتیجه‌ی چنین دیدگاه اشتباهی، جامعه به قهقهر کشیده می‌شود. گفتیم که تاریخ از سوی حاکمان به نگارش درآمده است، اما منظور از حاکم کیست؟ آنکه تاریخ دولت‌ها، اقتدارگرایان و نظام مردسالاری را به نگارش در می‌آورد. مسلم است که با وجود حاکمیتی ظالم، تاریخ و حقیقت زنان، نوشته نخواهد شد. اگر به موردهای جزئی نیز برمبغوریم، مطابق و هم راستا با افکار و دیدگاه‌های نظام مردسالاری می‌باشد. زیستن بدون تکیه بر تاریخ صحیح، ممکن نیست و از آنجا که تاریخ واقعی نوشته نشده است، فرد از حقیقتش دور گشته و به شیوه‌ای نادرست زندگی کرده است. پارادایم جنبش آپویی - اکولوژی، دموکراسی و مبارزات آزادیخواهی زنان، نقش مهمی در تصحیح و بازنویسی تاریخ داشته است. همین نیز به آشکار شدن حقیقت انجامید

برای توسعه‌ی دموکراسی و ایجاد صلح و آزادی، نگارش حقیقت، امری لازم و ضروری است. اگرچه در طول تاریخ، نظام اجتماعی تحت رهبری زنان شکل گرفته است، اما امروزه در اثر مداخله بر اراده‌ی زنان، بردگی عمیق را شاهد هستیم. گسست جامعه از حقیقت خویش، در پی گسست از حقیقت زنان اتفاق افتاد و این دقیقا یعنی انحراف ذهنیتی! نمیتوان انکار کرد، که انسانها، ضعیف‌ترین موجودات زنده هستند، پس به اجتماعی شدن نیاز دارند. در همه‌ی حیوانات، پس از دنیا آمدن، می‌توانند شکار کنند و به تنهایی بزنند، اما در مورد انسان‌ها اینگونه نیست، فرزند تا چندین سال به خانواده نیاز دارد. از همین رو می‌توان گفت که تفاوت انسان‌ها با حیوانات در اجتماعی بودن و استفاده از هوش است. با توجه به داده‌های تاریخی مشخص می‌گردد، که زنان در جامعه‌ی بشری نقشی پیشرو داشته‌اند. جامعه حول محور زنان، گردهم آمده، اما بر چه مبنای اصولی؟ با تکیه بر آثار باستانی،

## در طول ۵۰ سال گذشته، زنان بسیاری در کوردستان، ایران و منطقه، برای دستیابی به زندگی آزاد جان فدایی نمودند. آنان تعاریف خود ساخته‌ی ذهنیت مردسالار را کمرنگ ساختند و میراث عظیمی از مبارزه را برای جامعه به ارمغان گذاشتند

موجب شده تا انسان‌ها کیهان و طبیعت را همچون معجزه، نعمت، زیبایی، غنا و فرصتی برای تداوم خویش ببینند. این معیارهاست که موجب معنامندی حیات گشته است

اخلاق، معیار اصلی جامعه است، آنجا که اخلاق وجود داشته باشد، جایی برای اقتدار نمی‌ماند. برابری، آزادی، عدالت، تقسیم نمودن، کمک، احترام متقابل، سخاوتمندی و دفاع از جامعه، معیارهای اخلاقی هستند. جامعه‌ی اخلاقی-سیاسی، قادر به مدیریت خویش است، زیرا دارای نیروی اندیشیدن است. هریک از اعضای این اجتماعات، برای اینکه مشکلی در جامعه ایجاد نشود، به بهترین نحو کار میکرد و همین احساس مسئولیت و رنج و فداکاری، موجب برقراری دموکراسی می‌شد. پس می‌توان گفت پایه و اساس دموکراسی، تلاش نمودن و کار کردن است، چون هر یک از این افراد، مشارکت می‌نمایند. فعالیت‌های فکری و جسمی، در کنار یکدیگر و در میان همه‌ی اجتماعات صورت می‌گیرد. اما امروزه چه اتفاقی افتاده است؟ نظام کنونی، ذهن و جسم را از هم متلاشی ساخته است، همین موجب شده که ذهن‌ها درگیر و مشوش گردند و جسم‌ها نیز بیمار! در جامعه‌ی دموکراتیک، زنان بدلیل پیشاهنگی‌شان، بعنوان رهبر به حساب می‌آیند. همه خواهان رهبری زنان هستند و این مدیریت به اجبار صورت نمی‌پذیرد. جایگاه و پیشاهنگی

و نیروی سازماندهی زنان، بر حدت و شدت این امر می‌افزاید. آنان قادر به سازماندهی محیط اطرافشان بودند و همه‌ی فعالیت‌هایشان بر مبنای سازماندهی اجتماعات اطرافشان است. در چنین مکانی زنان هم خود صاحب اراده بوده و هم برای اراده‌ی اطرافیان، ارزش قائلند. رفتار و عملکرد زنان بسیار آموزنده بوده است. این چند سطر خلاصه‌ای از نقش و پیشاهنگی زنان بوده و پایه‌ها و ابعاد جامعه‌ی دموکراتیک، اکولوژی و آزادیخواهی زنان است. چرا؟ زن نیروی حفاظت از محل زندگی و جامعه‌اش، نیروی مبارزه و مقابله با مشکلات و مسائل است. بدینگونه زندگی را زیباتر از هر زمان دیگری می‌نماید، زیرا که نگاه به زندگی نیز بر مبنای زیبایی شناسی است. عملکرد او معنامند و زیباست و همین ویژگی او را به کانون توجه، مبدل ساخته است. رهبر آپو بر اراده‌ی مستقل زنان و اندیشه‌ی زیبای زنان تاکید فراوان دارد و می‌گویند لازم است همین اراده و توان اندیشه آنقدر زیبا باشد که همه آرزوی زیستن با او را داشته باشند. یعنی زنان با روح، فکر و اندیشه‌ای زیبای‌شان، زندگی را زیبا و معنامند می‌نمایند. سبک زندگی بدور از اقتدار این است که نوشته نشده است! ایدئولوژی‌های زن، با تکیه بر معیارهای زیبا و پرمعنا و مفهوم دوران ما قبل از اقتدار و مبنای قرار دادن آزادی زنان، سعی در آزاد نمودن جامعه دارد. تا به اینجا از زندگی معنامند و آزاد سخن گفتیم، اما ممکن است این سوال پیش بیاید، علی‌رغم چنین وضعیتی، چطور وضعیت جامعه بد و بدتر شد و چرا جامعه از چنین سبک زندگی، دور شدند و فاصله گرفتند؟ آرام آرام با افزایش جمعیت، مشکلات مختلفی پیش می‌آید که باید حل شود. اما آن گروه که از جامعه بریده بود، این بار سعی می‌کند جامعه را مدیریت کند و تحت کنترل در آورد، مرد کهنسال، با تجربه و مکار، از جمله کسانی هستند که از سیستم ایجاد گشته توسط زنان ناراضی هستند و در صددند تا حضور و تاثیر زنان در جامعه را کمرنگ جلوه دهند. از همینرو تمام تلاش خود را در این راستا بکار می‌برند، علاوه بر این نیز برآند تا با حاکمیت بر زن، جامعه را تحت

عملکردهایی، چالش‌ها روز به روز بیشتر و بیشتر و مشکلات عمیق و عمیق‌تر می‌گردد و جامعه در وضعیتی بحرانی قرار می‌گیرد. وضعیت بحدی حاد شده که علی‌رغم اینکه اقتدارگرایان بانی چنین وضعیتی شده‌اند اما برای حل مسائل و مشکلات، حاکمان و مسئولین جامعه را نیازمند خود ساخته و نیاز جامعه به حاکمان، الزامی می‌شود. تا اکنون نیز این شیوه‌ی سیاست، از سوی دولتمردان در حال اجراست. رهبر آپو، می‌گوید «هر چه قدرت بیشتر، مشکلات نیز بهمان اندازه افزایش می‌یابد.» و بهمان اندازه دموکراسی نیز ضعیف‌تر می‌شود. مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه می‌شویم، ساخته‌ی دست انسان‌هاست. معضلات مورد بحث ما نیز، اجتماعی هستند پس با خوانشی صحیح از این وضعیت، می‌توان گفت مرد حاکم و اقتدارگرا، خالق چنین وضعیتی است و مشکلات افزایش جمعیت، نبود نیروهای دفاعی جامعه، مسائل فرهنگی، اخلاقی، آموزشی برخاسته از چنین وضعیتی است. پس باید چاره‌ای اندیشید، راه حل و چاره نیز، با تغییر ذهنیت قابل حل است. رفتارهای خوب و بد نیز حاصل ذهنیت است. مسائلی که درک نشده و یا ضعیف درک می‌شود، از این ذهنیت نشات می‌گیرد. اگر ذهنیت تغییر یابد، عملکرد نیز تغییر می‌یابد. اینجاست که تعاریف عوض می‌شوند.

در طول تاریخ، مبارزات زنان بسیاری در برابر ذهنیت مردسالار و نظام صورت گرفته است، زنان بسیاری سمبل مبارزه بوده‌اند، هر یک از آنان خواهان تغییر و بهبودی وضعیت بوده‌اند و هزینه‌های بسیاری را متحمل شده‌اند. پس نمی‌توان این مبارزات را نادیده گرفت، اما سازماندهی زنان صورت نگرفته است و این مبارزات اغلب فردی و کوتاه مدت بوده است. در سازماندهی جامعه، تلاش برای دستیابی به جوهره و ماهیت اجتماعی ضروری است.

در طول تاریخ تا کنون، دو خط فکری به موازات یکدیگر، اما در تقابل و تضاد با همدیگر جریان داشته است

۱- ذهنیت دموکراتیک و آزادی خواه.

۲- ذهنیت اقتدارگرا.

کنترل خود قرار دهند و بدین ترتیب جامعه را مدیریت نمایند. برای انجام این کار نیز، به نیروی فکر و اندیشه نیاز می‌باشد. بعبارتی هژمونی ایدئولوژی ضروری است. از همینو تجربه را به سان سرمایه‌ای دست نیافتنی، نشان می‌دهند که نباید با جامعه به اشتراک گذاشته شود. اما از سوی دیگر، جوانان را آموزش می‌دهند و ذهن‌شان را به بیراهه می‌برند. هرچند که شیوه و سبک زیستن در جامعه‌ی اخلاقی - سیاسی بسیار مقبول بوده، اما آنان - شامان - با تغییر ذهنیت جامعه، می‌خواهند جامعه را از نو بازسازی کنند، پس به یک ایدئولوژی جدید و قوی نیاز دارند که بتواند جامعه را متقاعد نماید، با آغاز تمدن، نوک پیکان نیروهای اقتدارگرا زنان را نشانه می‌رود و حملات بصورت سیستماتیک صورت می‌گیرد و روند حاکمیت بر زنان، جامعه و طبیعت آغاز می‌شود. کار بر روی اعتقادات و مقدسات جامعه، اولین گامی است که اقتدارگرایان در این راستا، بر می‌دارند. حاکمیت ایران، نمونه‌ی فعلی و ماحصل چنین وضعیتی است. با گسترش اقتدار، طبقه نیز ایجاد می‌گردد. خلق‌ها در طبقه‌ی پایین جامعه قرار می‌گیرند. نمایندگان خدا، اداره‌ی جامعه را در اختیار می‌گیرند. این دیگر جامعه نیست که خودش را اداره می‌کند، بلکه از سوی قشر طبقه‌ی فرادست، اداره می‌شود. زنان دیگر در جامعه پیشاهنگ نیستند و نقش‌شان عوض می‌شود. کارگران در حال خدمت به مافوق‌شان هستند و حق اعتراضی ندارند. طبیعت طبق تمامی تمایلات انسانی و در خدمت به انسان غصب و تخریب می‌شود. مراکز مقدس، محل تجمع، آموزش و شکل‌گیری ذهنیت هستند. طبقه‌ی زیرین جامعه از جمله زنان، جوانان و کارگران در مراکز مقدس آموزش می‌بینند. اما هدف از این آموزش‌ها چیست؟ بردگی سیستماتیک زنان و ابژه گشتن‌شان، در عین حال در راستای خدمت بهتر و بیشتر به نظام حاکم، رقابت فراوانی بین کارگران بوجود می‌آید. از همین طریق، طبقه‌ی مرفه و ثروتمند بر طبقه‌ی فقیر جامعه، حکمرانی می‌کند. طبقه‌ی مرفه، به آن گروه از جامعه گفته می‌شود که به نظام خدمت می‌نماید. در نتیجه‌ی چنین



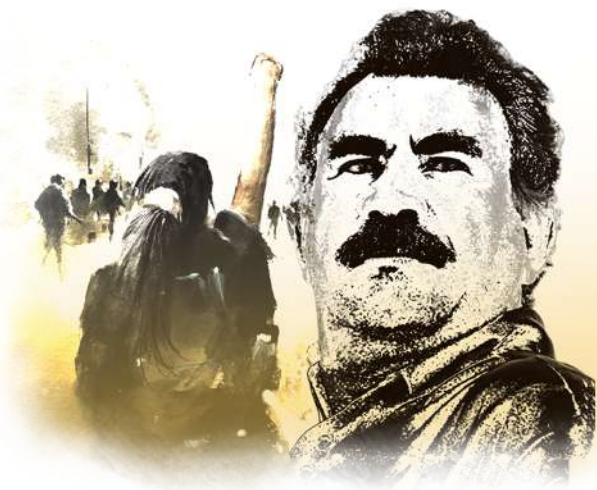
توان و نیروی انسان‌ها در اندیشه و ذهنیت شان نهفته است. دستاوردهای اجتماعی حاصل نیروی ذهنی است که عملکردهایی را در پی دارد. نیروهای اقتدارگر نیز بر این موضوع بخوبی واقفند، پس در ابتدا تلاش می‌نمایند تا ذهن‌ها را فتح نمایند. به انحراف کشاندن و به بیراهه سوق دادن جامعه، با فتح اذهان آغاز گشت و همچنان ادامه دارد. نیروهای سرمایه‌داری از طریق انباشت آگاهی نیرومند گشته، پس باید خاطر نشان کرد که نیروی اساسی، تسلیحات نه، بلکه ذهنیت است. بهمین خاطر است سیستم سرمایه‌داری، با جمع‌آوری و انباشت اطلاعات درصدد است که جامعه را اداره نماید و تحت کنترل خویش درآورد و تمام بشریت را مطابق میل خود شکل دهد. دانش پوزیتویستی به فرصتی برای تقویت رابطه فرادستان و فرودستان مبدل می‌شود. حقایق تحریف گشته را همچون دروغی محض به جامعه تحویل می‌دهند و در نتیجه جامعه را به اصطلاح هدایت می‌نمایند تا مخالفتی صورت نگیرد و مبارزات را سرکوب نمایند. با این وضعیت باید پرسید، روحیه جمعی، چگونه تقویت یابد؟ در جامعه‌ی دموکراتیک که زنان پیشاهنگ جامعه هستند، و تجارب بسیاری کسب نموده‌اند، آنان دانش خود را با دیگر اعضای جامعه به اشتراک گذاشته و همین نیز موجب پیشرفت‌های بسیاری در جامعه می‌شود. علم زندگی، چگونه زیستی را نشان می‌دهد.

بنابر گفته‌ی رهبر آپو، زن زندگی است، اما با زن فعلی نیز زندگی ممکن نیست. چرا؟ چون حملات سیستماتیک پارادایمیک وضعیت آنان را بحرانی ساخته است. سپس روش‌های گوناگون اعمال خشونت برای مشروعیت بخشی به ذهنیت زن‌ستیز و مردسالار بکار گرفته می‌شود. در چنین ساختاری، مطابق ذهنیت مردسالاری گام برداشته می‌شود. اما باید به این موضوع اشاره نمود، به همان اندازه که این ذهنیت زنان را مورد هدف قرار داده، به جامعه و مردان نیز ضرر رسانده است. با تحمیل و ترویج برده‌داری به زنان سلسله مراتبی در جامعه برقرار گردید که راه بر برده‌داری در بین آحاد مختلف جامعه گشود با

این تفاوت که مستعمرگی زنان با انقیاد طبقاتی و ملی فرق دارد. تفاوت چیست؟ اینکه برده‌داری موجود علیه زنان، با از طریق گفته‌های دروغین و داستان‌های ساختگی، توجیه می‌شود. حتی تفاوت بیولوژیکی زنان نقص و گناه شمرده می‌شود و بعنوان دلیلی برای برده‌داری زنان استفاده می‌شود. فعالیت‌های زنان بسیار کوچک و ناچیز شمرده می‌شود، زیرا فعالیتی به اصطلاح "زنانه" است. او در واقع کارگری بی‌دستمزد است که روزانه حقوقش پایمال می‌شود. از سوی دیگر، حضور زنان در جامعه شرم نشان داده می‌شود و واژگانی همچون عزت و ناموس همچون برچسبی تحت عنوان دین و اخلاق را می‌پذیرد. زیرا دین و اخلاق، ناموس و شرف زنان، مساله‌ی حیاتی است که در ملکیت مردان قرار دارد

آنان علاوه بر خشونت‌های خانگی که متحمل می‌شوند، از هر گونه کار اجتماعی نیز به دور نگه داشته می‌شوند، عدم حضور زنان در اجتماع موجب می‌شود تا عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دفاعی، تحت سلطه‌ی مردان قرار گیرد، از همین رو وضعیت زنان روز به روز بدتر می‌شود. ایدئولوژی مردسالار و زن‌ستیز موجب شد تا خشونت در همه‌ی حوزه‌ها، علیه زنان روا داشته شود. زن برای قبولاندن خویش به جامعه و کسب جایگاهی در جامعه در دام‌های بسیاری قرار گرفت و مجبور شد که از روکش‌های بسیاری استفاده نماید. او به هر کسی بجز خودش مبدل شد، همین نیز موجب شد که از هویت اصلی خویش فاصله بگیرد. او از شخصیت و ذات واقعی دور گشته و حال شبیه به فرد یا افراد دیگری است. رهبر آپو می‌گوید: «آن زمان که همه‌ی امکانات مادی و معنوی در اختیار مردان قرار گرفت، زنان مجبور شدند که منتظر باشند که مردان چه تصمیمی برای شان می‌گیرند» گاه‌ها التماس می‌کند و از مرد کمک می‌خواهد، گاه تمام آبروی خود را زیر پا می‌گذارد و تسلیم سرنوشت می‌شود، خیلی اوقات نیز در فرط خشم در سکوت مطلق فرو می‌رود، بعبارتی مرده‌ی متحرکی بیش نیست. واقعیت ملت مستعمره یا تحت انقیاد نیز روشن و مشخص است، حاکمان

شرم و گناه است. در چنین وضعیتی که نگاه‌ها جنسیت گرایانه است، زنان در دام این ذهنیت گرفتار آمده‌اند، چه باید کرد؟ راهکار چیست؟ رهبر آپو خوانشی صحیح نسبت به رویدادهای تاریخی ارائه داد و بارها تاکید نمود که درک و فهم عدالت است. تو چه اندازه صحیح بیندیشی، بهمان اندازه درک خواهی نمود، پس خوانشی صحیح از تاریخ، لازمی انجام مبارزات مداوم و رادیکال جنبش آزادیخواهی است. از همین رو در برابر ایدئولوژی مردسالار، ایدئولوژی آزادیخواهی زنان را اعلان نمود. همچنین با تحلیل از تجربیات جنبش‌های سوسیالیستی معتقد بود که تنها حضور زنان در عرصه‌های مختلف، برای رسیدن به آزادی، کافی نیست و لازم دانست که زنان بصورت خود ویژه خود را سازماندهی نمایند. از همین رو در ابتدا ارتش زنان را اعلان نمود. یعنی در میان ارتش آزادیخواهی خلق کورد، ارتش زنان را سازماندهی نمود. اما چرا ایجاد چنین ارتشی در کوردستان اهمیت دارد؟ زیرا که مساله‌ی جنگ و خود دفاعی مسائل بسیار مهمی هستند. زیرا در نظام مردسالار، در این حوزه جایی برای حضور زنان ندارد، زنان در جنگ‌ها، قربانی می‌شوند و در بازارها فروخته می‌شوند، طرفین جنگ نیز آنان را غنایم جنگی می‌خوانند. با تاکید بر این مساله، خود دفاعی، تنها در بخش نظامی صورت نمی‌گیرد و باید به همه‌ی حوزه‌های فعالیت، تعمیم داده شود، اما لازم است بدانیم که زنان با حضور در ارتش‌ها، دیگر قربانی نشدند، و تعریف از جنگ را تغییر دادند. اما مبارزات زنان تنها به ایجاد ارتش محدود نماند و در مراحل بعدی، برای ایجاد سیستمی مختص به زنان فعالیت نمودند. با تکیه بر دستاوردهای ارتش زنان، رهبر آپو حزب زنان را اعلان نمود، در مراحل بعدی نیز، پس از حزب، رهبر آپو سیستم کنفدال دموکراتیک زنان را تاسیس نمود. تاسیس ارتش، حزب و سیستم کنفدرال، با تکیه بر اراده‌ی زنان، صورت گرفت و موجب شد که زنان در عرصه‌های مختلف پیشاهنگ شوند. جنبش آپویی بر اساس ایدئولوژی آزادی زنان تاسیس شد. البته که این ایدئولوژی تنها در راستای رهایی یک جنس نه، بلکه رهایی



خود را ارباب خوانده و جامعه را برده! در چنین وضعیتی، همان ملت، برای امرار معاش و حتی بخشیدن زندگی، منتظر لطف اربابش است، که او را روزی ببخشد و به خود وابسته نماید، هر اندازه وابسته‌تر، بهمان اندازه خدمتکارتر!

این امر برای زنان نیز صدق می‌کند. مرد همه‌ی اندوخته‌های مادی و معنوی را غصب نموده، از همین رو زن نیز، متعلق به مرد می‌شود و تحت ملکیت او قرار می‌گیرد. معیارهای مردسالارانه تعیین کننده است و زن نیز طبق این معیارها عمل می‌نماید. او به زنی مبدل می‌شود که از همه چیزش برای مرد می‌گذرد.

برای درک بیشتر به میتولوژی مراجعه کنیم، بعنوان مثال، در اساطیر یونان، خدای ژئوس، زنی به نام آتنا را از مغز خود آفرید، یعنی زنی که مقبول خدایان است و در کنار او قرار گرفته است. او از سیستم مردان، دفاع میکند. حال آتنا به یک الگو و سمبل مبدل شد و جایگاه بزرگی به او در آن سیستم مردانه داده شد. هم اکنون پایتخت کشور یونان آتنا است. زنی که سیستم و ذهنیت مردان را بپذیرد، مورد حمایت مردان نیز قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در ادیان تک خدایی، زنانی هم چون لیلیت از سوی خدا، طرد شده و مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد، حوا نیز در تقابل با لیلیت قرار می‌گیرد، حوا نمود زنی است که مرد را به بیراهه کشاند و او را گمراه نموده است...هم اکنون با گذشت سال‌ها می‌بینیم که در نتیجه‌ی چنین سیاست‌هایی جامعه‌ای جنسیت گرا بوجود آمده است. زنانگی در چنین جامعه‌ای

جامعه، مبارزه می‌نماید. از ارائه‌ی رهیافت برای مساله‌ی جنگ تا به ارمغان آوردن صلح و آرامش به منطقه، وجود چنین ایدئولوژی ضروری است. با در نظر گرفتن وضعیت جامعه باید گفت ایدئولوژی‌ای که زاینده‌ی ذهنیت مرد حاکم بوده و زنان را به حاشیه می‌راند، نمی‌تواند رهیافتی در راستای حل مسائل و مشکلات جامعه ارائه دهد، بلکه برعکس، مشکلات را عمیق تر می‌نماید. باید فعالیت‌هایی که از ایدئولوژی مردانه تغذیه می‌شود و با تکیه بر همین ایدئولوژی سازماندهی می‌شود، را مورد بررسی و بحث قرار داد. سازمان‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی کنونی ماهیت و محتوای‌شان با جنگ، نابرابری و ظلم درهم آمیخته است. این ایدئولوژی ماحصلی جز

## رهبر آپو سیستم کنفدرال دموکراتیک زنان را تاسیس نمود. تاسیس ارتش، حزب و سیستم کنفدرال، با تکیه بر اراده‌ی زنان، صورت گرفت و موجب شد که زنان در عرصه‌های مختلف پیشاهنگ شوند. جنبش آپویی بر اساس ایدئولوژی آزادی زنان تاسیس شد

اشغال، غارت، دزدی، تجاوز و غیره ندارد. جنگ جهانی سوم، در سده ۲۱ دال بر این قضیه است برای رهایی زنان از ذهنیت مردسالار وجود پارادایم و ایدئولوژی آزادیخواهانه‌ی زنان، پیش نیاز است. در عین حال مبارزه با انواع رویکردهای جنسیتی، ضروری است. سازماندهی زنان در برابر اقتدار، در واقع مبارزه‌ای رادیکال در برابر نظامی است که روزانه آنان را با مرگ مواجه می‌سازد. علاوه بر مبارزه می‌تواند برای ایجاد تغییر و تحول بنیادین پروژه راه حل‌های مناسبی ارائه دهد. تنها با ابراز خشم، ناراضی‌تی و ناراحتی، نمی‌توان انتظار تغییر بنیادین وضعیت

و در عین حال حل ریشه‌ای مسائل داشت. سازمان باید بتواند نیروی زنان را از جوانب فکری و عملی بخوبی انعکاس دهد، از همپزو نقش چنین سازمانی تعیین کننده خواهد بود و این به یک معنا، گامی بسیار رادیکال و قوی و ایده‌آل است. از ابتدای تاسیس جنبش آپویی تا کنون، شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه‌های مختلف زنان بوده‌ایم. جامعه در نتیجه‌ی چنین مبارزاتی، بسیار رادیکال‌تر از قبل در عرصه‌های گوناگون حضور می‌یابد. در چنین جامعه‌ای بجای نهادهای مردانه، سازه‌هایی ایجاد می‌شود که زنان در آن نقش اصلی ایفا می‌نمایند و از نهاد خود نیز دفاع می‌نمایند.

وقتی از «خودبودگی» زنان صحبت می‌کنیم، به این معناست که زن از بدو تولد، متعلق به مرد نباشد، و زیر سایه‌ی تعاریف مردسالارانه رشد نکند و تا پایان زندگی‌اش، تحت سلطه‌ی مرد قرار نگیرد. پس باید او متعلق به خود، خلق و انسانیت باشد. اما شاید این سوال پیش بیاید که ایدئولوژی رهایی بخشی زنان بر چه پایه‌هایی استوار است؟

۱. میهن دوستی
۲. اراده و اندیشه‌ی آزاد
۳. سازماندهی
۴. مبارزه
۵. زیبایی شناسی

ارتباط میان زنان و میهن دوستی، را باید مد نظر قرار داد، منظور از میهن دوستی، ناسیونالیسم نیست، منظور این است که زنان در میهنی آزاد زندگی کنند. زیرا در همان میهن، ارزش‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری ساخته شده است. نمی‌توان از آزادی سخن گفت، در حالی که میهنت اشغال شده است. موضوع دوم، اراده و اندیشه‌ی آزاد است، اگر زنان با تکیه بر فکر و اندیشه‌ای آزاد در امورات زندگی مشارکت ننمایند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بجای او تصمیم گرفته می‌شود و او همواره در حاشیه قرار می‌گیرد. اما در صورتی که به اراده‌ی خود تکیه نماید، قادر به تصمیم‌گیری است. لازم است که از فعالیت‌های روزمره زندگی تا تصمیمات

خلق شده توسط زنان، از اهمیت خاصی برخوردار است.

تاریخ نانوشته مملو از زنانی است که در طول تاریخ برای رسیدن به آزادی هزینه‌های گرانبهای دادند. در طول ۵۰ سال گذشته، زنان بسیاری در کوردستان، ایران و منطقه، برای دستیابی به زندگی آزاد جان فدایی نمودند. آنان تعاریف خود ساخته‌ی ذهنیت مردسالار را کمرنگ ساختند و میراث عظیمی از مبارزه را برای جامعه به ارمغان گذاشتند. ضمن گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهدای راه آزادی، سوگند یاد می‌کنیم تا آخرین لحظه ادامه دهنده‌ی راه آنان باشیم. هم اکنون زنان با تکیه بر پارادایم اکولوژی، دموکراسی و آزادی خواهی زن، در چهار بخش کوردستان فعالیت می‌کنند. زنان و مردان آزادیخواه در صفوف مقدم گریلا، در برابر تهاجمات اشغالگرایانه می‌جنگند و مقاومت می‌نمایند. مقاومت زنان و مردان قهرمان در کوردستان، زبانزد خلق‌های منطقه و جهان گشته است. ایستار و موضع گریلا و حمایت از آنان، فرصت زندگی آزاد را برای همه‌ی بشریت ایجاد می‌کند. روحیه‌ی انقلابی گریلا، موجب شد تا بار دیگر امیدها برای رسیدن به آزادی، زنده گردد و فعالیت‌ها بدون وقفه و مستمر ادامه یابد. در طول ۵۰ سال اخیر، با تکیه بر فلسفه‌ی آپویی، زنان قهرمانی همچون شهید سکینه جانسز، زینب کناجی (زیلان)، آریز میرکان، شیرین علم هولی و ویان جاف، زیلان پپوله و ... به سمبل مبارزه‌ی زنان کورد مبدل شدند. از سوی دیگر در شرق کوردستان و ایران، زنان نشان دادند که فلسفه‌ی ژن ژیان آزادی، یگانه راه حل برای مسئله‌ی آزادی زنان و جامعه می‌باشد. دختران جوانی هم چون ژینا امینی، نیکا شاکرمی و سارینا از جمله دخترانی بودند که راه مبارزه را هموار ساختند. این راه تا دستیابی به آزادی ادامه خواهد داشت

مهم از جمله صلح و جنگ تعیین کننده باشد، دارای پروژه و برنامه باشد. مساله‌ی سوم، برای برساخت حیاتی آزاد، مساله‌ی سازماندهی اهمیتی ویژه دارد. زنان بدون سازماندهی نمیتوانند تغییر و تحولی اساسی بوجود آورند، آنان نمی‌توانند نه از خود و نه از حقیقت دفاع کنند و نمی‌توانند در برابر بی‌عدالتی بجنگند. زن سازمان نیافته زنی محکوم سیستم مردسالاری است. یعنی برای تحقق ایدئولوژی آزادیخواهی زنان، این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. از آنجا که ذهنیتی چند هزار ساله در جریان است، برای مقابله و مبارزه با آن نیز لازم است که زنان در همه‌ی حوزه‌ها خود را سازماندهی نمایند و در نهایت همه‌ی این موضوعات موجب می‌شود، تا ارتباط زنان و مسئله‌ی زیبایی‌شناسی روشن‌تر شود. زیرا تصور سیستم از زنان غلط بوده که منظورشان از زیبایی تنها زیبایی ظاهری است. تعیین معیارهای زیبایی‌شناسی و شناخت خود، توسعه‌ی ایده‌ها و نظرات، اراده‌ی قوی، سازماندهی و گسترش نیروی مبارزه، بزرگترین ضربه به پیکره‌ی سیستم مردسالار است. در همین راستا رهبر آپو در سال ۲۰۰۸، ژنئولوژی را بعنوان علم زنان مطرح نمود. این علم با دیدگاهی زنانه به بررسی مسائل مختلف اجتماعی سیاسی و فرهنگی می‌پردازد و راه حل ارائه می‌دهد. ژنئولوژی علمی است که جنسیت گرایی، علم‌گرایی، دین‌گرایی را مورد بررسی قرار داده و از نقش زنان در ایجاد جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک سخن می‌گوید. این علم موضوعات را بخوبی مورد بحث قرار می‌دهد تا حقیقت آشکار شود

اگر زنان و همه‌ی آحاد جامعه، این معیارها را مبنای فعالیت‌های خود قرار دهند، براحتی توان دفاع از خود را خواهند داشت. زندگی ارزشمند اینگونه ساخته خواهد شد. وقتی از دفاع از زنان سخن می‌گوییم، منظورمان نیروی دفاعی او و بکارگیری ذهن برای سازماندهی صحیح جامعه است. انسان موجودی اجتماعی است، نیروی سازمانی و اجتماعی می‌تواند نیروی دفاع مناسبی در برابر همه‌ی حملات زن‌ستیزانه باشد. آگاهی و احساس مسئولیت در قبال ارزش و دستاوردهای

# توطئه بین المللی بر علیه رهبر آپو



مظلوم هفتن

## توطئه بین المللی چیست؟

توطئه بین المللی بر علیه رهبر آپو سیاست قتلعام فیزیکی و فرهنگی کردها و ناجوانمردانه ترین اقدام قرن بیست و بیست و یکم است که بر علیه رهبر آپو و کردهای آزاد صورت گرفته است. این توطئه توسط سیستم مدرنیته سرمایه داری جهانی یعنی ابرقدرتها و قدرتهای جهانی و منطقه ای، سازمانهای امنیتی - اطلاعاتی آنها و کردهای مزدور و خائن انجام گرفته است که کماکان و به اشکال مختلف نیز ادامه دارد. برنامه ریز اصلی توطئه استعمار پیرانگلستان است که با اقدامات امنیتی - اطلاعاتی اسرائیل و عملیاتی - اجرایی آمریکا و مشارکت یونان، ترکیه، ایران، مصر و بعضی از کشورهای عربی و اروپایی و کردهای خائن خصوصاً بارزانی ها توطئه را انجام داده و درتداوم آن مصر هستند. در این توطئه که مشارکتی جهانی است نقش انگلیس، اسرائیل، آمریکا، بارزانی ها، یونان و ترکیه تعیین کننده است. برای درک اهمیت این توطئه فهم میزان و گستردگی دولتها و نیروهای دخیل در شکل

گیری آن و مشارکت آنها در انجام توطئه علیرغم اختلافات و تضادهای بسیارشان لازم و آموزنده خواهد بود. اهداف توطئه بین المللی توطئه گران قصد داشتند با کشتن رهبر آپو و نابود کردن جنبش آپویی به اهداف متعددی برسند که به دو مورد اصلی اشاره میکنم

۱ - در راستای مداخلات منطقه ای و نظم نوین جهانی به تسلیمیت کشاندن و نابودی نیروهای مخالف فعال، دارای قابلیت تأثیرگذاری و نقش آفرینی که در آن مقطع رهبر آپو و جنبش آپویی اینگونه اند

۲ - وابستگی مداوم منطقه به سیستم سرمایه داری جهانی و نیازمندی به حضور مستمر این نیروهای جهانی در منطقه. ریشه تمامی مسائل منطقه ای خاورمیانه مسئله کورد و مسئله فلسطین است. هدف توطئه بین المللی عمیق تر کردن و عدم چاره یابی مسئله کورد و بطبع آن تشدید بحران خاورمیانه و عدم چاره یابی مسائل منطقه ای است. از این طریق با ایجاد ناآرامی و تشدید جنگهای منطقه ای خصوصاً جنگ بی پایان و فرسایشی

ریشه و سرچشمه‌ی اصلی شکل‌گیری انسان و جامعه‌ی انسانی شرق و خاورمیانه است. این سرزمین سرمنشأ وجودی حیات و گهواره تمدن است، محل پیدایش و گسترش اولین‌ها و منشأ سلولهای بنیادین است. سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی با منبا قراردادن غرب، دولت، اقتدار و سرمایه‌داری و ناچیزپنداری شرق وعدم موفقیت خط مقاومت و دموکراسی راستین، دنیایی مجازی ایجاد نموده بود که حتی مخالفین این سیستم نیز آب به آسیابش می‌ریختند. رهبر آپو این دنیای مجازی را نقد نموده و به چالش میکشد

- رهبر آپو مدعی و پیشاهنگ تحول ریشه‌ای و آفرینش و نوشدن است. تحول ریشه‌ای وضعیت موجود و آفرینش انسانی نو، جامعه‌ای نو و زندگی‌ای نوین. برای این منظور هم از نظر ذهنیتی و معنا و هم از نظر مادی وساختاردارای تئوری، فلسفه و راهکارعملی است

- دلیل دیگرهدف قراردادن رهبر آپو، مسئله کورد، چاره‌یابی مسئله ونحوه‌ی چاره‌یابی آن است. رهبر آپو مدعی چاره‌یابی دموکراتیک مسئله کورد و آفرینش کورد آزاد است. این یعنی پنبه کردن تمامی رشته‌های سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی و نیروهای استعمارگر چرا که مسئله کورد که گره کور مسایل منطقه است توسط این سیستم ایجاد شده و خودشان از چاره‌یابی آن ممانعت میکنند. مداخله رهبر آپو دراین موضوع و چاره‌یابی دموکراتیک آن اعلان جنگیست آشکار به این سیستم وگناهیست نابخشودنی! به این خاطر سردمداران سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی یعنی انگلیس، آمریکا و اسراییل با تمام توان به ابراهیم زمانه حمله کردند و با وقاحتی بی نظیر رهبر آپو را درکنیا به گروگان گرفتند و جهت اجرای حکم اعدام به دولت ترکیه تسلیمش نمودند

- قبل ازنهم اکتبر ۱۹۹۸ نیزاقدامات توطئه آمیز متعددی برعلیه رهبر آپو انجام داده بودند که به تمامی به نتیجه دلخواه نرسیده بودند.

## حلال مشکلات موجود و چاره‌یابی ریشه‌ای آنها سیستم مدرنیته دموکراتیک است که رهبر آپو آنرا ارائه نموده است. این سیستم با کمترین هزینه و بشکلی دموکراتیک میتواند تمامی مشکلات جهان امروز را که ساخته و پرداخته سیستم مدرنیته سرمایه‌داریست چاره‌یابی نماید

کوردها و ترکها و ایجاد موازنه منفی وابستگی کشورهای منطقه را به سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی و بنیان اصلی توطئه بیشتر و بیشترنموده و نفوذ و حضور مستمر آنها را در منطقه ضمانت میکنند

### چرا رهبر آپو هدف قرار گرفت؟

هدف قرارگرفتن رهبر آپو بطورکلی و اجرایی شدن توطئه در آن مقطع زمانی دلایل متعددی دارد که می‌توان به مواردی اشاره نمود

- فکر، اندیشه و راهکارعملی رهبر آپو سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی را به چالش کشیده و منافعش را درمنطقه به خطر می‌اندازد.

- رهبر آپو با تحلیل و بررسی دقیق تاریخ انحراف تاریخی شکل‌گیری اقتدار و دولت و خط سیرمقاومت را مورد نقد و بررسی قرار داده، ریشه‌یابی نموده و با انتقاد و خودانتقادی نگرش و موضعگیری نو ارائه میدهد.

- با رد مسئله جبر تاریخی و تقدیرگرایی اقتدار و دولت، تداوم بدون انقطاع خط مقاومت و چگونگی سیرآنرا بیان می‌دارد.

- با بررسی و تحلیل عمیق تاریخی بیان می‌دارد که برعکس ترویج غرب محوری یعنی شکل‌گیری هر چیزاز یونان و روم،

ممنوعه شیمیایی - هسته‌ای و نابودی تمامی زیرساخت‌های حیاتی روژآوا و شمال شرق سوریه ادامه همین توطئه است. در لیست ترور قراردادان جنبش آپویی، هدف قراردادان رفقای پیش‌آهنگ توسط دولت آمریکا در سال ۲۰۱۸، ترور رفقای پیش‌آهنگ در اروپا و جاهای دیگر و اقداماتی از این دست تروریزه کردن کوردها، مجرم شناختن آنها و کشتارشان ادامه توطئه بین‌المللی و اجرای وحشیانه آن است

توطئه‌گران در ابتدا هدفشان نابودی رهبر آپو، جنبش آپویی و کوردهای آزاد بود تا بتوانند کوردهای دیگر را به تسلیمیت واداشته و در راستای منافع خویش بکار ببرند. بارزانی‌ها پیشقراول این کوردهای تسلیم شده هستند و نقش ویژه آنها در توطئه نیز این است. یعنی بردگی بی چون و چرای سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی، اجرای پروژه‌های آنها در منطقه و نابود کردن کوردهای آزادیخواه و مقاوم. با ایستار تاریخی رهبر آپو، جنبش آپویی، کوردهای آزاده و پشتیبانی بی شائبه آزادیخواهان جهان، توطئه‌گران به نتیجه دلخواهشان نرسیدند لذا توطئه‌گران در چگونگی رسیدن به اهدافشان تجدید نظر کردند و برای رسیدن به هدف نهایی که نابودی رهبر آپو، جنبش آپویی و کورد آزاد است دام‌های بیشتری گسترانده‌اند

توطئه‌گران امروزه به دلایلی بیشتر از گذشته در ادامه توطئه، تکرار توطئه و اجرایی شدن

اما در این مقطع زمانی چون می‌خواستند در خاورمیانه مداخلاتی انجام دهند که بعداً با جنگ‌های افغانستان و عراق کلید خورد، توطئه بین‌المللی بر علیه رهبر آپو وارد فاز جدیدی شد. بر مبنای محاسبات توطئه‌گران لازم بود تحولات خاورمیانه به دلخواه و طبق نقشه آنها پیش می‌رفت (پروژه‌های خاورمیانه بزرگ، خاورمیانه جدید و... غیره). اما وجود رهبر آپو و جنبش آپویی در این مقطع برایشان مانع ایجاد میکرد از اینرو یا باید تسلیم میگردد یا باید نابود می‌شد راه دیگری وجود نداشت. زمان مداخله آنها در خاورمیانه فرا رسیده بود. آنها رهبر آپو را می‌شناختند که اهل تسلیم شدن نیست و ماهیت جنبش آپویی را نیز درک کرده بودند از اینرو تصمیم به نابودی رهبر آپو و جنبش آپویی گرفتند و اینگونه توطئه در روز نهم اکتبر که روز اعلام مبارز افسانه‌ای ارنستو چگواراست کلید خورد. انتخاب این روز با این مناسبت برای شروع توطئه تصادفی نبوده و بسیار معنادار است، پیامش نه تنها برای کوردهای آپویی بلکه به تمامی آزاداندیشان و سوسیالیست‌های راستین است. این وقایع که از نهم اکتبر ۱۹۹۸ شروع شده و به سیستم امرالی ختم شد که امروزه نیز بشکل وحشیانه‌ای ادامه دارد پروژه نابودی رهبر آپو، جنبش آپویی و در واقع قتلعام کوردها و انسانهای آزاده است

### وضعیت توطئه ونحوه ادامه یافتن آن:

توطئه‌گران در رسیدن به نتیجه دلخواه خویش که نابودی فیزیکی و فکری رهبر آپو، جنبش آپویی و کوردهای آزاد است لحظه‌ای درنگ نکرده، به اشکال مختلف این کار را انجام داده و در حال گسترش توطئه نیز هستند. سیستم ظالمانه امرالی و انزوای مطلق رهبر آپو گویای این حقیقت است. جنایتهای جنگی ترکیه که با همکاری و پشتیبانی ناتو، آمریکا، بارزانی‌ها، بعضی کشورهای اروپایی و منطقه خاورمیانه بر علیه گریلاهای آزادی و کوردها انجام میدهند از جمله استفاده از مهماتهای

رهبر آپو میگوید "زنان قدیمی‌ترین و عمیق‌ترین مستعمره هستند" و "قرن بیست و یکم قرن زنان است" از اینرو انقلاب زنان میتواند سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی را بطور جدی به چالش بکشد

شکی نیست که حلال مشکلات موجود و چاره‌یابی ریشه‌ای آنها سیستم مدرنیته دموکراتیک است که رهبر آپو آنرا ارائه نموده است. این سیستم با کمترین هزینه و بشکلی دموکراتیک میتواند تمامی مشکلات جهان امروز را که ساخته و پرداخته سیستم مدرنیته سرمایه‌داریست چاره‌یابی نماید. فلذا حمایت از رهبر آپو و تلاش بی وقفه برای آزادی فیزیکی ایشان وظیفه تمامی انسانهای آزادیخواه و عدالت‌طلب است. بدون تردید برای این کار شناخت صحیح و درک راستین رهبر آپو لازم و ضروریست

نیم قرن مبارزه نفس‌گیر رهبر آپو و جنبش آپویی بر روی انسانها و جوامع تأثیرات ماندگاری ایجاد نموده است که این تأثیرات به اشکال مختلف و زمانهای متفاوت نمود عینی می‌یابند. انقلاب زن زندگی آزادی نیز که در روزهای کوردستان و ایران کلید خورد اینگونه است. این انقلاب در مدتی کوتاه مرزهای ایران را در نوردید و تأثیراتی منطقه‌یی و جهانی بجا گذاشت. هرچند این انقلاب با قتل حکومتی ژینا امینی در ایران شکل گرفت اما طبعات و تأثیرات منطقه‌ایی و جهانی آن قابل تأمل و ارزشمند هستند. رهبر آپو میگوید "زنان قدیمی‌ترین و عمیق‌ترین مستعمره هستند" و "قرن بیست و یکم قرن زنان است" از اینرو انقلاب زنان میتواند سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی را بطور جدی به چالش بکشد. سردمداران این سیستم نیز احساس خطر کرده‌اند از اینرو هم رهبر آپو را در انزوای مطلق نگه میدارند هم از راههای مختلف تلاش میکنند که انقلاب زن زندگی آزادی را به دلخواه خویش جهت‌دهی کرده و نتیجه انقلاب را مصادره نمایند. فلذا صاحب‌داری از فلسفه زن زندگی آزادی، صیانت از این انقلاب و پیشبرد مطالبات آن در سطح ایران، منطقه و جهان لازم و ضروریست. بجای آوری این اقدامات وظیفه‌ای تاریخی و انقلابیست که به آزادی فیزیکی رهبر آپو ختم میگردند

اهداف آن مبرهن‌هستند. برای این موضوع می‌توان به دو دلیل اصلی اشاره کرد - قبلاً مشکل توطئه‌گران با رهبر آپو و ترس آنها از تأثیرات و تحولات درمحدوده کوردستان و خاورمیانه بود اما امروزه دوستداران و مشتاقان رهبر آپو و باورمندان به پارادایگمای رهبری جهانی شده‌اند و روز به روز بر تعداد و قابلیت مشارکتشان افزوده میگردد. یعنی امروزه تسویه حساب توطئه‌گران با رهبر آپو درسطح جهانی صورت میگیرد

- دلیل دوم نیز فزاید جنگ جهانی سوم و مسئله نظم نوین جهانی ست که نسبت به گذشته حدت و شدت بیشتری یافته است. از اینرو فشارها بر رهبر آپو و جنبش آپویی روز به روز افزونتر میگردد. انزوای مطلق رهبر آپو در جزیره امرالی و جنایتهای جنگی ترکیه و ناتو بر علیه کوردهای آزاد ناشی از این مسئله است

### آزادی فیزیکی رهبر آپو و انقلاب زن زندگی آزادی

سیستم مدرنیته سرمایه‌داری ماهیتاً بحران ساز است و جهت رسیدن به اهدافش نیز هیچ خط قرمزی نمی‌شناسد. جنایات جنگی‌یی که امروزه در کوردستان، غزه، لبنان و اوکراین در جلوی چشم جهانیان رخ میدهند محصول این سیستم هستند. این موارد و موارد بیشمار دیگری از جمله فلاکتهای زیست بومی، تبعیض و ناعدالتی‌های کشنده اجتماعی، جنگ و خونریزیهای روزافزون و قص علی هذا ناشی از این سیستم هستند. چاره‌یابی ریشه‌ای این مسائل و مشکلات نیازمند چاره‌یابی کلی و سیستمیک مسئله است یعنی تحول بنیادین سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی و ایجاد سیستم جایگزین. نیروهای دموکراتیک و آزادیخواه در سطح جهان این موضوع را دریافته، احساس خطر کرده و در این راستا تلاش میکنند. از اینرو بدنال سیستم آلترناتیف مناسب میگردند. طرفداری جهانی از فکر، فلسفه و پارادایگمای رهبر آپو و تلاش برای آزادی فیزیکی ایشان بیانگر این واقعیت است.



# گام معکوس زنان

نورین بریتان

به جنگ کشانیده است. خشونت دولتها به ظاهر بر همدیگر و نیروهای مزدور و نیابتی آنها و بگونه‌ای که انگار دولتمردان در راستای حفظ جامعه و منافع آن است که بر همدیگر بی‌پروا و بدور از رعایت هرگونه قانون و موازین اخلاقی خشونت می‌ورزند، بازتاب می‌یابد. اما آنچه واقعیت تلخ ماجراست، خشونت به همه منافذ زندگی سرایت نموده و بصورت موجهای ریزی که مرحله به مرحله به سونامیهای سهمگین می‌انجامد، بر مرد و از طریق مرد بر جهان اندیشه، احساس و جسم زن فرود می‌آید. می‌توان گفت سطح عکس‌العمل اجتماعی در برابر خشونت ضعیف گشته و از دغدغه، مسئله و امری حیاتی برای جامعه، خارج گردانیده شده است. این که کشتار، کوچ و آوارگی، تجاوز، فقر، گرسنگی زنان و کودکان و نابودی خاک، آب و هوای ناشی از جنگ‌ها با گذر زمان وضعیتی مشروع و عادی به خود بگیرد یک تهدید مرگبار است. آمار کشتار کودکان و نابودی محیط‌زیست در جنگ‌ها و یا حتی میزان سقوط اخلاق جامعه در کاربرد خشونت بر علیه حیوانات و به اشتراک‌گذاری تصاویر چنین اعمالی رشد روزافزونی یافته، نشان از بیماری، تخریب و فروپاشی ذهن جامعه دارد

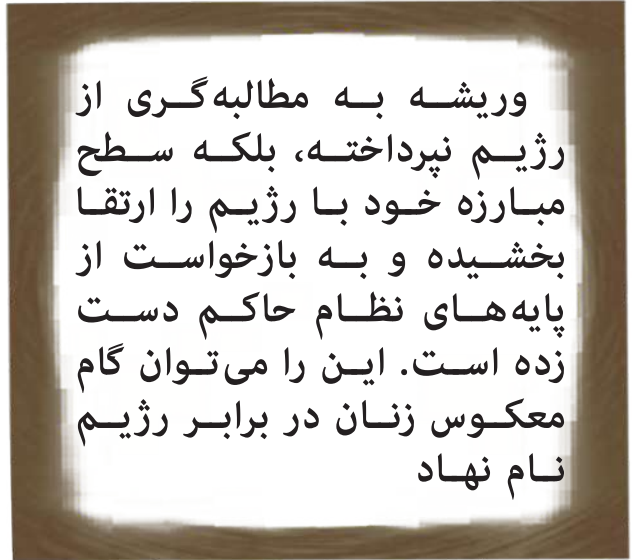
رسانه در قاموس یک سلاح، مرکز و راهکار

در این مرحله از تاریخ حاکمیت مرداقتدارگرا که در آستانه ۳۳مین سالروز مبارزه با خشونت بر علیه زنان قرار داریم، پدیده خشونت علیه زنان شیوه‌ای جهانشمول به خود گرفته است. اما در برابر این حجم از خشونت که در نمود زن بر زندگی اعمال می‌شود، تلاش برای پاسخ سوال "چه باید کرد؟" تابلوی زندگی هر انسانی که وجدانش بیدار و ذره‌ای از ذات و گوهر آزادیخواهی در او زنده مانده را شکل می‌بخشد. جنگ‌های رویداده در این عصر با عنوان جنگ جهانی سوم تنها به خاورمیانه محدود نبوده و جغرافیایی وسیع و جهانی را در بر گرفته است. شاید آنچه در سودان، افغانستان، ایران، اکراین، روسیه و غیره بر زنان می‌گذرد کاملاً شبیه به هم نباشند، اما مخرج مشترک و نتایج آن از لحاظ حیات اجتماعی یکی است. تمامی جنبه‌های شکل‌دهنده موجودیت زنان بعنوان هویت تاریخی - اجتماعی در هیچ دوره‌ای از تاریخ اینگونه فراگیر و جهانی با خشونت و نابودی روبرو نگشته‌اند. بن‌بستها و پوسیدگی بوجود آمده در روند پیشروی ساختار نظام مرداقتدارگرا و مدل‌نهایی حاکمیت آن در هیات مدرنیته کاپتالیستی، همچنین بحران‌ها و شکست‌های مداوم و فراگیر این نظام لحظه به لحظه و تمامی عرصه‌های زندگی را در سراسر جهان

جهان و جامعه بشریت) عنوان کرده‌اند، در واقع پروسه فرم‌دهی جهان مادی - معنوی جامعه بصورت جامعه مطلوب نظام اقتدارگرا از طریق خشونت را در بردارد. اما نابودی هر وجب از خاک و بافت نباتی - حیوانی درون آن، قی خون‌آلود یک مرد بر زمین، فروپاشی فرهنگ و هنر هزاران ساله در زیباترین روستا و شهرها، در خاک سوخته غلطیدن یک مادر، رنگ‌پریدگی، وحشت و افول نور امید در چشمان دختر بچه‌ای هنگام سقوط بمبی بر خانه‌ای نباید تصویر پایانی این عصر باشد. یک مبارزه رادیکال انقلابی قادر به مقابله و از میان برداشتن طراحان و عملکرد حاکمان نظام متکی بر آفرینش جنگ، غصب و بحران می‌باشد

جنگ جهانی در دورانی رخ داده و به اوج خود رسیده که به موازات آن جهان‌بینی صلح و دمکراسی مبتنی بر آزادی زن و حیات اکولوژیک نیز به مرحله حساس و سرنوشت‌ساز خود رسیده است. قیام‌هایی که بر محور اندیشگی و جهان‌بینی انقلاب زن، زندگی، آزادی روی داده و تا کنون نیز به نحوی از انحا تداوم دارند، نقطه اوج و به بار نشستن این جهان‌بینی بود. رویارویی جهان‌بینی خشونت‌زای مرداقتدارگرا با جهان‌بینی جامعه دمکراتیک - اکولوژیک مبتنی بر آزادی زن روحیه، جسارت و اراده‌ای راسخ به جامعه بخشید. زیرا پیشینه تئوریک و مبارزاتی این جهان‌بینی سالهاست توسط رهبر آپو تار و پود پرده پوشاننده این نظام را از هم گسست. به نحوه‌ای علمی - عملی پایه و مرکز ثقل موجود در سیاست‌های جنگ‌افروزانه مرد اقتدارگرا در پس این پرده را آشکار و در برابر آن موضعی جسور و شفاف را مطرح و به اجرا گذاشت. شیوه حیات مبارزاتی جنبشی که در کردستان بر پایه این جهان‌بینی صورت پذیرفته، به درون جامعه منتقل گشته و مراحل سرنوشت‌سازی را در تکوین یک جامعه نوین طی نموده است که دیگر غیرقابل انکار و بازگشت می‌باشد. احیا و رشد هویت آزاد و

پیاده‌سازی سیاست‌های این جنگ، به انحصار گردانندگان و مجریان این خشونت بی‌حد و مرز درآمده است. از هر راه و به هر شیوه که بخواهند در انحراف اذهان، تهیج فاشیسم، نژادپرستی، دین‌گرایی پرداخته و جامعه شوکه شده را به حالت سرسپردگی و سکوت خلسه‌وار وامیدارند. طی ۲۴ ساعت شبانه‌روز هنر، ادبیات، علم و تکنولوژی را در رسانه همچون بمبی با قدرت تخریب عظیم



به کار بسته و ماهیت اصلی جنگ کنونی را در هاله‌ای از ابهام باقی می‌گذارند. این اپراسیون‌های ذهنی جهت تحریف و ایجاد انحرافات معنایی سبب گشته حمله و مداخله نظامی نیروهای سرمایه‌دار جهانی و دولت‌های حاکمه آن به راهی برای رهایی از دولت‌های مرتجع و محافظه‌کار در ذهن جوامع تحت خشونت ساختاری مبدل گردد. تمامی جنبشهای آزادیخواه، مباحث و رسانه‌های مربوط به آنها که در راستای بیان حقیقت و چاره‌یابی مبارزه می‌کنند نیز با انگ و اتهام رواج تروریسم چنان تحریم، بایکوت و سرکوب می‌گردند که زندان، شکنجه، ناپدیدسازی، قتل، اعدام، فیلتر، پلمپ و سانسور نمودنشان، واکنشی همه‌گیر و مستمر در جامعه جهانی را به همراه نمی‌آورد. هدف نهایی چنین شیوه از سیاست و جنگی که طراحی نوین خاورمیانه (بخوانیم طراحی

## عملکرد این دولت نسبت به تمامی دولتهای پیشین خود در قانونمند و نهادینه نمودن خشونت، اعدام و سرکوب زنان متبحرانه تر است. همچنین در پیاده سازی خشونت در سطح جامعه کاراکتی گستاخ و برخورد وقیحتری دارد

سطح جامعه کاراکتی گستاخ و برخورد وقیحتری دارد. و آنچه را رژیم تحت عناوین طرح نور، کودک همسری و چندهمسری (که از دیدگاه جامعه شناسی آزادی همان ترویج و مشروع نمودن تجاوز و فحشاست) ناتمام گذاشته و نتوانست رسمیت ببخشد، این دولت طی دوران کوتاه روی کار آمدن خود به انجام رسانید. سیاست و دیگر مواضع رژیم در قبال ملت ها، ادیان، محیط زیست، جنگ و اقتصاد نیز بر همان دور باطل فساد، اقتدارگرایی، انحصارطلبی و ملیتاریسم پیشین خود می چرخد. سهمیم نمودن زنان در قدرت - نظام نفرت پراکنی و نژادپرستی، فاشیست، تندروی، راست گرایی - جنگ طلبی در نمود وزیر به اصطلاح دفاع کانادا، نامزد رئیس جمهور آمریکا، فرمانده فلان بخش نظامی - امنیتی اسرائیل، یا رئیس حزب راست گرای فرانسه و ... نیز چیزی جز بازی دادن اذهان جامعه و وارونه نمودن حقایق در راستای منافع مادی، نظامی، استعمارگری دولتها نیست. این زنان در این مسیر با حقیقت وجودی خود و ماهیت انسانی - اجتماعی خود در تضاد قرار گرفته و جز نقشی تکنیکی - اجرایی در صحنه سرشار از خشونت نظام جنسیت گرا نخواهند داشت. اما در این میان بند زنان

دمکراتیک زن در تمامی عرصه های زندگی، درون یک پروسه پراکتیکی فراگیر و دشوار انجام گرفته است. این در حالی است که بر خلاف سیاستهای لیبرالیستی در راستای منفرد نمودن زنان تحت عنوان آزادی فردی، رهبر آپو با ایجاد و توسعه ساختار و نظام خودویژه، دنیای زیبا و مشترک اندیشه و احساس را برای آنان به ارمغان آورد. این دنیای نوین و جذاب تاثیر شگرفی بر زنان و جامعه تحت فشار و خشونت مرد اقتدارگرا، خودمحور و استثمارگر گذاشته است. پیشبرد ساختار و مدیریت سیاسی - سازمانی، ایجاد نیرو و نظام دفاعی، تشکیل نظام آموزشی و محیط زندگی بصورت خودویژه برای زنان در جنبش آزادیخواهی، یگانه رمز پیروزی رهبر آپو در به ثمر رسانیدن تمامی تلاشها و مبارزات زنان و مردان آزادیخواه بر علیه نابرابری و خشونت در تاریخ مبارزاتی جهان می باشد. احیا، قائم به ذات گرداندن و ارجاع به خویشتن خویش توسط زن، به او توان بازگشتن به عرصه زندگی بخشیده و زندگی اینگونه آزاد و دمکراتیک می گردد. از همین رو بود که رهبر آپو "زن، زندگی، آزادی" را یک فرمول سحرآمیز جهت رهایی جامعه از تمامی بحرانهای موجود نام نهاد.

هویت یابی سیاسی، تاریخی، اجتماعی زنان در جنبش آزادیخواهی، نظام اقتدارگرای سنتی و مدرن منطقه ای - جهانی را به تلاشهای مزورانه و پیاده سازی سیاستهای جنگ ویژه بر علیه زنان وادار نموده است. بعنوان مثال رژیم ایران که در تمامی دوران حاکمیت خود، تنها در یک مورد و بویژه در مسئله زنان هیچ نرمش و تغییری نه ساختاری و نه ذهنیتی از خود نشان نداده، در این مرحله حساس و بصورت فوری فاطمه مهاجرانی را به سخن گوی دولت خود منتصب نمود. البته عملکرد این دولت نسبت به تمامی دولتهای پیشین خود در قانونمند و نهادینه نمودن خشونت، اعدام و سرکوب زنان متبحرانه تر است. همچنین در پیاده سازی خشونت در



مدل و الگوی پیشبرد نیروی فکری - سازمانی جهت دفاع ذاتی زنان مبدل گردد. زیرا وریشه به مطالبه‌گری از رژیم نپرداخته، بلکه سطح مبارزه خود با رژیم را ارتقا بخشیده و به بازخواست از پایه‌های نظام حاکم دست زده است. این را می‌توان گام معکوس زنان در برابر رژیم نام نهاد. با توجه به شرایط موجود در زندان در دورانی که رژیم به گونه‌ای ویژه و کاملاً طرح‌ریزی شده در صد انسدادهای شریانه‌های زندگی در زندان بعنوان مرکز اجماع بخش عظیمی از نیروی آزادی و دموکراسی زنان در ایران برآمده، این عملیات مبارزاتی وریشه، راهکاری صحیح و موضعی رادیکال از سوی اوست. با وجدان انقلابی و روحیه مسئولیت‌پذیر مبارزه هر زنی علیه اعدا در عین حال مبارزه با تمامی شیوه‌های خشونت بر علیه زنان و جامعه است. پشتیبانی و همصدایی با وریشه مرادی در پوچ گردانیدن بازیها و ترفندهای گوناگون رژیم در کم و یا از بین بردن فشارهای مضاعف رژیم در انتقام از انقلاب زن، زندگی، آزادی بویژه در این مرحله از تاریخ مبارزه علیه خشونت، برخوردی نیک و شایان کرامت زنان آزادیخواه هم در زندان اوین و هم در میان تمامی زنان خارج از زندان خواهد بود

در زندان اوین، نقش قطب‌نما و نقشه راه آزادی را بر عهده گرفته است. خوانش صحیح و تحلیل دقیق وریشه مرادی از اوضاع سیاسی - نظامی و اجتماعی ایران، منطقه و جهان شایان توجه تمامی فعالین، جنبش‌های مخالف نظام و فمینیسم داخل و خارج از ایران می‌باشد. نحوه برخورد و ایستار این زن مبارز در برابر جنگ وسیع و ویژه بر علیه زنان و آزادیخواهان بویژه در ایران تمامی تعاریف مقاومت و مبارزه را متحول گردانید. آغاز اعتصاب غذای نامحدود وریشه مرادی بعنوان یک عملیات آزادیخواهانه ابعاد وسیع و شایان توجهی در مبارزه با خشونت علیه زنان دارد. این عملیات و راهکار مبارزاتی سلاخی کارا و تاکتیکی موثر در خنثی‌سازی و ناکارآمد نمودن اهداف جنگ وحشیانه رژیم بر علیه روح آزادیخواهی ملت‌های تحت خشونت و ستم موجود در جغرافیای سیاسی ایران می‌باشد. بنحوی رد تسلیمیت، انفعال و درماندگی ناشی از قدرگرایی تحمیلی بر ذهن جامعه است. همبستگی، سازماندهی و انسجام زنان و مردان در خط مبارزاتی وریشه مرادی قطعاً خشونت نظام اقتدارگرا و جنگ تحمیلی آن بر جامعه را درهم خواهد شکست. مقاومت همبسته زنان در زندان اوین به مبارزات انقلاب زن، زندگی و آزادی پویایی و تداوم بخشیده و می‌تواند به

# روزآمد شدن آگاهی زنان با ژنولوژی



بهار اورین

با گذشت چهارده سال از آغاز فعالیت‌های علمی و پژوهشی ژنولوژی، نیاز به گفتگو و بحث در مورد روش‌شناسی و شیوه‌های آموزشی ژنولوژی، نقش ژنولوژی در برساخت و نهادینه‌سازی انقلاب زنان، ایجاد بسترهای کنفدرالیسم جهانی زنان و شبکه‌های پیوند میان زنان از سراسر دنیا وجود دارد. هدف از برگزاری دومین کنفرانس ژنولوژی در سطح شمال و شرق سوریه ارزیابی این موارد است. دومین کنفرانس آکادمی ژنولوژی در سطح شمال و شرق سوریه با شعار "روزآمد شدن آگاهی زنان با ژنولوژی" در روزآوای کردستان برگزار گردید. نخستین کنفرانس آکادمی ژنولوژی شمال و شرق سوریه در سال ۲۰۱۸ برگزار شده بود. با گذشت شش سال از نخستین کنفرانس و گسترده‌تر شدن فعالیت‌های آکادمی ژنولوژی در روزآوای کردستان نیاز به ارزیابی و بازبینی فعالیت‌های ژنولوژی وجود داشت. بدون تردید عرصه‌ی انقلاب زنان در

ژنولوژی بر مبنای انتقاد از جامعه‌شناسی رسمی و مردمحورانه به عنوان دانش زنان و استفاده از تجارب و ارزش‌های زنان توسعه می‌یابد. زیرا جامعه‌شناسی رسمی نیز همانند سایر شاخه‌های علوم در نظریات خود زنان را نادیده انگاشته و اعتباری برای مسائل و تجارب زنان قائل نشده است. محروم ساختن زنان از تولید دانش منجر به این شده که ایدئولوژی‌های مسلط (مردانه) نظریات و دیدگاه‌های خود را به عنوان منبع و مرجع دانش بنمایاند. بنابراین ژنولوژی مسائل اجتماعی را با دیدی زنانه نگریسته و ارزش، تجارب و دستاوردهای نظری را به عنوان منبع دانش نگریسته تا بتوان برای حل این مسائل راه‌چاره‌یابی یافت. ژنولوژی در دفاعیه عبدالله اوجالان با نام "درآمدی در باب جامعه‌شناسی آزادی" وارد مباحث ما شده و مبارزه‌ی نظری و رادیکال در برابر نظم مردسالاری و هژمونی دانش در عصر کنونی است.

روش آن را تعیین کرده و خود را از روش‌های نادرست و ناقص برهانیم. از این حیث هماهنگی هدف و وسیله مستلزم هماهنگی پارادایم و روش علمی است

برای گذر از مسائل روش علمی که ما را به مسیرهای نادرست سوق می‌دهد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

- گذر از دیدگاه مبتنی بر تفکیک ابژه-سوبژه  
- دستیابی به شناخت جامع حقیقت با غلبه بر پراکندگی در علم

- احیای تعادل میان طبیعت اول و طبیعت دوم و برساخت دوباره‌ی طبیعت سوم  
- بازتفسیر دوباره‌ی دیالکتیک و درک بُعد متافیزیکی انسان

آشکار است که انقلاب پارادایمی هنگامی رخ می‌دهد که بر مسائل ناشی از روش علمی غلبه نمود. ژئولوژی در مطالعات خود تلاش کرده نتیجه‌بخش‌ترین و واقعی‌ترین روش‌ها را بدون افتادن در بن‌بست‌های روش علمی تجربه کسب نماید. لذا مشکل اصلی، در تبدیل این روش‌ها به تئوری، تز و بیان آن و انتقال آن به زنان جهان است. بر این اساس بحث در باب روش‌شناسی همچنان ادامه دارد تا ژئولوژی بتواند نقش خود را در انقلاب پارادایمی در علم ایفا نماید

## نهاده‌سازی نظام آکادمیک و وظایف

### روشنفکری

در نظام کنفدرالیسم دموکراتیک آکادمی‌ها شامل فعالیت‌های روشنفکری و آموزشی در خدمت پیشبرد دموکراسی است. جامعه‌ی دموکراتیک و آزاد تنها در سایه‌ی یک انقلاب فکری و متکی بر ترکیب ارزش‌های اخلاقی-سیاسی، زیبایی‌شناسی و انقلاب فرهنگی، فکری و علمی ایجاد خواهد شد. آکادمی‌ها خود را در تمام جنبه‌های مرتبط با زندگی سازماندهی می‌کنند. دنیای آزاداندیشی نیز با فراگیری، درک و دانش موجود در این آکادمی‌ها ارتقاء می‌یابد. این ذهنیت زمانی ایجاد می‌شود که اراده آزاد، تفکر آزاد و تمرین مکمل یکدیگر باشند. بر این مبنا یکی از وظایف اساسی آکادمی‌ها

روژآوای کردستان زمینه‌ای بسیار غنی و نیرومندی برای مطالعات ژئولوژی فراهم نمود. بنابراین هدف از برگزاری این کنفرانس علاوه بر ارزیابی فعالیت‌های آکادمی ژئولوژی، پرداختن به نقاط ضعف و کاستی‌هایی است که باید از آن گذر نمود.

در این نوشتار به اختصار به موضوعات مورد گفتگو در دومین کنفرانس آکادمی ژئولوژی شمال و شرق سوریه پرداخته شده است.

## روش‌شناسی ژئولوژی

متدولوژی و به عبارتی روش‌شناسی به عنوان یک رشته شامل تحقیق در مورد روش‌های حوزه‌های مختلف علمی است. اگر کوتاه‌ترین و نتیجه‌بخش‌ترین راه رسیدن به حقیقت را روش تعریف نماییم، روش‌شناسی کل و نظام این روش‌هاست. لازم است در مورد روشن کردن موضوع روش مهم است که به روش‌های اساسی تفکر بشریت اشاره کرده و آن را درک نماییم. در طول تاریخ انسان‌ها همواره تلاش نموده‌اند زندگی را از طریق روش‌های تفکر اسطوره‌ای، مذهبی، فلسفی و علمی درک نمایند. اگرچه این چهار روش اساسی تفکر همواره در تاریخ بشر وجود داشته لذا اعصاری وجود دارد که هر یک از آنها به عنوان روش اساسی تفکر، غالب بوده است. فرایندهایی را که منجر به تغییر در روش‌های تفکر می‌شود را می‌توان به عنوان انقلاب ذهنیتی نامید. دلیل بحث ژئولوژی در باب روش‌شناسی، پیامدهای مخرب تفکر و روش علمی‌ای است که در تبیین حقیقت در عصر ما تعیین کننده است. نقش روش علمی با مرکزیت اروپا در ژنوساید و تخریب فرهنگ، باور و زبان‌های مختلف، اکوساید و زن‌کشی و انواع خشونت و استثمار بسیار برجسته است. تکیه بر تمایز سوبژه و ابژه، پیشرفت مستقیم خطی و رویکردی که تنوع و تفاوت را نادیده می‌گیرد و نادیده‌انگاری متافیزیک به عنوان اساسی‌ترین بن‌بست روش-شناسی مذکور است. بنابراین تا جایی که توانایی تشخیص مورد تحقیق و منبع کسب داده در آن مورد را داشته باشیم، می‌توانیم

تامین کادر علمی جهت آموزش جامعه و ارتقای آگاهی آن است. لذا در فعالیتهای آکادمیک و آموزشی یافتن راه و روشهای غنی و موثر در زمینه تغییر شخصیت، تغییر و تحول اجتماعی مشکلاتی وجود دارد که لازم است بیشتر در مورد آن گفتگو کرد. در نظام کنفدرال آکادمیهای زنان زمینهساز رشد اراده‌مندی و خودآگاهی زنان، نیروی سازماندهی و مبارزه است. بنابراین آکادمیهای زنان مکان خودشناسی، معرفت و سازندگی و متناسب با نیازهای زنان ایجاد می‌شود

نقش آکادمیهای ژنولوژی تقویت بنیانهای جامعه‌شناختی انقلاب زنان و ارائه‌ی دانش و فلسفه‌ای است که موجب تفکر آزاد در ارتباطات اجتماعی و زندگی گردد. در تفسیر دانش، زندگی و شخصیت دگرگونی روابط بر مبنای معیارهای زندگی مشترک آزاد را مبنای قرار می‌دهد. علاوه بر این تلاش برای حذف تعصبات مذهبی و تبعیض جنسی و افزایش فرصت برای بحث آزاد یکی دیگر از اهداف آکادمیهای ژنولوژی است. فعالیتهای آکادمی مبتنی بر مراکز تحقیقاتی با هدف آموزش و پژوهش جهت حل مسائل اجتماعی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر این فعالیتها از طریق دانشگاهها، کمپهای آموزشی و ژنوار نیز انجام می‌شود. در سایر نقاط کردستان، شنگال، کمپ شهید

رستم جودی (مخمور)، خاورمیانه، اروپا و آمریکای لاتین مجلات، موسسات انتشاراتی زنان، کارگاهها و دوره‌های آموزشی و هنری وجود دارد که با هدف مباحث فکری صورت می‌گیرد

به طور خلاصه هدف اصلی آکادمی ژنولوژی ترویج دانش زنان و جامعه در برابر نظم دولتی است که در تلاش برای گسست پیوند میان دانش از زنان و جامعه به سود خود است. ژنولوژی به عنوان دانش پارادایم مدرنیته‌ی دمکراتیک چین نقشی را بر عهده می‌گیرد و هدف آن رهایی روشها و ابزارهای دانش از دولت و قدرت است. کادرهای آکادمیک ژنولوژی کسانی هستند که قدرت درک واقعیت تاریخی و اجتماعی را به نیروی تحول جامعه‌شناختی تبدیل می‌کنند و هر آنچه را که آموخته‌اند را در روابط خانوادگی و اجتماعی خود پیاده کرده و راه برای تغییر را هموار سازند.

#### اهداف و روشهای آموزشی ژنولوژی

آموزش را هم می‌توان به عنوان یک دانش و هم حوزه‌ای که با علم رابطه‌ی تنگاتنگی دارد، تعریف نمود. در طول تاریخ آموزش و علم به هم پیوسته و مکمل یکدیگر بوده‌اند. از این منظر هدف آموزشی آکادمی ژنولوژی پیوند میان جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی با ارزشهای اخلاقی و زیبایی‌شناختی در برابر هجمه‌های هزاران ساله‌ی سیستم سرمایه و مردسالاری است. فعالیتهای آموزشی در کنار آموزشهای آکادمی با برگزاری کمپهای آموزشی با موضوعات خاص، سمپوزیوم و پنلها ارتقاء می‌یابد. کمپهای آموزشی یکی از روشهایی است که محیطی خارج از نظام آموزشی سنتی ایجاد می‌کند و زنان فرصت شنیدن صحبت‌های یکدیگر را دارند و در مورد مسائل زنان، آزادی و برابری به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. هدف آکادمی ژنولوژی این بوده که برخی از موضوعات علمی و پارادایمی همچون "زندگی مشترک آزاد"، "ملت دمکراتیک"، "جنسیت‌گرایی اجتماعی"، "تره‌های آزادی"، "خشونت علیه زنان" و "تاریخ زنان جهان" را از طریق پنل و کارگاههای

هدف آکادمی ژنولوژی این بوده که برخی از موضوعات علمی و پارادایمی همچون "زندگی مشترک آزاد"، "ملت دمکراتیک"، "جنسیت‌گرایی اجتماعی"، "تره‌های آزادی"، "خشونت علیه زنان" و "تاریخ زنان جهان" را از طریق پنل و کارگاههای آموزشی مورد بحث قرار دهد



است که لازم در این باره هشیار بود و در مقابل آن دارای تدابیر ویژه بود. هنگام تعیین نمودن اهداف ژئولوژی در بر ساخت انقلاب زنان لازم است در مورد اهداف آن سخن گفته و مباحث تئوری و عملی در مورد موضوعاتی با خاستگاه مدرنیته‌ی دموکراتیک همچون تاریخ، اقتصاد، سیاست، دموگرافی، ایدئولوژی و فرهنگ و هنر را برجسته‌تر نمود. بدون تردید سازمان‌یافتگی زنان برای بقای انقلاب ضروری است. به عنوان مثال با انقلاب روژآوا نمایندگی برابر و نهاد ریاست مشترک هم باعث دموکراتیزه کردن سیاست و هم ایجاد فرهنگ و روابط نوینی از زن و مرد در جامعه می‌شود. روند ایجاد یک سیستم خودمدیریتی مبتنی بر آزادی زنان در تغییرات اجتماعی نقش مهمی ایفا کرد. از سوی دیگر ایجاد بسترهای اقتصادی برای زنان، مکان‌های تامین امنیت زنان در برابر هر نوع خشونت، یگان‌های دفاعی زنان، تضمین حقوق زنان و هموار نمودن حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک و اجتماعی از نتایج انقلاب در روژآوا است.

البته در کنار تغییرات صورت گرفته و دستاوردهای موجود نمی‌توان گفت به طور کلی مسائل و دشواری‌های زنان پایان یافته؛ لذا تلاش‌ها برای حفظ این دستاوردها وجود دارد. زیرا با ارتقای انقلاب و پیشرفت زنان خشونت به اشکال متفاوت برای کم‌رنگ کردن نقش زنان و به حاشیه راندن آنان هنوز وجود دارد. بر این اساس نیاز به یک مبارزه‌ی مستمر وجود

آموزشی مورد بحث قرار دهد که در طول این سال‌ها تجارب بسیاری در شیوه‌ی آموزشی و بازدهی آن کسب شده است. به طور کلی هدف از آموزش، توسعه‌ی راه‌ها و ابزارهای درک و تجسس محتوا، مفاهیم و نظریه‌های پارادایم ملت دموکراتیک است. این روش‌ها کمک مهمی در ایجاد آگاهی‌بخشی جامعه ایفا کرده است. آکادمی ژئولوژی در پیشبرد روش‌های آموزشی خود از سنت و تجارب آموزشی خاورمیانه بهره جسته است

### پیوند میان انقلاب زنان و ژئولوژی

در سده‌ی ۲۱ هر انقلابی نیاز به یک علم اجتماعی برای انجام اهداف و وظایف خود دارد. ژئولوژی علم اجتماعی‌ای است که پایه‌های علمی انقلاب زنان را می‌سازد و در خدمت اهداف انقلاب زنان است. در این راستا انقلاب زنان تنها علیه نیروهای سرمایه‌داری و طبقات حاکم نبوده بلکه هدف آن تغییر مردانگی مسلط، موقعیت فرودست زنان و تحولات اجتماعی، فرهنگی و علمی است. با انقلاب شمال و شرق سوریه با پیشاهنگی زنان تغییرات بسیاری در این موارد صورت گرفت. قالب‌های شکل گرفته تحت تاثیر سنت‌ها و کلیشه‌های جنسیتی شکسته می‌شوند و به تدریج سبک زندگی بر اساس معیارهای برابری و احترام در حال شکل‌گیری است. از سوی دیگر سیستم دولتی و فرهنگ مردسالاری در حال ترویج فرهنگ تجاوز، نسل‌کشی زنان و یکسان‌سازی فرهنگی



دارد در غیر اینصورت قدرت نفوذ انقلاب زنان نیز ضعیف خواهد شد. علی‌رغم این موانع و سختی‌های مبارزه در برابر ذهنیت مردانه و نظم موجود زنان همواره در هر شرایطی دارای موضعی رادیکال بوده‌اند. در وضعیت کاتوتیک و جنگ جهانی سوم مبارزات زنان و شهامت آنان می‌تواند نویدبخش استقرار یک بنیان دمکراتیک در خاورمیانه باشد. اما لازم است بدانیم هنوز در ابتدای راهیم. تلاش نظام سرمایه‌داری جذب جنبش‌های اجتماعی و ضدسیستمی در سیستم خود است. به همین دلیل حفظ دستاوردهای انقلاب به اندازه‌ی انقلاب دارای اهمیت است.

### ژنولوژی دانش کنفدرالیسم دمکراتیک جهانی زنان

سده‌ی ۲۱ با راهپیمایی‌های گسترده زنان جهان برای آزادی، صلح و دمکراسی آغاز شد. به ویژه از سال ۲۰۱۰ بدین سو جنبش‌های متفاوت سوسیالیستی و دمکراتیک با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی زنان با هدف ایجاد شبکه‌های پایدار حمایت و مبارزه زنان سازماندهی کرده‌اند. نخستین همایش زنان خاورمیانه در شهر آمد (دیاربکر) در شمال کردستان برگزار شد. زنان از تمام قاره‌ها در مورد اهمیت ایجاد این شبکه‌های کنفدراسیون دمکراتیک زنان با شعار "زنان آینده خود را می‌سازند" در فرانکفورت در سال ۲۰۱۸ گفتگو کردند. بنابراین یکی از محوریت‌های فعالیت‌های ژنولوژی ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان زنان از تمام نقاط جهان است. فعالیت‌های ژنولوژی در سطح خاورمیانه که جغرافیایی وسیع شامل فرهنگ، زبان و ملل متفاوت است، وجود دارد. در سال‌های اخیر با زنان آکادمیسین و فعالان زن از افغانستان، ایران، فلسطین، لبنان، سودان، لیبی، مصر، الجزایر، عراق و ترکیه ارتباط برقرار شده است

زنان از تمامی تنوعات فرهنگی، اجتماعی و ملی می‌توانند اراده و معیارهای زندگی اجتماعی خود را با تشکیل سازمان‌های دمکراتیک و کنفدرال خودگردان ابراز کنند. زنان می‌توانند از تشکلهای زنان در روستاها و محله‌ها گرفته

تا شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی دانش خود را در مورد مسائل بسیاری به اشتراک گذاشته و با یکدیگر مبارزات و فعالیت‌های خود را مدیریت کنند. در این باره تحقیقات و فعالیت‌های ژنولوژی می‌تواند الگویی برای سازماندهی زندگی کمونال، سیاست دمکراتیک، آگاهی و آموزش اجتماعی، اقتصاد و زندگی اکولوژیکی برای زنان سایر نقاط نیز باشد. مهم است که روشها و آثار ژنولوژی را به زبان‌های مختلف و یا به طور مستقیم با زنان سایر کشورها به اشتراک گذاشت تا زمینه‌ای برای ایجاد یک جبهه مقاوم در برابر هجمه‌های لیبرالیسم و بیگانگی زنان از حقیقت خویش باشد

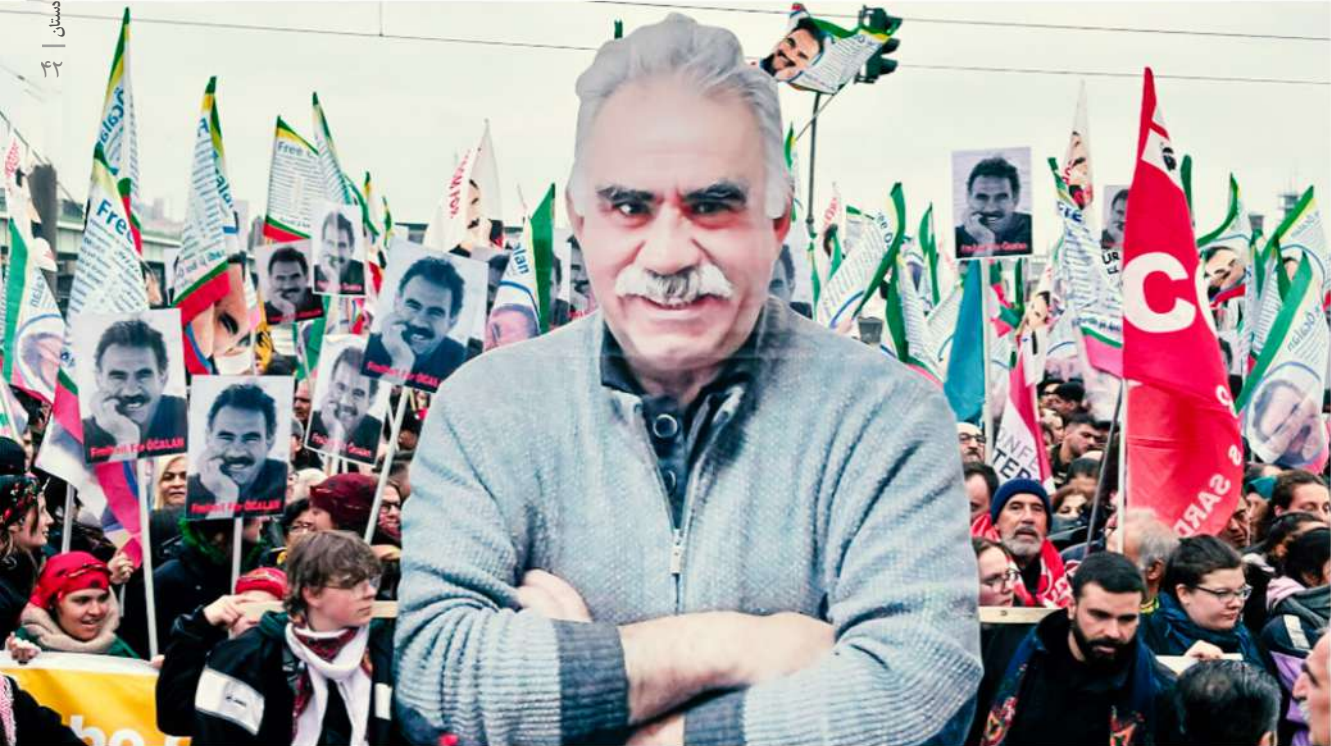
### در پایان...

کنفرانس ژنولوژی در شرایط دشوار و کاتوتیک جنگ جهانی سوم که همچنان دامنه آن وسیع‌تر می‌شود، برگزار شد. حضور پرشور زنان از همه‌ی مناطق شمال و شرق سوریه و مشارکت فعال در مباحث و گفتگوهای پیرامون موضوعات تعیین شده نشان‌دهنده‌ی آن است که جستجوی رهایی از بن‌بست‌های اجتماعی برای آنان دارای اولویت است. علاوه بر این انتظارات و انتقادات خود را نیز بر زبان آوردند که برای آکادمی ژنولوژی و فعالیت‌های آن می‌تواند راهگشای افق‌های جدیدی باشد. ژنولوژی که وظیفه‌ی تولید دانش زنان را بر عهده دارد در شرایط کنونی رسالت سنگینی بر دوش دارد. دانش زنان بایستی شامل همه زنان باشد و آنان را به سوی آگاهی و خودبودن سوق دهد. ژنولوژی می‌تواند نقش مهمی در تقویت انقلاب زنان در روزآوای کردستان و سایر نقاط آن بر عهده بگیرد چرا که مبارزه و انقلاب زنان تا رسیدن به مقاصد مورد نظر همچنان ادامه دارد.

...

\* دومین کنفرانس ژنولوژی در سطح شمال و شرق سوریه با شعار "روزآمد شدن آگاهی زنان با ژنولوژی" در روزآوای کردستان برگزار شد

# آزادی رهبر آپو به بحران‌ها در منطقه پایان خواهد داد



در کردستان و خاورمیانه از سوی همان بازیگران توطئه بین‌المللی ادامه دارد که درصدد نظم‌دهی نوین به منطقه هستند. هدف آنها، قربانی‌کردن مجدد خلق‌ها در راستای منافع استثماری خودشان است. این جنگ بطور مستقیم و در همه ابعاد با توطئه بین‌المللی ۹ اکتبر علیه رهبر آپو و خلق‌گرد در ۲۶ سال پیش، ربط دارد. این توطئه که توسط قدرت‌های هژمونی جهانی انجام گرفته، بخشی از برنامه نسل‌کشی قدرت‌ها است و تمامی خلق‌ها خصوصا خلق‌های ایران را آماج حملات بی‌امان خود در پروژه نظم‌دهی نوین قرار می‌دهد. موضوع بنیادین این است که رهبر آپو و خلق مبارز‌گرد بر سر راه قدرت‌های استثماری و فاشیست، بزرگترین مانع است و موجب بیداری خلق‌ها و شکل‌گیری قیام‌ها و انقلابات حقیقی می‌شود. پارادایمی که رهبر آپو تحت عنوان «جامعه دموکراتیک و اکولوژیک مبتنی بر آزادی زن» به ارمغان آورده، اساسا خنثی‌کننده سیاست‌های

توطئه بین‌المللی ۹ اکتبر علیه رهبر آپو و خلق‌گرد ۲۶ سال کامل را پشت سر گذاشت. به مبارزه بی‌وقفه رهبر آپو در امرالی علیه توطئه بین‌المللی با هدف آزادی خلقمان، درود می‌فرستیم. این مبارزه بی‌شک تعیین‌کننده خط‌مشی آزادیخواهی برای خلقمان و خلق‌های تحت ستم خاورمیانه در برهه کنونی جنگ جهانی سوم است

۲۶ سال مبارزه خلق‌گرد و خلق‌های حامی‌گردها در راستای خنثی‌سازی توطئه بین‌المللی ۹ اکتبر، نشانه بیداری خلق‌ها علیه نظام جنگ‌افروز و استثمارگر و استثماری قدرت‌های هژمونی جهانی در منطقه خاورمیانه است. مسلما اتحاد در مبارزات با فداکاری نیروی گریلا موجب خنثی‌شدن فازها و مراحل از توطئه تاکنون شده و دشمنان خلق‌های تحت ستم را در رسیدن به اهداف استثمارگرانه‌شان ناکام گذاشته است. امروز جنگی تحت عنوان جنگ جهانی سوم

توطئه‌گرانه هژمونی جهانی سرمایه‌داری علیه خاورمیانه است. مبارزات‌گردها نوعی از سازماندهی مدرن و دمکراتیک برای پیشاهنگی خلق‌های منطقه شکل داده که امیدها به آزادی و دمکراسی را در دل همگان زنده ساخته. گردها با ایستادگی و پایداری خود، شیوه صحیح اتحاد خلق‌ها را برای همگان عیان ساخته‌اند و خود نیز در صف مقدم مبارزات به پیش می‌تازند. این امر برای خلق‌های منطقه که گرفتار جنگ و خونریزی قدرت‌های هژمونیک جهانی و منطقه‌ای هستند، بسیار بارز است. رهبر آپو ۲۶ سال است که در امرالی راه را برای پیشسازی خلق‌ها می‌گشاید. این تلاش‌های رهبر آپو بی‌شک نتایج مثبتی دربرداشته که نمونه بارز آن را در انقلاب ژن، ژیان، آزادی در ایران و شرق کردستان مشاهده کردیم

شکی نیست که تنها راه رسیدن خلق‌گرد و خلق‌های منطقه به آزادی و رهایی از جنگ ویرانگر و خاتمان‌سوز، خنثی‌سازی توطئه بین‌المللی است. توطئه‌ای که در ۹ اکتبر ۱۹۹۸ آغاز شد جلوی مبارزات منطقه‌ای را سد نموده و دولت‌های دست‌نشانده و مزدور هژمونی جهانی سرمایه‌داری را به قدرت رسانده است. این فاجعه هنوز هم ادامه دارد و مسلما جنگ غزه و لبنان هم بخشی از آن می‌باشد. جنگی که در کردستان جاری است و ترکیه بعنوان سرسپرده ناتو آن را ادامه می‌دهد، فاز دیگری از هم‌پیمانی میان کشورهای حاکم بر کردستان یعنی ایران، عراق و سوریه با هدف انقیاد کامل گردها را امروز اجرایی می‌کند. این مقوله اثبات می‌کند که تنها اتحاد گردها بر پایه اندیشه‌های متحدساز رهبر آپو می‌تواند خطرات ناشی از جنگ ویرانگر کنونی را از میان بردارد

اگر امروز انزوای مطلق و تحمیلی علیه رهبر آپو در امرالی ادامه دارد، با هدف جلوگیری از رسیدن رهنمودهای رهبری جهت نجات خلقمان از مخمصه جنگ و نسل‌کشی انجام می‌شود. با این اقدامات می‌کوشند امیدهای خلقمان به مبارزه را به یأس مبدل سازند. اما، حال که پروژہ نسل‌کشی و آسمیلاسیون دشمنان بارها خنثی‌گشته،

نیروهای مدرنیته سرمایه‌داری و دست‌نشانندگان منطقه‌ای حملات دیگری علیه رهبر آپو و خلقمان آغاز کرده‌اند. انزوای مطلق در زندان تک‌نفره امرالی، به معنای خصومت آشکار و بی‌محابا علیه خلق گرد در هر چهاربخش کردستان است. در این میان، گردها در شرق کردستان همراه با خلق‌های ایران با بزرگترین خطرات ناشی از جنگ‌افروزی دول روبرو هستند. لذا در برهه کنونی، اندیشیدن به ایران و خاورمیانه‌ای دمکراتیک که خلق‌ها در آن در برابر جنگ جهانی سوم محفوظ بمانند، به اندیشه‌های ارزشمند رهبر آپو ختم می‌شود. چه‌بسا غفلت از این ارزشمندی، موجب تشدید خطرات و تهدیدهای بیشتر خواهد شد. بنابراین آزادی رهبر آپو به بحران‌ها در منطقه پایان خواهد داد

«حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)» در ۲۶امین سالگرد، توطئه ۹ اکتبر را بشدت محکوم می‌کند و مجدداً به مبارزه آزادیخواهانه رهبر آپو و خلق گرد درود می‌فرستد. همانطور که در ۲۶ سال گذشته خلقمان توانسته با پیشاهنگی نیروی گریلا به دستاوردهایی ارزشمند علیه توطئه و جنگ دست‌یابد، از این پس نیز انتظار می‌رود که در ۲۷امین سال، بتواند با حضور در میداين، توطئه را بطور کامل خنثی‌سازد. لذا پیشبرد کمپین‌ها و کارزارهای موازی و همسو در سطح جهانی تحت عنوان «آزادی برای رهبر آپو و حل مسئله گرد» جزو برنامه‌های راهبردی مبارزاتی خلق‌هاست. این کارزار جهانی شده و به نتایج خوبی دست یافته، پس لازم است هرچه نیرومندانه‌تر ادامه یابد. نقش خلقمان در هر چهاربخش کردستان، ایران، خاورمیانه و اروپا برای حضور در راهپیمایی‌ها و کارزارها و کمپین‌ها، موجب خنثی‌سازی توطئه خواهد شد. باورداریم که قطع‌یقین مبارزات خلق‌ها در منطقه با مقاومت در برابر توطئه، به پایان جنگ‌ها منجر خواهد شد و آزادی و دمکراسی به میان خواهد آمد

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)

۷ اکتبر ۲۰۲۴

ديسان

## ژن ژيان ئازادى

رژيم به چوك دىنىت



نەھون چياكۆ

رۆژھەلاتى كوردستان، ئىران و ھەرئىمەكە ھاتووھتە ئاراوھ. لە راستىدا شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى، تەنيا قەيرانى ناوخۆيى بۆ مانەوھى كۆمارى ئىسلامى قوول نەكردەوھ، بەلكوو لە ئاستى ھەرئىمى و نۆنەتەوھييش دا دۆخى كۆمارى ئىسلامى خستە ناو ئالۆزىھكى زياترەوھ. ھەر بۆيە لەو كاتەيشەوھ تا ئىستا ھەموو كرددەوھكانى كۆمارى ئىسلامى لە ئاستى ناوخۆيى، ھەرئىمى و جىھانى بۆ ئەوھيە كە دەرھاوئىشتەكانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى بنېربكات و شكستى پيئىنئى. بەلام ھەرچى دەچىتە پيش پىچەوانەكەى دەبيندريئ و ئەوھ ژن، ژيان، ئازادىيە كۆمارى ئىسلامى بەرەو ھەلدېر دەبات

لە دە سالى رابردوودا ناكۆكيەكانى كۆمارى ئىسلامى لە ئاستى ھەرئىمى و جىھانىيدا و بە پىئى ئەو دۆخە ژئوپلوتىكەى كە ئىران تيئدايە، بنەماى سەرەكى بوو بۆ دارشتنى پلانى ستراتژىك و تاكتىكى لە لايەن

لەراستىدا لە رووداوھكانى چەند مانگ پيش لە كوژرانى ئىبراھىمى رەئىسى تا ھەلئىزاردنى مەسعودى پزىشكيان بۆ سەرۆككۆمارى ئىران، تا ئىستا گەلىك بابەت ھەيە تا لىكدانەوھى بۆ بكەين و گرئىبەدين بە چارەنووسى كۆمارى ئىسلامى و رۆژھەلاتى كوردستان و ئىران و ھەرئىمەكەوھ. ئەگەر كوونتۆمىك سەيرى بابەتەكە بكەين و ھاوكات ئەگەر بەپىئى ئەوھى كە چركەساتىك بۆخۆى ميژووويە، و لە مژارەكە قوول ببىنەوھ، ھەمووى ئەم رووداوانە گرئىدراون بە چركەى قەتلى دەولەتى، ژينا ئەمىنى و ھەلگىرسانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادىيەوھ. واتە ھەندئى چركە دەبىتە ھۆكارى خولقاندنى دۆخىكى كۆمەلەيەتى، زېھنىەتى، سياسى و چاندى نوئى كە كەس بەتايبەت دەولەت و كۆمەلگا ناتوانن خۆيانى لئ لابدەن. وەك ئەو دۆخەى كە دوابەدواى چركەى شەھىدبوونى ژينا ئەمىنى و ھەلگىرسانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى لە

کۆماری ئىسلامىيەت بۇ مانەۋەى خۆى، ۋەك خۆى ناۋى لىئاۋە پاراستى رژیىم (حفظ نظام). بەلام لەم دەھەدا بەھۆى لەدەستانى کارایى تاکتىكى كۆنەپاریز و ریفۆرمخواز (اصولگرا و اصلاح طلب)، بە تەمەندا چوونى خامنەىى و پىرسى جىنشینی رېئەرى كۆماری ئىسلامى و بەتایبەت دۆخى دواى دەستپیکردنى گۆرانکاریبە زېئەنەتى، چاندى و کۆمەلایەتییەکانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى، ئىدى دۆخى ناوخۆىى بنەمایە بۇ دارشتنى پلانى ستراتژىک و تاکتىكى كۆماری ئىسلامى بۇ مانەۋەى خۆى. بەتایبەت دەرھاۋىشتەکانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى ئەۋەندە ترساندونى كە بۇ كۆنترۆلکردنى رەۋش، ئامادەن لە ئاستى ھەرئىمى و جیھانى ھەرچەشەنە سازش و پاشەكشەیهك بکەن. واتە بۇ ساماندانى رەۋشى خۆى لە ناوخۆ و بۇ ھېشتەنەۋەى خۆى دەتوانى لە ئاستى ھەرئىمى و جیھانى ھەم سازش بکات، ھەم پاشەكشە

ۋادىارە دەۋلەتى پىزىكىان ئەركى ئەۋەیە كە بەستىنى بەرجامىكى نوئ ھەموار بکات. قسەکانى پىزىكىان لە ھۆلى نەتەۋەیەكگرتوۋەکاندا ئەۋەى لپوۋە بە دى دەكرا. بەلام ھەرکەس دەزانىت ئىران بەپىى بەرجامى سەردەمى دەۋلەتى رۆحانى لە ھەرسى ئاستى ناوخۆىى، ھەرئىمى و جیھانى لە دۆخىكى يەكجار لاواز دایە. لەسەردەمى رۆحانى كىشەکانى ناوخۆى رژیىم كەمتر بوون و ۋەك ئىستا شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى بەرۆكى نەگرتبوو. لە ھەرئىمەكەدا لە رىگای درووستکردنى گروپە پرۆكسىەکانیەۋە، دەستىكى بالاترى ھەبوو و ھەموو گروپە پرۆكسىەکانى بەتایبەت حزبوللا، داعشیان ۋەك مەترسى سەر دونىای شیعە دەبینى و ھەر بەۋ پىئەش، بەرەى شیعە لە ژپىر رېئەرایەتى كۆماری ئىسلامىدا بەرفراوانتر بوو. ھاۋكات لەكاتى دەۋلەتى رۆحانىدا رووسىە نوئ كەۋتبوۋە ناۋ ھاۋسەنگیەکانى ھەرئىمەكە و ھاۋپەیمانى سەرەكى ئىران بوو ئىستا بە پىچەۋانەى ئەۋ كاتە كۆماری

ئىسلامى لەناوخۆ كىشەکانى لە ئاستى لووتكە دایە. لە ناۋ خودى رژیىمدا دارمان ھەیە و ژنان، گەلان و كۆمەلگا لە داخۋازییەکانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى پاشەكشە ناكەن. ھاۋكات لە ھەرئىمەكەدا بەتایبەت لە چەند ھەۋتوى رابردوۋدا پروكسىەکانى كۆماری ئىسلامى، بەتایبەت حزبوللا، زەرەبەى كاربیان لىكەتوۋە. رووسىەش بە پىچەۋانەى دە سالەى پىشتر ئىستا لە ھەرئىمەكە جارناجار لە قازانجى توركىیە و دژى بەرژەۋەندى ئىران ھەلسوۋكەۋت دەكات. بەتایبەت لە ھەرئىمى قەفقاز. چىن و ئەۋروپاش ناتوانن لەبەرەبەرى ئىسرائىل و ئەمىرىكا پالپشتى كۆماری ئىسلامى بن. لەگەل ھەموو ئەمانەش لەلایەكىتەرەۋە ناتوانىن حاشای لىكەین كە قابىلەتى رۆحانى و دەۋلەتەكەى بۇ بەرپوۋەبردنى بەرجام يەكجار زیاتر بوو لە ئاستى مەسعوۋدى پىزىكىان و دەۋلەتەكەى لە حالى ئىستادا

لەپراستىدا لە دانىشتەنەکانى بەرجام لە دەۋرانى رۆحانىدا جىا لە باسى مژارى ۋەى ناۋەكى، چەند خالى سەرەكىتەر ھەبوون كە لەلایەن ئەمىرىكاۋە لە ئىران داخۋاز دەكرا، كە برىتى بوون لە يەكەم: ئىران لە سىستەمى پەرۋەردە و سىستەمى دادۋەرىدا رېفۆرمىك بە مەبەستى ئەنتىگرە بوونى زیاترى ئىران لە ناۋ سىستەمى نئولىبرالىزمى جیھانى بکات. دوۋھەم: دەست لە سىاسەتى ئاژاۋەگىپرى لە ھەرئىمەكە لە رىگای پروكسىەکانى كە بەرژەۋەندىەکانى ئىسرائىل و ئەمىرىكا دەخاتە مەترسىەۋە ھەلپگىرىت. بەلام ئەۋكاتە بە ھۆى ئەۋ رەۋشەى كە ئىران بە پىى ئىستا بەھىزتر بوو ئىران دەرەفتى مانۆردان، كاتكرپىن و خۆ دزىنەۋە لە قەبوۋلکردنى ئەم مەرجانەى زیاتر بوو. ۋەك دەزانىن كۆماری ئىسلامى كەلكى لە بەرجام ۋەرگرت و تۋانى خۆى بەپىلتەۋە. لەپراستىدا سەبەبى ھەلۋەشانەۋەى بەرجام لەلایەن ترامپەۋە ھەر ئەۋە بوو كە دەىگوت كۆماری ئىسلامى زیاترىن كەلكى لە بەرجام ۋەرگرتوۋە و ئەۋەى كە خەلەتاۋە ئەمىرىكا بوۋە

به تايهت ٿيستا ته ههست به مه ترسي هاتنه وه سهرڪاري ترامپيش له ٽه مرڪا ده ڪهن و ده زانن ته رزي ترامپ به پيڇه وانهي بايدن يا دموراته ڪاني ٽامه ريڪايه. ته رزي فشار و به چوڪهينان و ناچار ڪردني به رابه ره ڪه به تي. وه ڪ ٽه وهي له ڪوره ي باڪور و عه ربه ستاني سعودي ڪردي. له راستيدا ٽه وهي ڪه ڪوشتني ٿي راهيمي ره ٿيسي، ٿيسماعيل هه ني، هه سن نه سرولا و.. به گشتي ٽه و شه رهي ڪه له به نيني ٿيران و ٿيسرايل ده خاته ٿير گومان و پرسياره وه ده گه رپٽه وه بو ٽه و ڏوخه. به پي ٽه وهش هه ول ده دم له دريڙهي وتاره ڪه دا هه ٿسه نگانديڪ بو شه ري ٿيسرايل و ٿيران بڪم

ٽه و شه رهي ڪه له ٽارادايه پٽويسته سهره تا ده ستنيشاني بڪه ين ڪه شه رپٽي راسته قينه به بو ڪوتايي هٿان به حاڪميه تي ڪوماري ٿيسلامي يا شه رپٽه بو جيٽه جيڪردني هه ندي ته عويز ڪه ڪوماري ٿيسلامي بو مانه وهي خوي قه بوولي بڪات و به و شيوه ده خرينه بواري جيٽه جيڪردنه وه. خو ٽه گهر ٽه و شه رهي به نيني ٿيسرايل و ٿيران به راسته قينه بزائين و بمانه وي دباري بڪه ين ڪه سه به به ڪاني چين و پانتايه ڪه ي تا ڪوي ده چيٽ، يان ٽه گهر شه ره ڪه ته نيا بو جيٽه جيڪردني هه ندي قه رار ڪه رپٽه وتني له سر ڪراوه بينين، له هه ردو بو اردا ده بي لٽي ورد بينه وه

بو ٽه گهري به ڪم و راسته قينه ي شه ره ڪه پٽويسته هه ندي هوڪار بينين، وه ڪ ٽه وهي ڪه ريگاي شهرق بو غه رب يا هندوستان بو يونانستان ريگه به ڪه ڪه ٽه مرڪا و ٿيسرايل ڪاري بو ده ڪهن و زياتر له هه رڪه س به رڙه وهندي ٿيسرايل داين ده ڪات. ڪه واته ٿيسرايل پٽويسته ٽه منيهت بو ٽه و ريگايه چاره بڪات. بو ٽه وهش ٿيران و پرؤڪسيه ڪاني ٽاسته نكي سهره ڪين و پٽويسته رامالدرين. هاوڪات هه رچند ٽه مرڪا و ٿيسرايل هاوپه يمانن به لام له هه ندي شوپنيس ده تواني به رڙه وهندي جيايان هه بيٽ يان لانيڪم له شيوازي هه لسو وڪهوت له مڙاره ڪان شيوازي

ٿيستا به پيڇه وانهي ٽه و  
ڪات ه ڪوماري ٿيسلامي له ناوخو  
ڪيشه ڪاني له ٽاستي لووتڪه  
دايه. له ناو خودي رڙيما  
دارمان هه يه و ڙنان، گه لان  
و ڪومه لگا له داخوازيه ڪاني  
شوڙشي ڙن، ڙيان، ٽازادي  
پاشه ڪشه ناکهن. هاوڪات  
له هه ريمه ڪه دا به تايهت  
له چند هه وتوي رابردو ودا  
پرؤڪسيه ڪاني  
ٿيسلامي، به تايهت حزبولا،  
زه ربه ي ڪاريان ليڪه وتوه

به لام ڏوخي ٿيستا ي ٿيران به ڪجار لاوازتره له ڪاتي ده وله تي روڄاني. دواي شوڙشي ڙن، ڙيان، ٽازادي رهوشي له به رچاوه ڪه چهنده له رڙوڪتر بووه. هاوڪات ٽه گهر ٽه وڪاته ٿيسرايل له ڏوخيڪي پاراستنيدا بوو ٿيستا له ڏوخي هٿس دايه و ده زائين يه ڪ له دواي يه ڪ له پرؤڪسيه ڪاني ٿيران ده دا و ته نانهت له خودي ٿيرانيش ده ست ده وهه شيٽيٽ. به لام له گه ل هه موو ٽه و لاوازيهش خامنه يي بو مانه وهي رڙيمه ڪه ي له وهه ده چيٽ بو به رپٽه رڪردني ڪوره ڪه ي واته موجته با خامنه يي دواي خوي، ناچاره ڪه پٽواڙويه ڪي نوي له گه ل ٽه مرڪا ده ست پيڪات و به شيڪي زور له مه رجه ڪانيشي قه بوول بڪات. وه ڪ لاوازڪردن و ته نانهت ته سفيه ڪردني پرؤڪسيه ڪاني و پاشه ڪشه له گه ليڪ پيگه ي خوي له هه ريمه ڪه دا و خزانه وه ناو سنوره ڪاني ٿيران بڪات. هاوڪات دوور نييه هه نديڪ رفورم قبول بڪات وه ڪ شيوه ي بن سه لمان ي (وه ڪ ٽه و رفورمه راديڪالانه ي بن سه لمان له عه ربه ستان).

جیاوازییان هه‌بیت. که وایه ده‌کریت ئەمریکا بیه‌وێت له‌گه‌ل ئێران پیاوژۆیه‌کی نوێ وه‌ک به‌رجام بکاته‌وه و ئیسرائیل پێی رازی نه‌بیت و هه‌وڵی له‌بار بردنی بدات. له‌ لایه‌کیتره‌وه له‌پراستیدا له‌به‌ینی ئێران و ئیسرائیل هاوبه‌شیه‌کی ژۆپۆلتیک هه‌یه که هه‌ردوانیان له‌ میژووی ده‌وله‌تداریاندا له‌ به‌هیزگرنتی تورکیا و ولاتانی عه‌ره‌بی نیگرانیان بووه، به‌لام ئیسرائیل له‌ رێگای په‌یمانی ئیبراهیم ده‌یه‌وێت له‌گه‌ل دونیای عه‌ره‌بی سونی رێک بکه‌وێت و ئێران هه‌وڵی داوه ئەمه‌ تیکبدا و ئیستا ئیسرائیل که‌وتوووه‌ته‌ هێرش و تۆله‌ له‌ ئێران ده‌کاته‌وه. یان ئەوه‌یکه ئیسرائیل دوا‌ی هێرشی ۷ ئۆکتوبر یا ره‌شه‌بای ئەقسا (توفان اقصاء) ده‌یه‌وێت وه‌ک ده‌رفه‌تیک بيقۆزێته‌وه بۆ هێرش بردن له‌ هه‌رێمه‌که‌دا و به‌هێزبوونی خۆی. هه‌رچه‌ند ته‌نانه‌ت گومان له‌ سه‌ر هێرشی ۷ ئۆکتوبر هه‌یه که گویا ئیسرائیل پێویستی به‌ به‌هانه‌یه‌کی له‌و چه‌شنه‌ی هه‌بووه‌ تا هه‌ندێ پلانی پێ‌ جێبه‌جێ بکات

له‌ راستیدا تا پێش هاتنه‌ سه‌رکاری کۆماری ئیسلامی ته‌ره‌فی ئیسرائیل عه‌ره‌بی سونی بوو. وه‌ک ده‌زانرێت چه‌ند شه‌ره‌ی گه‌وره‌ش له‌به‌ینی ئیسرائیل و دونیای عه‌ره‌بی سونی به‌رپۆه‌ چوو. به‌لام کاتیک کۆماری ئیسلامی سیاسه‌تی دژه ئیسرائیلی کرده‌ بنه‌ما، ئیدی ته‌ره‌فی ئیسرائیل بوو به‌ کۆماری ئیسلامی و پروکسیه‌ کانی له‌ هه‌رێمه‌که‌دا. وه‌ک ده‌زانرێت هێزی دونیای عه‌رب له‌ کانتیکستی سونی دایه‌ نه‌ک شیعه. ئەمه‌ش به‌ قازانجی ئیسرائیل بوو و ناوبه‌ری عه‌ره‌بی سونی و ئیسرائیل تا ئاستی به‌ستنی په‌یمانی ئیبراهیم پێش چوو. به‌لام ئیستا ئیسرائیل کۆماری ئیسلامی و پروکسیه‌کانی بۆ‌ته‌ و دۆخه‌ وه‌ک مه‌ترسی ده‌بینن و ده‌بیت رووبه‌روویان بپێته‌وه

ئەگه‌ر سه‌به‌به‌کانی ئەم شه‌ره‌مان ده‌ستنیشان کردبیت داخۆ ده‌بی چۆن بڕوانینه ئامانجه‌کانی و تا کوی پێش ده‌چیت. وادیاره سه‌ره‌تا ئیسرائیل باسکه‌کانی ئۆختاپووسی

کۆماری ئیسلامی ئێران (پروکسیه‌کانی ئێران له‌ هه‌رێمه‌که‌) بپێته‌وه و جارناچاریش تیریک بۆ سه‌ره‌که‌ی واته‌ ناوخۆی ئێران باوێژێ. دوا‌ی ئەوه‌ له‌م قۆناخه‌ سه‌ره‌که‌وتنی وه‌ده‌ست خست، ئەمجار هێرشیکێ کۆتایی بۆ ناوخۆی ئێران بکات. به‌لام لێره‌دا ئەو راستیه‌ هه‌یه که ئیسرائیل هه‌رچه‌ند خاوه‌ن ته‌کنیکیکێ به‌هێزه و ده‌توانن قۆناخی یه‌که‌م سه‌ربخات به‌لام بۆ قۆناخی دووه‌م رووبه‌رووی کیشه‌ی هێزی ئینسانی پێویست ده‌بیته‌وه. بۆ ئەوه‌یش پێویستی به‌ خه‌لکی ناوخۆی ئێران و کۆده‌نگیه‌کی هه‌ریمی و جیهانی هه‌یه. به‌تایبه‌ت پێویسته ئەمریکا و ولاتانی ئەوروپایی به‌ته‌واوه‌تی له‌گه‌ل خۆی هاو‌را بکات

هاوکات هیوای به‌وه به‌ستوووه که به‌لاوازکردنی ئێران ده‌رفه‌تی هه‌ستانه‌وه‌ی خه‌لکانی ناپارازی له‌ناو ئێران بخولقینن. په‌یامه‌که‌ی ننانپاهۆ بۆ ناو ئێران له‌سه‌ر ئەو بنه‌مایه‌ بلاو کرایه‌وه. له‌پراستیدا ئەگه‌ر ئێران تواناییه‌کانی له‌ئاکامی ئەو هێرشانه‌ی ئیسرائیل و هه‌ستانه‌وه‌ی ناوخۆ له‌ده‌ست بدات به‌ پێچه‌وانه‌ی سه‌رده‌می شۆرشی ژن، ژیان، ئازادی رێگه‌ له‌به‌ر کۆده‌نگی نێوده‌وله‌تی له‌ ئاستی هه‌ریمی و جیهانی دژی ئێران زیاتر ده‌بیت. له‌به‌ر ئەوه‌ی له‌ سه‌رده‌می ژن، ژیان ئازادی سوپزه‌ی ئاکتۆر به‌ته‌واوی ناوخۆیی بوو، هه‌م ده‌وله‌ته‌ کۆنه‌پارێزه‌کانی هه‌ریم و هه‌م ولاته‌ زله‌پزه‌کان ترسان. ده‌وله‌ته‌ کۆنه‌پارێزه‌کانی هه‌ریم له‌وه‌ ده‌ترسان که کاراکتری دیموکراتیکی ژن، ژیان، ئازادی کۆمه‌لگاکانی ئەوانیش بگرێته‌وه و ده‌وله‌ته‌ زله‌پزه‌کانی سه‌رمایه‌داری جیهانی له‌وه‌ ده‌ترسان ئالترناتیویکی گه‌وره له‌ به‌ستینی ژن، ژیان، ئازادیدا بۆ هه‌رێمه‌که‌ ده‌ربکه‌وێت که له‌ کونترۆلی ئەواندا نه‌بیت. به‌لام ئیسته ره‌وشه‌که جیاوازه و زیاتر ئاکتۆری ده‌ره‌کی واته‌ هێرش بۆ سه‌ر ئێران وه‌ک سوپزه‌ی بکه‌ر، به‌ستین هه‌موار ده‌کات و ئەوه‌یش ده‌ستی ئەوان له‌ ئاراسته‌ کردن و کونترۆلکردنی کراوه‌تر ده‌هێلێت

کوردستان و عێراق پێش دهخات. بێگومان ئهوه دهتوانی بوو دۆزی کوردیش مهترسی خۆی هه بێت. ههر له بهر ئهوه یه تیکۆشانی یه کگرتووی کورد به قهدهر رووبه روو بوونه وهی له گهڵ کۆماری ئیسلامی، له گهڵ فاشیزمی تورکیاش گرنگه. له لایه کیتێرشه وه راسته تورکیا و ئهمریکا هاوپه یمانن به لām ئهمریکا نایه و پیت تورکیا له کۆنترۆلیش ده ربچیت و ساحه ی گه وره ی بوو بکرتیه وه. به تایبته دوا ی ئه وه ی که گه لیک جار تورکیا و رووسیا ده که ونه دانوو ساندن و هاوپه یمانی. له لایه کیتێرشه وه ئهمریکا به ره وه هه لێژاردن ده چیت و له قۆناخی هه لێژاردندا ناتوانی بریاری پێویست وه ربگیردیت و تا پرۆسه ی هه لێژاردن ته واو ده بپیت و حکومه تی نوێ دیاری ده کریت گه لیک شت هه لواسراو ده میننه وه

بێگومان ئه وه ره وشه تایه ک دوو مانگی داها توو وه ک ئاسته نگیه که له به رانه ری ئیسراییل و سه به بیکه بوو ئه وه ی ئیران هه ندی کاردانه وه ی هه بپیت. به لām مه رج نییه تا سه ر و ابپیت. به تایبته ته گه ر له هه لێژاردنی ئه مریکا دا ترامپ سه رکه وتن به ده ست بپیت دۆخه که پێچه وانه ده پته وه. له لایه ن ئیسراییل و ته نانه ت به هاو به شی له گه ل ئه مریکا زه ربه ی گه وره تر له ئیران ده دریت. تا ئاستی وێران کردنی بنه سازی سه ربازی، ئابووری و پیکهاته ی به رپۆه به ری له ئیران دا. به تایبته وێران کردنی توانایی هه وایی ئیران (سامانه ی هه وایی). هاوکات زیاتر هه ولی کۆده نگی هه ری می و جیهانی دژی ئیران ده دریت و هه ره ها هه ولی پارچه بوونی پیکهاته ی ناو خۆی کۆماری ئیسلامی ده دریت. له لایه کیتێره وه ژیله مۆی نا ره زیاته تی ناو خۆی ئیران که دوا ی سه رکو تی شو رشی، ژن، ژیان، ئازادی په ره ی سه ندوو ه گه شه بپته وه و دپته وه گو ره پان. به تایبته ته گه ر توانای هه وایی ئیران له کار بکه و پت ده رفه تی گه وره له به ر ئاکتوری ناو خۆیی واته وزه ی گه لان و کۆمه لگا کان و ژنانی نارازی ده کریته وه بوو خو به رپیکه خستن کردن و ئه کتی ئینقلابی

به لām لیره دا مژاریک هه یه که له لایه که وه جه ساره ت ده دا به ئیران که هه ندی و لām دانه وه ی هه بپیت و له هه مانکات له به ر ئیسراییل ئاسته نگه، ئه ویش ئه وه یه که ئه مریکا جار ی له گه ل به ر بلاوتر بوونه وه ی شه ر نییه. به تایبته ده ولته تی بایدن هه ول ده دات رۆلی نیو بزیوانی بگپیت و هه ردوولا کۆنترۆل بکات. ئه مریکا له هه ره شه کانی ئیران هه ندی ده ترسی که ده لئ ئه گه ر ناو هنده نه وه تیه کانم لێیان بدریت منیش

رێگای شەرق بوو غەرب  
یا هندوستان بوو یونانستان  
رێگه یه که که ئه مریکا و ئیسراییل  
کاری بوو ده که ن و زیاتر له  
هه رکه س به رژه وه ندی ئیسراییل  
دابین ده کات. که واته ئیسراییل  
پێویسته ئه منیه ت بوو ئه و  
رێگایه چاره بکات. بوو ئه وه ش  
ئیران و پرۆکسیه کانی ئاسته نگ  
سه ره کین و پێویسته رامالدرین

له ناو هنده نه وتیه کانی هه ری مه که به تایبته عه ره بستان، قه ته ر و ئیمارات ده ده م. به راستی ته گه ر شتیکی ئاوا بکریت کاریگه ری جیهانی ده بپیت. له لایه کیتێره وه ده زانی ته گه ر شه ره که قوولتر بپته وه رووسیا دپته نیو ئیران و هه ندی هه ری م ده گریت. له راستیدا ئه وه ش راستیه که، هه لبه ت جیا له رووسیا ته گه ر ئیران توانای کۆنترۆلی نه مینئ تورکیه ش به سه رکه شی فاشیزمی ئا که په - مه هه په، دپته ناو رۆژه لاتی کوردستان و هاوکات به له ده ستدانی کۆنترۆلی ئیران له سه ر عێراق، تورکیه زیاتر هه ژمونی خۆی له باشووری



ده کړيټه وه و بهو شپوه کوماری ئیسلامی له هه موو بواره کانه وه گه مارو ددريټ و زه ربه ی لیده که ویت

بېگومان له نه گه ریکی واشدا کوماری ئیسلامی به ته واوی هه لئاوه شپته وه به لأم کونترپولی جوغرافی، سیاسی و به ریټه بهری له ده ست ددات. یه کیک له و شویتانه که ده توانی کونترپولی له ده ست بدات روزه لاتی کوردستانه. له نه گه ری ئه وه ش نه گه ر هیزی شورشگر ناماده نه بیټ ده توانریټ بوشاییه که له لایه ن هیزیکی دزه کومه لگاوه پر بکریټه وه. بویه پیداگری له سر ناماده کاریه کانی تیکوشانی گه لی شورشگری به تایه ت پاراستنی رها نه رکی سه ره کی هیزی شورشگره و پیویسته له و بواره دا بئ دلپاوکئ و کوشتنی کات هه لسو وکوت بکات. له راستیدا به رده وام ناماده کاری پیویست، له کاتی خویدا بریاری دروست وه رگرتن و به پیی ئه وه چالاکیکردنه که بردوویه تییه وه و ده سکوتی خولقاندوه. که واته پیویسته ئیمه ش وه ک هیزی شورشگر هه ر ئه وه بکه ین. ئه وه ش نه ته نیا له به رابه ر کوماری ئیسلامی به لکوو له به رابه ری ئالترناتیفه کانتری ده ولت - نه ته وه خواز که ئه م روژانه جاریکیتر هاتوونه ته وه ساحه راگه یانندن و سیاسه ت

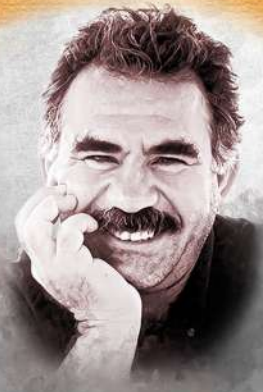
خو نه گه ر سناریوکه ئه وه نه بیټ و ئه م شه ره ته نیا بو جیټه جئ کردنی هه ندئ بریار بیټ له چوارچیوهی ئه وه دا ئیران هه ندئ ته عویز بدات تا مانه وه ی قبول بکریټ، به لأم به شپکی له ریگه ی هه ندئ شه ری کونترپولی و هه ماهه نکه وه بکه ویته بواوی کردارییه وه، دیسان ئاکامه کی ئه وه ده بیټ که کوماری ئیسلامی وه کوو ئیستای که هه یه نه میټت. بو وینه نه گه ر ئیران قه بوولی کرد بیټ که ئیدی ده ست له و سیاسه ته هه ریټه ی هه لگریټ که تا ئیستا له ریگه ی پروکسیه کانیه وه به ریټه ی بردووه، به لأم ناتوانی ئاوا راحت بلیت هه رکه س بچیتته وه مالی خوئی و ناچاره هاوکاری ته سفیه کردنیان بکات و گه را بنیتته وه بو ئیسراییل تا ئه وه هیژانه له به نبیریټن یا لاواز

بکریټن و لانیکه م توانای سه ربازیان نه میټت ئه م شه ره له ئارادایه. نه گه ر واشیټ ئیدی ئیران ئه وه هه ژموونییه هه ریټه ی له ده ست ددات و ده خزینریټه وه ناو سنوره کانی خوئی و له ویش هه روا ناهیلدريټ و ناچارى رفورمی رادیکالی بن سه لمانی ده کریټ له چوارچیوهی به رزه وه ندى مؤدیرنیته ی سه رمایه داریدا. له به رانه ری ئه مه شدا ده ولته ی ئیستای ئیران ده توانیټ به شؤناسیکی تره وه به لأم له ژیر رکیفی بنه مالی هه خامنه ییدا و به تایه ت دواى عه لی خامنه یی له ژیر رکیفی موجته با خامنه ییدا میټته وه. بېگومان ئیران له گه ل عه ره بستان جیوازه و ده توانی ئاکامیکیتری لی بوه شپته وه. بو وینه ئیران به پیچه وانه ی عه ره بستان چه ند نه ته وه یه، ته فگه ری ژنان و دیموکراتیکی به هیزی هه یه و...

بېگومان نه گه ر ئه م سناریویه راستیه که بیټ، دیسان هیزی شورشگر رووبه پرووی هه ندئ هه ره شه و دهره فته ده بیټه وه. بو وینه نه گه ر ناماده نه بیټ و خاوه ن سه کینکی شورشگری و ئیدئولوژییک نه بیټ ده توانی له ناو ئه و ته عویز و رفورمانه دا بتویته وه و کارایی خوئی له ده ست بدات. نه گه ر ناماده ش بیټ ده توانی به پیداگری له سر بنه ماکان و نه رموونیاى له تاکتیکدا هه م خوئی بپاریزی و هه م له دؤخه که که لکی پیویست تا سه رکه وتن بگریټ. واته هه ر دوو سناریو بو هیلی سیه م هه م دهره فته و هه م هه ره شه یه. له راستیدا چه نده گرنکه لیتره دا هیلی سیه م به بنه ما بگریدریټ، نه وه نده ش گرنکه هیلی سیه م دروست کار بکات و به ناوی هیلی سیه م هه وه هه له نه کریټ. هاوکات له نه گه ری سناریوی دوومیشدا دیسان پیشخستنی پیوه ره کانی تیکوشانی گه لی شورشگری ئه ساس و بنه مایه بو پووجه لکردنه وه ی هه ره شه کان و که لکوه رگرتن له دهره فته کان تا سه رکه وتن مسوگه ر بکریټ

# دووه مین سالی که مپینی نازادی

بۆ جهوانانی رۆژهه لات، سالی تۆله و سه ر که وتنه



بۆ تیکشکاندن سیستهمی  
قرکه ری ئیمرالی

## کات تۆلهیه

تۆله لدان سارا

به شیوهیه کی دژوارتر به رده وامی هه یه. ئەمەش به شیوهیه کی راسته وخۆ ئەرکی ئەم قۆناغە ی گەنجان لە بەرامبەر که مپینی نازادی دەستیشان دەکات

سەرکه وتی "که مپینی نازادی" واتای مسۆگەرکرنی هه بوونی گەلی کورده. بگره له وهش زیاتر بۆ قه ده ری مرۆفایه تی پۆلئیکی یه کلاکه ره وه ی هه یه. بۆچی پیناسه یه کی به و شیوهیه؟ بۆ وه لامی ئەو پرسیاره، پیوسته پشتپه رده ی پیلانگێری نیونه ته وه یی به وردی بخه یه ژێر لێپرسین. پیلانگێری نیونه ته وه یی که له که سایه تی رێبه ر ئاپۆ دا به مه به ستی قێکردنی گەلی کورد دا پێژرابوو، له ۹ ئۆکتۆبه ری سالی ۱۹۹۸ به ده رخستنی رێبه ر ئاپۆ له سووریا ده ستی پێکرد. به پیشه نگایه تی هێزه کانی گلا دیۆ، به به شداری ۳۶ ده ولت نه ته وه ی زله یز به رپوه چوو. له ئەنجامی چه ن دین ئۆپه راسیۆنی سیخوری، ۱۵ شوباتی ۱۹۹۹ پیلانگێری به ده ستگیرکردنی رێبه ر ئاپۆ به ئەنجام بوو. هه ر هه مان پۆژ رێبه ر ئاپۆ به شیوهیه کی نایاسایی راده ستی ده ولتە تی تورکی فاشیست کرایه وه. ئەو پیلانگێرییه ی بووه به هۆکاری سه ره کی و خالی ده ستپێکردنی ئەو ئالۆزییه ی ئەمرۆ

۱۰ ئۆکتۆبه ری سالی رابردوو دۆستانی گه له که مان که مپینیکیان بۆ نازادی جه سته یی رێبه ر ئاپۆ و له دژی پیلانگێری و کۆنسیپتی قێکردن راگه یاند. له ماوه ی سالی کدا که مپینی نازادی ئاستیکی گرنگی وه ده ست هێناوه و جاریکیت پیلانگێری نیونه ته ویی پوچ و بێ واتا کردووه. هێزی رامانی رێبه ر ئاپۆ، که مپینی نازادی به هه موو گۆشه یه کی جیهان گه یاندووه. پارادایمی رێبه ر ئاپۆ له جه وه هه ری خۆیدا پیشه نگایه تی ژنان و جه وانان له خو ده گری و بۆ ته واوی جه وانانی نازادیخواز رێبه ر ئاپۆ سه رچاوه ی سه ره کی هێز و وره یه. بۆیه گه نجانش هه ر له سه ره تای که مه یه نه که وه وه ک ئەوه ی له نازادی به جێ مابن به شداریان کرد. له ناو ته واوی ساله که شدا به رۆحیکی به رپرسیارییه وه رۆلئیکی چالاکانه یان گێرا و پیشه نگایه تیان کرد. هه ر چه نده که مه یه نی نازادی مۆری خو ی له سالی ۲۰۲۳ داوه و ته ختی سیستهمی سه رده ستی جیهانی هه ژاندووه، به لام سیستهمی قێکردنی ئیمرالی نه رووخواه و هیشتاش رێبه ر ئاپۆ به واتای جه سته یی له ناو سیستهمی ئەشکه نه جی ئیمرالییه و کۆنسیپتی پاکتاوکردنی گه له که مان

جیهانی پیدا تیده په ریټ، ئامانجی سهره کی له ناوبردنې ته واوه تې رپه ر ئاپو و گه لی کورد بوو. چونکه خه یالی پیلانگپران ئه وه بوو؛ پوژه لاتې ناوه راست به ته واوی بخه نه ژیر هه ژموونی سهرمایه داربیه وه و له مپه ری سهره کیش له بهرده میان تیکووشانی په وای گه ی کورد بوو، که رپه ر ئاپو سات به سات و به هه ولدانیکې بئ وینه هونبوویه وه. هه ر بویه دواى پفاندنی، رپه ر ئاپو به ره و زیندانی تاکه که سی ئیمپالی راگوپزرا و رووبه رووی سیسته میکی تایبه تی ئه شکه نجه و قکردن کرایه وه. پیلانگپران هه ولپاندا له که سایه تی رپه رایه تیه که یدا، تیکووشانی په وای گه لی کورد دادگایى بکه ن، به لام دیسانه وه رپه ر ئاپو به بینى ئه و راستیه و دارمینی رووپوشی پیلانگپران، به تیکووشانیکې په رجوو ئاسا له که سایه تی ده ولته تی تورکی فاشیست دا سیسته می سهرده ستی جیهانی دادگایى کرد و رپه رایه تی گه لی کوردی بو رپه رایه تیه کی جیهانی وه چه رخاند. هاوکات گه لی کوردیش ئاستی مه ترسیداری پیلانگپرې باشر بینى و تیکووشان له دژى پیلانگپرې بوو به تیکووشانیک له پیناوه بوون و ناسنامه ی نه ته وه یی. توله له پیلانگپران و هه بوونی گه لی کورد له ناوه روکیاندا ها و اتا بوونه و له ئه نجامی تیکووشانیکې به م شیویه که رپه ر ئاپو سهرکیشی بو کرد؛ ئامانجی سهره کی پیلانگپرې پوچه لبوویه وه هاوکات له پوژه لاتى کوردستانیش گه لی کورد هه ستی به مه ترسیداری پیلانگپرې کردبوو. بویه به پیشه نگیه تی جه وانان خاوه ندارى بئ وینه ی گه لی پوژه لاتى کوردستان، بوو به به شیکی سهره کی تابلوی به ره نگاری، که له دژى پیلانگپرې و قکردنی گه لی کورد به خوینی ده یان روله ی قاره مانى گه له که مان نه خشیترا. چونکه خه لکی پوژه لاتى کوردستان، باشر له هه موو که س

ئیشی ئه و پیلانگپرانه ی چه شتبوو، که له میژوودا دژى گه له که مان و پیشه نکه کانی ئه نجامدراون. کاتیک بینرا ئه نجامی خوراگری په ره سەندنی تیکووشانی ئازادییه، کاردانه وه کان له دژى پیلانگپرې به ره و ریکخستنبوونی بزووتنه وه ی ئاپوی له پوژه لات و ئیران وه چه رخا. وه ک ده لپن؛ گیا له سهر بنجی خوی شین ده بیته وه، میژووی بزووتنه وه ی ئاپویش له پوژه لاتى کوردستان دووباره بوویه وه و گه نجان رولی پیشه نگیه تی ریکخستنبوونیان گپرا

رپه و چوونی میژوو و تیکووشان دژى پیلانگپرې له پوژه لات و ئیران به خو پ به رده وامه. به نزیکبوونه وه له رپه ر ئاپو له پوژه لات و ئیران زیاتر پوچوو و ئیتر کاریگه رییه هزریه که ی به ره می گرنگ ده چنیتنه وه. شوپشی ژن ژیان ئازادی نیشانده ری ئه و راستیه یه و له قوناغی پیش ده ستپکردنی که مپینی ئازادی، رولیکى گرنگی له بلا بوونه وه ی پارادیگمای

## جه وانانى کوردستان به و سیفه ته ی زیاتر له نزیکه وه بزووتنه وه ی ئاپوی و فکری رپه ر ئاپومان ناسیوه، ئه رکی ریکخستنکردنی ته واوی ئیران له ئه ستوی ئیمه دایه

رپه ر ئاپو دا هه بوو. به گه رانه وه بو ئه وه ی که درووشمی شوپش سهرچاوه که ی راسته وخو پارادایمی رپه ر ئاپویه؛ گه وره ترین ماته وزه ی خاوه ندارى له م که مپینه ش ئیران و پوژه لاتى کوردستانه. بیگومان هاوشیویه به رپه و چوونی میژووی تیکووشان له دژى پیلانگپرې، له

زىاترە. جەوانانى پۇژھەلاتى كوردستان بەھ سىفەتە زىاتر لە نىكەھە بزووتنەوھى ئاپۆيى و فەكرى رېيەر ئاپۆمان ناسىوھ، ئەركى رېكخستىنكردنى تەواوى ئىران لە ئەستۆي ئىمە دايە. ئەمە لە بانگەوازيەك زىاتر، ئەركىكە؛ چونكە داگىركارى ئىمپىريالىستى بە چاندنى تۆوى نەتەوھەپەرەستى، پەگەزەپەرستى و ئايىنگەرايى، بە سىياسەتى پەرتگە و زالبە گەلان لەبەر يەك ھەلدەوھەشەپەتتەوھە و دەسەلاتدارى خۆي دەخاتە گەرەنتىيەوھە. تەواوى ئەھ حزب و رېكخراوانەھى بانگەشەھى نەتەوھەپەرستى و ئايىنگەرايىان ھەلگرتەوھە، لە بنەپەرتدا گەرەنتىيە خەزەمت بە دەولەت نەتەوھە و سىستەمى سەرمایەھى جىھانى دەكەن. بۆيە بە پېشەنگايەتى جەوانانى كورد و بە پېشخستى يەكئىتى جەوانانى شۆرشگىرى ئىران لەسەر بنەماي پارادايىمى نەتەوھى دىمۆكرات، دەتوانىن مۆدىلى كلاسكى نەتەوھەپەرستى تېپەر بگەين. مۆدىلى كلاسكى نەتەوھەپەرستى كوردى، فارسى، ئازەرى و ھتد، ھىچ پەيوەندىيەكى ئەوتۆي بە تىكۆشانى ئازادى و شۆرشگىرىيەوھە نىيە و درۆيەكى شاخدارى سەرمایەدارىيە، كە خەزەمتىكى گەرە بە دەسەلاتى سەرورەر دەكات. بۆيە ناساندن و بلاوكردنەوھى فەكر و پامانى رېيەر ئاپۆ لە ئىران، وھك چاندنى تۆوى پەسەنە لە زەوى بە پىت و ھەمىش لە وەرزی بەھارى سالى بە بەرەكەتدا. ئەوھ تەنیا درووشم نىيە و شۆرشى ئىران ئازادى سەلمېنەرى ئەھ پاستىيەھە. درووشمى ئىران ئازادى ھەلقوللوى پارادايىم و پارىزنامەكانى رېيەر ئاپۆ يە. ئەگەر درووشمىك بەھ شىوھە تەختى دەسەلاتدارى بەھئىت، ئەوا ناساندنى ناوھەرۆكەكە دەتوانىت دەسەلات لە پەگ و رىشەوھە لىكېشى و بە پېشەنگايەتى ئىران و جەوانان ئەلتەرناتىفى دىمۆكراتى گەلان بونىاد بنىت

## جەوانانى ئاپۆيى لە پۇژھەلاتى كوردستان، بە تىكۆشان لە دژى گەلەكۆمەھى نىوئەتەوھى تەفگەرى ئازادىيان ناسى و ئەمە بووھ بە خالى سەرەتاي ژيانەوھ لە پۇژھەلات

شۆرشى ئىران ئازادىشدا گەنجان لە پال ئىران پۆلى سەرەكى و پېشەنگايەتيان ھەبوو. وھك دەزانرېت لە چەند پۆزى داھاتوودا پى دەنئىنە دووھەمىن سالى ئەھ كەمپىنەوھە و ئەگەر پېرسىن؛ ئەركى جەوانان لە دووھەمىن قۇناغى ئەھ كەمپەينەدا چىيە؟ بىگومان يەك وھلام ھەيە؛ ئازادى رېيەر ئاپۆ و تىكشكاندى كۆنسىپىتى قىرکردنى گەلى كوردە. ئەھ ئەركە چۆن بە سەرەكەوتوويى جى بەجى بگەين؟ وھك جەوانانى پۇژھەلات پىويستە ناوھەرۆكى شۆرشى ئىران ئازادى و كەمپىنى ئازادى بەيەك بگەيەين و بۆھەنگاوى رېكخستى بەھىزتر وەرچەرخىين. بىگومان ئەوھش راستەوھو بۆئە ئاستى تىگەيشتن لە رېيەر ئاپۆ و سەرھال بوونى شەرى ئەھ قۇناغەوھ پەيوستە.

لە سالى پابردوودا چەندىن كار و چالاكى گەنجان ھەبوون، كە مۆرى خۆيان لە كەمپىنى ئازادى دا. لە سەرەتاي سالىدا كۆنفرانسى جىھانى جەوانان بە سوود وەرگرتن لە فەكرى رېيەر ئاپۆ ئەنجامدرا. جەوانانى پۇژھەلاتىش بەشدارىيەكى چالاكيان ھەبوو لەھ و كۆنفرانسەدا. دىسانەوھە كۆنفرانسى جەوانانى پۇژھەلاتى ناوھەپاست ئەنجام درا و جەوانانى پۇژھەلاتى كوردستانىش بەشدارىيان تىدا كرد. بىگومان ئەھ بەشدارىيانە جىيە بايەخن و گرینگن، بەلام وھك جەوانانى پۇژھەلات، ئەرك و بەرپرسىيارىتيمان لەوھ

# نا سەرکهوتن کاتے تۆلەیه



قیبله دیاره، ئه‌رک دیاره و هی‌زی پیشه‌نگیش دیاره. ئه‌وه‌ی ده‌می‌نیه‌وه، هه‌نگاوی توندو تۆل و هه‌لۆیستی به‌ وێژدانه. خۆی له‌ خۆیدا ئه‌وه‌ خالیکی ئومید به‌خشه، که‌ وه‌ک گه‌نجانی پۆژه‌لات و ئیران به‌ ئاماده‌باشیه‌وه پێ ده‌ئینه‌ دووه‌مین سالی که‌مپینی ئازادی. هه‌روه‌ها‌ راگه‌یاندنی هه‌لمه‌تی "کاتی تۆلەیه" هاوکاتی سالیادی شوپشی ژن ژیان ئازادی و شه‌هیدبوونی پیشه‌نگی جه‌وانان هه‌فال تۆله‌لدان قه‌ندیل بوو. بۆیه‌ له‌و برۆیه‌داین ده‌ستی‌کردنیک که‌ له‌سه‌ر پیشینه‌یه‌کی به‌م شیوه‌یه‌ هه‌لچراپیت، سه‌رکه‌وتنی مسۆگه‌ره. له‌سه‌ر ئه‌و بنه‌مایه‌ ته‌واوی جه‌وانانی پۆژه‌لات و ئیران بانگه‌پشت ده‌که‌ین؛ له‌ دووه‌مین سالی که‌مپینی ئازادیدا و به‌ دروشمی "له‌دژی سیسته‌می قه‌ره‌ری ئیمرا‌لی، کاتی تۆلەیه" بۆ ئازادی جه‌سته‌یی رێبه‌ر ئاپۆ سه‌فه‌ربه‌ر بن. به‌ ئیراده‌ و بریارداریه‌وه ۲۶ه‌مین سالی گه‌له‌کۆمه‌ بکه‌ینه‌ سالی تۆله‌ له‌ پیلانگێرانی و داگیرکه‌ران

هیچ گومانی تیدا نییه، سالی دووه‌می که‌مپینی ئازادی، پێویسته‌ بیته‌ سالی سه‌رکه‌وتن و ئازادی جه‌سته‌یی رێبه‌ر ئاپۆ. هه‌ر بۆیه‌ له‌سه‌ر بنه‌مای ره‌خنه‌داین و به‌شداریه‌کی چالاکانه‌تر له‌ که‌مپینی "ئازادی بۆ رێبه‌ر ئاپۆ، چاره‌سه‌ری بۆ پرسێ کورد" له‌م ماوه‌یه‌دا هه‌لمه‌تی "له‌ دژی سیسته‌می قه‌ره‌ری ئیمرا‌لی کاتی تۆلەیه" راگه‌یه‌نرا. جه‌وانانی ئاپۆیی له‌ پۆژه‌لاتی کوردستان، به‌ تیکۆشان له‌ دژی گه‌له‌کۆمه‌ی نیونه‌ته‌وه‌یی ته‌فگه‌ری ئازادیا‌ن ناسی و ئه‌مه‌ بووه‌ به‌ خالی سه‌ره‌تای ژیا‌نه‌وه‌ له‌ پۆژه‌لات. بۆیه‌ له‌ قۆناغی راگه‌یاندنی ئه‌م هه‌لمه‌ته‌دا، هه‌ر وه‌ک چاوه‌پوان ده‌کرا له‌لایه‌ن جه‌وانانه‌وه‌ خاوه‌ندارییه‌کی گرنگی لێکرا. له‌سه‌ر ئه‌و بنه‌مایه‌ش چاوه‌پروانی له‌ جه‌وانان و هه‌روه‌ها‌ هیوا و بانگه‌وازی جه‌وانانیش بۆ سه‌رکه‌وتن، له‌ لوتکه‌ دایه. ئه‌وه‌ی که‌ ده‌می‌نیه‌وه‌ و گرنگه‌؛ کێ و چۆن ئه‌نجامی بدات؟ بێگومان سه‌ری هه‌موو سه‌رکه‌وتنه‌کان له‌ رێکخسته‌نبووندا‌یه‌ و هی‌زی پیشه‌نگیش جه‌وانن. له‌م سۆنگه‌یه‌وه‌؛ کێلی سه‌رکه‌وتن، رێکخسته‌نبوونی جه‌وانانه‌. چونکه‌ فکر و ئایدۆلۆژییه‌کی بێ وینه‌ هه‌یه‌،

# پیلانگېری نیونه ته وهی و ئاسته نگر دنی یه کیتی نه ته وهی



نارام کهریم

نه بیزاوه رووبه پرووی پیلانگېریه کی چه په ل بوومه که هیچ یه که له سه ده کانی مرؤفایه تی به خویه وه نه بیینیووه

## پیلانگېران ئامانجیان چی بوو؟

دوابه دواى هه لوه شانده وهی رئال سؤسیالیزم و هه لکردنی ئالای سه رکه وتن له لایه ن سه رمایه داریه وه، سیسته می مؤدیرنیته ی سه رمایه دارى به ریگه ی دام و ده زگا و پروپاگهنده ی چه واشه کارانه، مؤدیلی دیموکراسی لیبرالی سه رمایه داریان بؤ کؤمه لگه و تاك به گونجاوترین بژارده بؤ ریځخست و ئیراده دانى کؤمه لگه ی مرؤفایه تی نیشاندا و به تیؤری گوايه کؤتایى ئایدئولوژیا هاتووه و شه ریځی نویان به رامبه ر کؤمه لگه هه لگیرسانده. مرؤفایه تیان رووبه پرووی بئ چاره یی و گیزاو کرده وه. ته نانه ت تیؤریسیه نی هه ری به ناوبانگ "فؤکؤ یاما" کاتیک به تیؤری کؤتایى ئایدیولوژى، کؤتایى میژووی راگه یانده بئ باوه ری و بئ مؤرالیه کی زؤری له نیو چین و توپژه کانی کؤمه لگه و نه و بزاف و ریځخراوانه ی له پیناو ئازادى و سه ربه خویى دا له تیکؤشاندا بوون به دوا دا هات، ته نانه ت زؤربه ی نه و ریځخراو و بزوتنه وانه ی له ژیر کاریگه ری هه ر دوو جه مسه ری "رئال سؤسیالیزم و سه رمایه دارى" دا دامه زرا بوون هه لوه شانده وه یا خود نه تنگه ری سیسته می نه ریتی بوون. به لام به هؤی نه وه ی

پیلانگېری نیونه ته وهی کی له به روا ری ۹ جوته "تشرینی یه کم" له به رامبه ر به ریبه ر ئاپؤ ده ستی پیکرد چه نده ئامانجیکى بنه رته تی هه بوو. هه ندئ له و ئامانجانه راسته وخؤ گریدراوه به پرسی نه ته وه یی گه له که مانه وه و هه ندیکى تریشى ره هه ندی نیونه ته وه یی و جیهانى هه یه. له نؤی تشرینی یه که مدا ریبه ر ئاپؤ به هؤی گوشاره کانی ناتؤ و ده وله تی داگیرکهری تورک و ئیسرا ئیل ناچار بوو سو ریا به جئ به یلیت. هه رچه نده ریبه ر ئاپؤ به خؤشى له به رگرینامه کانیدا ئاماژه ی به شیوه ی ده رکه وتنه که ی له سو ریا ده کات و ده لیت؛ بؤ ده رکه وتنم له سو ریا دوو ریم له به رده م بوو، یا نه وه تا روو له چیا بکه م، یا له نه وروپا. هه ریبه ک له و ریگایانه ش شروقه و هه لده سه نگیتت و ده لیت؛ له به ر کاراکته ری مندالیه تی خؤم، که هه میشه به شیئی چیا به ناو بووم، ویستی راسته قینه م بؤ چوونه چیا بوو، به لام به هؤی کاراکته ری چه په لی سیسته می مؤدیرنیته ی سه رمایه دارى نه گه ر رووم له چیا بکردبا به هه زاران بؤمب و ته قه مه نیان له به رامبه ر به گه رپلا و سروشتی کوردستان به کار ده هیئایه، بؤیه به ناچارى ریگه ی نه وروپام هه لبژارد و ویستم به چوونم بؤ نه وروپا هه م رووی راسته قینه ی نه و سیسته مه هه لمام و هه م به وشپوه یه ده رگای دبالؤگ و گفتوگؤ و ریگه چاره ی سیاسى بکه مه وه، به لام به شیوه یه کی هه ره نامرؤفانه که نمونه که ی له میژووی مرؤفایه تیدا

په که که و رېبه ر ئاپو له تېکۆشانی سۆسیالیستی خویاندا میتود و رېبازېکی نوئ و سه ربه خویان گرتبووه بهر، هه ر زو هه ستیان به که م و کورپه کانی سۆسیالیزمی ر ئال کړدبوو، بویه هه لوه شانده وهی ئه و موديله له تېکۆشانی کومه لایه تی نه بووه هو ی زه بر خواردن له په که که، به پېچه وان ه وه به هو ی قولای ه زری و تیگه یشتنی رېبه ر ئاپو له فله لسه فه ی ئازادی و سۆسیالیزمی زانستی دهستی به هه لمه تېکی رېکخستنی، ه زری، فله لسه فی، تیوری به رفراوان کړد. پیلانگېران زورینه ی ئه و بزوتنه وان ه ی پېداگر بوون له سه ر تېکۆشانی نه ته وه یی به کړدنه ئامانجی که سایه تی و بزوتنه وه کان پاکتاویان بکه ن، هه ر له تېکۆشانی نه ته وه یی - مه زه بی گه لی ئه فغانسته انه وه بگره تا بزوتنه وه ی شوړشگېری گه لی فله ستین و بزوتنه وه ی ئازاد یخوازی گه لی کوردستان" په که که" ویستیان هه موویان پاکتاو و ده ست به سه ر میراتی تېکۆشانی ئازاد یخوازانه ی ئه و بزوتنه وه و نه ته وان ه دا بگرن که به سالانه له نیو به رخو دان و خوراگری دان بو به ده سته پینانی مافه نه ته وه یی و کومه لایه تیه کانیان

### شهری کهدا و دهرفته ی چاره سه ری

#### نه ته وه یی

له سالی ۱۹۹۰ شه ری کهدا و دهرفته تیک بوو بو ئه وه ی گه لی کورد یه کیتی نه ته وه یی خوی دامه زینیت. هه لبه ته بو پیکه پینانی یه کیتی نه ته وه یی پویست بو سه رته ئه و بزوتنه وان ه ی له گوره پانی تېکۆشان و به رخو دان و خوراگریدا بوون به ستراتیژی ه کی نه ته وه یی ریزه کانی خویانان رېکخستبا و ئه رته شیکی نه ته وه ییان دامه زراندها، به لام به هو ی دهستی ده ره کی له پرس ی کورددا و تینه گه یشت له قوناخه که، ئه و دهرفته به ده ستیوه ردانی ئه مریکا و ئیسرا ئیل به ربه ست و به لاریدا برا. ئیسرا ئیل له میژه و له پاش به ریتانیا، نزیکه ی سه ده په که یاری به پرس ی کورد ده کات و به هه لگېرساندن ی شه ری کهدا ویش ئه مریکا راسته وخو هاته ناو پرسه که وه و چاره سه ری پرس ی کوردی ئالۆزتر و قوولتر کړد.

رېبه ر ئاپو له سالانی ۱۹۸۷ هه به راشکاوی هه له

بنه رته تیه کانی ر ئال سۆسیالیزمی هه لسه نگانده بوو. بویه له گه ران به شوین رژیمی حه قیقه تدا بوو به لیگه رینفانیک ی به هیز و ئه کته ریک ی به کاریگه ر له گوره پانی ه زری و فله لسه فی و تېکۆشان و به رېکخستنی بووندا. بویه ئه و سیسته مه جموجوله کانی رېبه ر ئاپو له به رامبه ر به خویان ده بینن. به شه ری کهدا و؛ زه مینه ی تېکۆشانی نه ته وه یی له باشوری کوردستان گه شایه وه و هه ناسه یه کی به به ردا هاته وه. هه ر له و کاته دا سه ره له دانه جه ماوه ریه کانی گه له که مان له باکوری کوردستان و ده ره وه ی ولات ته نگی به ده وه له تانی داگیرکهری سه ر کوردستان هه لچنبوو، به تایه تی ده وه له تی داگیرکهری تورک که ئه ندامیک ی کارای ناتویه. بویه خیرا ده وه له تی تورک - ناتو - ئیسرا ئیل و ئه مریکا هه وه له پاکتاو کاریه کانیان خیرا تر کړد. سه ره له دانی گه له که مان و لیگه رینی رېگایه کی نوئ له تېکۆشانی نه ته وه یی ئه و دهرفته ی هیتابوو ه پېشه وه که سه رکر دایه تی دوزی ره وای گه له که مان پېشه نگایه تی قوناخه که بکه ن. به لام سیسته می مودیریتیه ی سه رمایه داری که ماوه یه کی دریژه پرس ی کوردی به خویه وه کلید کړدوه به پېشکه شکردنی دهرفته و ئاوه لاکردنی ده رگای نیوده وه له تی له به رده م پارت ه کلاسیکه کانی باشوری کوردستان و به تایه تی په ده که و دامه زراندن ی په رله مانی هه ری می باشوری کوردستان و ده رکردنی برپاری شه رکردن له به رامبه ر په که که به ته واوه تی دهرفته ی تېکۆشانی نه ته وه یی ئاسته نگ کړد و رېگای له به رده م هیلئ کوردی کویله و راده ستبوو و ته سلیمبوو کړدوه.

### راگه یانندی ئاگر به سستی یه کلایه نه ی په که که

هیژه شه رخواز و پیلانگېره کان بو ئه وه ی رېبه ر ئاپو به ته نیا به یلنه وه له سالی ۱۹۹۰ دا شه هید"حه سه ن بېندال"هه قالی مندالی رېبه ر ئاپو به پیلانیک شه هید ده خن، ئه وه ش زه نگیکی مه تر سیدار بوو که دهستی پئ کړدبوو. له به رامبه ر به نزیکی بوونه وه ی پیلانگېران، رېبه ر ئاپو له سالی ۱۹۹۳ ئاگر به سستی تاکلایه نه ی له به رامبه ر به ده وه له تی داگیرکهری تورک راگه یاند و داوای چاره سه ری ئاشتیه و دیالوگ و چاره سه ری سیاسیه ی پرس ی



قەيران و ناكۆكيەكان پەرە بەژيان و تەمەنى خۆى دەدات.

ھېزە پىلانگىرپەكان لە شەشى گولانى سالى ۱۹۹۶د بە سەيارەيەكى بۆمبىژىكرائو كە نزيكەى پىنج سەد كىلو تى ئىن تىيان لى بار كىر بوو و لە نزيك شوئى مانەوەى ويستيان رىبەر ئاپو بكنە ئامانچ و لەناوى بەرن، بەلام ئەو ھەولە شىيان ماىپووچ و والا دەر كەوت، لە بەرامبەر ئەو ھەولە نەزۆكەى ھېزە پىلانگىرپەكان شەھىد زىلان لە ۳۰ حوزەيرانى ھەمان سالددا بە چالاكەكى فەيدايانە لەنيو دلى ئەر تەشى تورك و كۆبوونەوەى دەستەى شەپەنگىزاندا سىستەمى داگىركەرى بەگشتى كىردە ئامانچ و پەيامى ئەو ەيدا كە بزوتنەوەى ئاپوئى تەسلىمىيەت و رادەستبوون و كۆپلايەتى قەبول ناكاو بەگيان و رۆح پاراستنى رىبەرەكەى دەكات. چالاكەكەى شەھىد زىلان ترس و لەرزىكى گەورەى خستە دلى نەيارانى دۆزى گەلەكەمانەوە. بۆيە ھەر زوو دەولەتى داگىركەرى تورك بەھاوكارى ناتو و ئىسرائىل دەستيان بە ئۆپەراسىۋنى سەربازى و سىياسى كىرد. دەولەتى تورك لەو كاتەدا لەگەل ئىسرائىل رىككەوتنىكى ئەمنى – ئىستخباراتى – سىياسى – سەربازى – ئابورى مۆر كىرد و تىكۆشان دژ بە پەكەكەيان خستە بوارى جىبەجى كىردنەو. گوشاريان لەدەولەتى سوريا و حافىز ئەسەد كىرد بۆ دەر كىردنى رىبەر ئاپو لەسوريا. ئىسرائىل كەوتە حالەتى ئامادەباشى و دەولەتى تورك سەربازەكانى لەسەرسنورى سوريا مۆلدا. ويستيان لە بەرامبەر بە سوريا شەپە ھەلگىرسىتن، بەلام رىبەر ئاپو نەيدەويست شەپە نىوان گەلان پەرە بستىن، بۆيە برىارى دەر كەوتنى لەسوريا دا.

چالاكەكى گىانبازيەكەى شەھىد زىلان بوو بە رىبازى تىكۆشان و بەرخۆدان دژ بە داگىركارى و مانىسفتۋى ژيانى ئازاد. چونكە شەھىد زىلان لە نامەكانىدا دەلئىت؛ ئەگەر لەگيانم شتىكى بەنرختر ھەبايە، پىشكەشم دەكرد و ئەو ەيدارىم بۆ ژيان ئەو ەندە زۆر، بۆيە ئەو چالاكەكى پىكەدنىم. واتا چالاكەكەى لەو پەرى زانابوون، دەر كىردن بە بەرپرسىارىيەتى گەورەى جەوھەرى و شوپشگىرپى و ھەستىارى قۇناخەكەدايە. ھەرچەندە پىشتەر

كوردى بەرز كىردەو. بەلام ئەو ھەولانەى رىبەر ئاپو لەلايەن دەولەتى توركەو بەموخاتەب ەورنەگىرا و پەرەيان بەشەر و قوولكردەو ەى ناكۆكيەكاندا. تەنانت ناتو و ھېزە تارىكەكانى گلاديو بۆ ئەو ەى تىكۆشانى جەماو ەريانەى گەلەكەمان لەولتانى ئەو ەروپا ئاستەنگ بەكەن و تىرۆرىزەى بەكەن بەكوشتنى ئۆلف پالمە سەرۆك ەو ەيرانى سوید و خستە ئەستۋى پەكەكە ويستيان تىكۆشانى ئازادىخو ەزانەى گەلى كورد لەدەرو ەوى ۆلات بەر بەست بەكەن و بزوتنەو ەى ئازادىخو ەزانەى گەلى كوردستان "پەكەكە" لەدەرو ەو ەك رىكخراوئىكى قەدەغە رابگەپەنن. خالىك لىرەدا جىبى سەرنجە ئەو ەيە پەكەكە كاتىك لەئاستىكى ھەرە بلند دا

## پىلانگىران ئەسەن نايانەوئىت بەكىتى نەتەو ەيى پىكەيت و پرسى كورد بەرەو چارەسەرى بروات، بەلكو دەيانەوئىت تەنيا و ەك كارتىك لەدەستى خوئاندا رايگرن و بەكار بەئىنن

لەشەر و مەلمانى بوو لەگەل دەولەتى توركدا ەك رىكخراوئىكى قەدەغە بەناو نەكرا، كاتىك ستراتىژى تىكۆشانى گۆرى، ۆلاتانى ئەو ەروپا و ئەمريكا و ناتو كەوتنەخۆ بۆ ئەو ەى پەكەكە ەك رىكخراوئىكى قەدەغەكراو لەسەر ئاستى ئەو ەروپا و ئەمريكا رابگەپەنن. ئەو ھەولەى پىلانگىران بەئاشكرا دەر خەرى ئەو راستىيە كە ئەو ۆلاتانە نايانەوئىت بەرپىبازى سىياسى و ئاشتىيانە پرسەكان چارەسەر بكرىت، چونكە بەرژەو ەندى خوئان لەچارەسەرى سىياسى و ئاشتىيانەدا نايىننەو. ئەو ە لۆژىكى باوى سىستەمى مۆدىرنىتەى سەرمایەدارىيە كە ئامپىرى ئامپىرى شەپە بۆ يەكلاكردەو ەى پرسەكان و قوولكردەو ەى ناكۆكيەكان و خولقاندنى گىژاو و قەيران بەگونجاو دەبنىن؛ چونكە سىستەمى مۆدىرنىتە بەخۆى سىستەمىكى خولقاندنى قەيران و ناكۆكيە. سىستەمىكە لەسەر قوولكردەو ەى



ئەگەر ئەمۇچە پەرسى نەتەۋەسى گەلەكەمان و دەستكەۋتەكانى لەبەردەم رەحمەتى داگىرەكان ماۋەتەۋە، بەھۆى ئەو پىلانگىرپە دژ بەررە ئاپۇ پىكھاتوۋە. پىلانگىران ئەساسەن نايانەۋىت پەرسى كورد و يەككىتى نەتەۋەسى پىككىت و بەرە

## پىلانگىرپەكەى سەر رررر ئاپۇ بەشپكى ئەساسى لەدژى فەلسەفەى ئازادى ژنى ئازاد بوو كە رررر ئاپۇ دامەزررررەتى

چارەسەرى بروت، بەلكو دەيانەۋىت تەنبا ۋەك كارتىك لەدەستى خۆياندا رايگرن و بەكار بەپنن. بۆپە لەدوۋەمىن سالى ئەلمەتى ئازادى جەستەپى رررر ئاپۇ و چارەسەرى پەرسى كورد ئەرك و بەرپرسيارىتە دەكەۋىتە سەرشانى گەلەكەمان بەتايپەتى، رووناكيران، سىاسەتمەدار، ئاكادىمىست، چالاكانى مافى مرۇف، پارىزەران و لەسەرەۋى ھەموپانەۋە ژنان و گەنجان لەرۇژھەلاتى كوردستان خاۋەندارىتە لەرررر ئاپۇ بكەن و جارپكى تر ئەرك و بەرپرسيارىتە مژوۋى خۆيان لەبەرامبەر بەررررەكەيان بەجى بەپنن

بەچالاكى فەيدايانەى شەھىد بىرپتان لەبەرامبەر بە ھپلى تەسلىمىت و رادەستبوون لەبەرامبەر بەھپلى نەتەۋەگەرابى سەرەتاپى و كۆپلايەتى؛ بوو بەزەمىنەى دامەزراندنى ئەرتەشى ژنان لەنىو پەكەكە، و چالاكىكەى ھەقال زىلان و ھەۋلەكانى رررر ئاپۇ لەپنناو دارشتنى فەلسەفەى ئازادى"ژنى ئازاد" گورى پىدراپوو، بەلام پىلانگىرپەكەى سەر رررر ئاپۇ بەشپكى ئەساسى لەدژى فەلسەفەى ئازادى ژنى ئازاد بوو كە رررر ئاپۇ دامەزررررەتى. پىلانگىرپەكەى لە ۱۹۹۸ ۋە دەستى پىكرد و لە ۱۵ شوباتى ۱۹۹۹ بەرفاندنى رررر ئاپۇ لەلايەن گلاىۋى ناتوۋە لەناىرۋى گەشستە لووتكە. لەدادگايەكى فۇرمالىتەدا و ھاوكات لەگەل بەروارى لەسپدارەدانى شىخ سەعیددا، سزای لەسپدارەدانىان بەسەر رررر ئاپۇدا سەپاند، بەلام ئەو سزايە بەبەرخۇدانى گەربلا و نارەزايەتە جەماۋەرىەكانى گەلەكەمان و ئازادىخوزان و دۆستانى گەلەكەمان بۆ زىندانى ھەتاهەتا گۇردرا. ئەۋە بىست و پىنج سالى تەۋاۋە رررر ئاپۇ لەزىندانى ئىمرالى بەندكراۋە و لەگۇشەگىرىەكى تونددا راگىراۋە. دواى نرىكەى سى سال لەو بەروارە، ھەلسەنگاندنەكانى رررر ئاپۇ پشتراست بوۋىۋە كە ھەلگىرساندى شەپرى فەلەستىن و ئىسرائىل و حىزبوللا و ئىران و عىراق، سوريە بەدەست پىكردنى پىلانگىرپى نپونەتەۋەسى لەبەرامبەر بەرررر ئاپۇ دەستى پىكردوۋە و ئىستاش ئىدى رەھەندەكانى زياتر زەق و بەرچاوتر دەبن.



# پۆلى ژن له بوونىادنانى كۆمه لگه ئازاددا



هەردى دولبەر

خوداوه نده ژنه كانى زاگروس گوزارشت لهه  
 حه قيقه ته ده كهن. فهلسه فهى ژن ژيان ئازادى  
 له مېرودا و له سهر ئه و خاكه كى كه يه كه مين  
 ده ركه وتتى ژنه خوداوه نده كانى لى ده ركه وت و  
 هاوكات ههر ليره ش له كه سىتى ژن دراو كرايه  
 كويله و ههر جوړه نابوتى و كوشتنىكى زيهنى و  
 پوچى و جهسته كى له سهر تاقى كرايه وه، ئه وا ئه مېرود  
 له مېراسى پاشماوه "نينهورساك، ستيړك، ئينانا  
 و كيبله..." ده بنه وه به موژده ده رى فرياد په سى  
 مروفايه تى، وه ك كورده وارى ده لىت: "گيا له سهر  
 بنجى خو كى شين ده بىته وه"، مروفايه تى ليره له  
 زاگروس له حه قيقه تى ژيان دوور خراوه ته وه بويه  
 ده بىت له دوى ژيانىكى ئازاد و واتادار بگه رپين  
 و تىكو شانى بو بگه كين به پيشه نگايه تى ژن، وه ك  
 رپهر ئاپو ده لىت: "له كويدا خو ت و نكرد له و  
 شوپنه به دوى خو دا بگه رى!"

تىكو شانى ژن له مېرودا بو شكاندنى ئه و  
 قالب و ته و قانه يه كه سىسته مى سه رمايه دارى  
 وه ك قه ده رىك له ده ست و مى مروفايه تى  
 كردووه. ژنى ئازاد له مېرودا هوشياره به وه كى  
 هيزى بزوينه رى تاك و كۆمه لگه كه ئيراده يه تى  
 لى زه وتكراوه، ده خوازىت له خوداوه نده  
 فېلبازه كه كى "پياوسالار" وه رگرپته وه و بىكاته وه  
 به جهسته كى بېرپوچى تاك و كۆمه لگه دا، بويه  
 تادىت گوړه پانى فهلسه فهى ژن ژيان ئازادى

فهلسه فهى ژن ژيان ئازادى دوونىابىنيه كه  
 كه له ده ره وه كى په يوه ندى ئه و سىسته مه  
 ده سه لاتداره، سه رله نو كى ده كه وپته وه په يوه ندى  
 له گه ل كۆمه لگه و كو كى پرۆسه كى ژيان. بويه  
 رپهر ئاپو ده لىت: "ئامانجى تىكو شامان  
 ئه وه يه كه هه موو رايه له كانى ژيانى كۆمه لگه  
 له سهر بنه ما و به هاكانى ژنان به رپوه بچىت".  
 ده ركه وتتى زيهنيه تى پياوسالارى گه و ره ترين  
 ترازان و كوده تا بوو دژ به بوون و هه بوون و  
 زانابوونى كه سىتى ژن له نىو كۆمه لگه دا! زيهن  
 و پوچى ژن كه نوپنه رايه تى كولتورى ژيارى  
 هه زاران ساله ده كات له نىو هه رد و چيا و  
 دو له كانى زاگروس دا، پرۆسه كى به كۆمه لگه بوونى  
 وه ك پيوستيه كى مروفايه تى پىكه پىئا. مه به ستمان  
 له كولتورى ژيار ئه وه يه كه كۆمه لگه به هه موو  
 فره كى و جياوازيه كانيه وه خو كى به رپىكخستن  
 كردووه، به جوړىك كۆمه لگه بوته زه مينه كى  
 زامن كردنى ژيانىكى ئارام و به واتا بو تاكه كانى  
 و تاكه كانى كۆمه لگه ش له پىئاو كۆمه لگه كه كى  
 سلىان له ههر په نچ و فيداكاريه ك نه كردووه!  
 كه سىتى ژن هه ميشه فاكته رپكى سه ره كى بووه  
 بو گه شه كردن و په خساندى زه مينه كى ژيانىكى  
 ئه خلاقى و سىاسى بو ئه ندامانى كۆمه لگه كى  
 به بى جياوازي، تاوه كو بتوانن بگه نه ئاستىكى  
 هه ره به رزى هوشيارى كۆمه لايه تى، هه بوونى

له كوردستان و پوژهه لاتى ناوين و جيهاندا فراوانتر ده بىت. وتنه وهى ئەم دروشمه به تهنيا گوزارشت له ده رپرېنى ههستىكى سۆزدارى ناكات؛ هيندهى ئەوهى گوزارشت له و حه قيقه ته ده كات كه ژنانى ئازاد تىكۆشان بۆ سه رله نوئ رهنگ كردن و ئاوا كردنى ژيانىكى ئەخلاقى و سياسى بۆ كۆى مرؤفايه تى و هه تا كۆى ئىكۆ سيستهمى هه ساره كه مان ده كات. كه سىتى ئەم ژنه ئازاده هاوشىپوهى هونه رمه ندىكى خاوه ن ئىستاتىكا سه رقالى كيشانى هيله سه ره كيه كانى ئەم تابلۆيه!

بۆ ئەم ئامانجه ش پىويسته سه ره تا چه مكه كان له سه ر بنه مايه كى دروست و روانگه يه كى ژنانه سه رله نوئ پىناسه بكرينه وه، تا وه كو كۆمه لگه له و دۆخه چه قبه ستوويه و ژيانه رپوئيهى كه هه ر جوړه خه يال و كرده و ده رپرېنىكى به ره و روى ژيانىكى ئازاد لى سه ن دراوه ته وه و خالى كراوه ته وه له هه ر جوړه ئيراده يه ك؛ وه ك ده زانرېت تا كه جياوازى ناوبه رى مرؤف و گيانله به ران هه بوونى ئيراده يه له مرؤفدا، خو مرؤف گه ر ئيرادهى لى وه رگيرايه وه ئىدى له بازنهى مرؤفبوون

**شۆرشى پوژئاواى كوردستان**  
**شۆرشىكه بۆ ده ستىوه ردانىكى**  
**ئازادانه بۆ لىدان له كوئونىاليزمى**  
**سىستهمى ده سه لاتدارى و وه ك**  
**چون شۆرشى نيولوتىك له نيو**  
**زاگرو سدا به پيشه نگايه تى ژنان**  
**خوى بوونىادنا ئەوا ئەمروش**  
**ژن له هه مان جوگرافىادا له**  
**تىكۆشاندان بۆ سه رله نوئ**  
**نووسينه وهى شۆرشى پىكه وه**  
**ژيانى گه لان به هه موو**  
**جياوازيه كانىانه وه**

ده رده كه وىت. له مرؤدا ئەو وىرانييهى كه له هه موو په يوه نديه كۆمه لايه تيه كانى ناوبه رى "مرؤف و مرؤف، مرؤف و سروشت، ژن و پياو" گه يشتۆته بنه ست، بۆ وه رگرتنه وهى ئەو ئيراده ده گه رپته وه كه له مرؤف وه رگيرايه ته وه و كۆمه لگه و ژيانىكى وىرانهى دروست كر دووه. كيشه "ئه خلاقىيه كان، سياسىيه كان، ره گه زى، كولتورى و ئابوورىيه كان..." سه رچاوه كهى له لاوازى و سه نندنه وهى ئيرادهى ئازادانهى مرؤفه وه دىت، كه سىستهمى سه رمايه دارى به ده يان شىواز ده ستى به سه رداگرتوون. ئامانج له ئاماده كردنى تاك و كۆمه لگهى ده ستهمۆ كوژانه وهى ئەشقى ئازادى و ژيانىكى شۆرشگىرپيه له مرؤدا. له مرؤدا ئايدىلۆژىاي سه رمايه دارى كه "لىبراليزم" ه كه وه ك چه مكه به واتاى ئازادى دىت، به لام له ناوه خنى خوئىدا دژى هه ر جوړه ئيراده و ئازادىيه كى مرؤفه، ده خوازىت وا ژيانى مرؤف وينا بكات كه هىچ پوژگارىك هيندهى ئەم چه ن سه د ساله مرؤفايه تى ئازاد نه بووه! وه ك فوكو ده لىت: "مؤدېرنىتهى سه رمايه دارى سىستهمى به رده و امكردنى شه ره له نيو كۆمه لگه دا و دژ به پىوانه كانى كۆمه لگه". گه ر ئامانجى سىستهمى هه ژمونگه را به م په ننگه بىت ئەوا ده بىت تىكۆشانى كۆمه لگه له پىناو فه راهه م كردنى ئازادى و سه رپىخستنى ژيانىكى ئەخلاقى بىت بۆ مرؤفايه تى وه ك رىبه ر ئاپو ده لىت. هه رچه ند بانگه شهى ئەوه بكرىت كه تىكۆشان به ناوى ئازادىيه وه به رپوه ده چىت، ده ربا زبوون له و بازنهى كه مؤدېرنىتهى سه رمايه دارى دروستى كر دووه، پىويستىه كى ژيانىيه. ئەركى شۆرشى ژن ژيان ئازادى له پىناو پرگار كردن و وزه ئازادى كۆمه لگه بوو، دژ به و چه مكه و تىورانى كه مؤدېرنىتهى سه رمايه دارى دروستى كر دوون. له مرؤدا پوژهه لاتى ناوين به قه يرانگه لىكى زورى "زىهنى، باورى، سياسى، ره گه زى، كولتورى و ئابوورى..." دا تىپه ر ده بىت، هه رچى خاكى كوردستانىشه كراوه ته ناوه ندى به كلا كردنه وهى مملانى ناوخوى و هه رىمى و نيو نه ته وه يه كان. سه ره لدانى شۆرشى ژن ژيان ئازادى له نيو پوژهه لاتى كوردستان و دواتر

فراوانبوونی بۆ نیو ته واوی جوگرافیای سیاسی ئیران و دواتر دهنگدانه وهی له نیو دونیادا، نه و راستیهی بۆ سهلماندین که تاکه ریگه بۆ بهرهنگاربوونه وهی هه ژموونی سیستمی دهسه لاتداری، ئامراز و میکانیزمه کانی تیکۆشان و بهرخۆدان و خۆ ریکخستنی کۆمه لگه یه؛ به ئامانجی سه رپنخستنی پشتوینه یه کی بهرگری پهوا. دروشمی ژن ژیان ئازادی گوزارشت له پارادایمیکی نوئ ده کات بۆ کۆی په ههنده کانی ژیان. پۆژ به پۆژ نه و حهقیقه ته ده رکه وتوووه که هیچ کیشه و ئاریشه یه کی کۆمه لگه و ژینگه به زهینیه تی دهسه لاتخوازی چاره سه ر نابیت. هه ژموونی ده ولت - نه ته وه که له ده ره وهی ئیراده ی کۆمه لگه خۆی دژ به کۆمه لگه ئاوا کردوووه ده خوازیت خۆی به سه ر کۆی پیوانه و پیرۆزیه کانی کۆمه لگه دا سه پینیت. شۆرشی ژن به ناسنامه و ئیراده ی ئازادی ژنان، تیکۆشانیکه بی وچانی زامنکردنی مافه کانی ژنانه. پیویسته ژنان بزنان به بی پارادایمیکی نوئ له ده ره وهی سیستمی باودا چاره سه ری مسۆگه ر نابیت. سیستمی کۆنفیدرالیزمی دیموکراتی که له سه ر سیانه ی "ئازادی ژن، یه کسانی و ژینگه پاریزی"، پیکدیت ده کریت بیته گۆره پانیکه فراوانی شۆرشی ژنان بۆ ئاوا کردنی کۆمه لگه یه کی نه خلاق و سیاسی. دیرۆکی شۆرشی ئاپۆیی چونکه له سه ر بنگه ی ئازادی ژن دامه زراوه کراوه یه بۆ ده رکه وتنی توانا و هیزی مادی و مه عنه وی ژنانی تیکۆشه ر. له نیو کۆمین و ریکخستنه کانی تایهت به ژنان ده کریت سه رله نوئ ژنان له ریگه ی پهروه رده وه ئاشنای خۆناسین به حهقیقه تی خۆیان ببنه وه، وه ک ریبه ر ئاپۆ ده لیت: "خۆناسین بنگه ی هه موو جوړه مه عریفه یه که". شۆرشی ژن ژیان ئازادی له مرۆدا له هه مبه ر نامۆکردنی ژن درپژه به شۆرپ ده دات، تاوه کو له که سیتی ژندا نه خوشی نامۆبوون که نه ناسینه وهی حهقیقه تی بوونی مرۆف و کولتور و میژوووی تیمه ی گرتۆته وه بهرکه نار بکات. لیره دا مه ترسییه که نه وه یه که هه ژموونی ده ولت ده خوازیت له که سیتی ژندا مرۆف له کۆمه لگه و سروشتی راسته قینه ی

خۆی دابیریت تاوه کو له نیو دونیا نه فره تیه که ی چیژگه رایدا نو قم ویلی بکات. بۆ من واتا و تیگه یشتن له چه مکی ژن ژیان ئازادی سه رله نوئ پرسبوو له خۆم وه ک بونیک که به راستی من کیم؟ بۆیه شۆرشی ژن جاریکی دی ناچارمان ده کات به وهی که به هۆش خۆمان بینه وه. مرۆف گه ر نه توانیت پیناسه ی خۆی بکاته وه چۆن ده توانیت پیناسه ی پیویستییه کانی کۆمه لگه و شۆرشیکی زهینی بکات. شۆرشی په که که به پیشه نگیه تی ژن له ماوه ی په نجا سالی رابردوو دا توانی ده لاقه یه کی نوئ به ره و رووی ژیانیکه نوئ بکاته وه؛ لیره وه باشت له و جو له شۆرشیکی په ی دوو سال بهر له ئیسته ی پۆژه لاتی کوردستان تیده گه ی که چیدی کۆمه لگه ده خوازیت ده سته ردارای نه و دوونیا په شه ی ویلایه تی فه ی و کۆماره له رزۆکه که ی پهت و سیداره بیت و به دروشمی ژن ژیان ئازادی به ردی بناغه ی کۆمه لگه و مرۆفیکه ی نوئ بونیاد بنیت. گهلانی نیو جوگرافیای سیاسی ده ولته ی ئیران ده توانن ببنه حه لقه ی به دیموکراتیزه کردنی پۆژه لاتی ناوین. نه ته وهی کورد وه ک چۆن له به ره به یانی میژوو دا کولتوری ژباری له مندالانی خۆیدا وه دی هپناوه، نه وا له سه ر هه مان کۆکی خۆی له ماوه ی سه د سالی رابردوو وشدا، له تیکۆشانیکه بی وچاندابوووه دژ به ماشینه بی په حمه کانی هه ر چوار ده ولت نه ته وهی داگیرکه ر، بۆیه ده کریت وا سه یری شۆرشی ژن ژیان ئازادی بکه ین که به رده وامی نووسینه وهی پۆمانی ئازادی کورده و پینووسه که ش به ده ستی ژنانی ئازاده وه یه بۆ په نگ کردنی نه م تابلویه. بۆیه ده بیت به رپرسیاریتی سه ره کی له سه ر ژنان بیت بۆ چاره سه رکردنی کیشه ی دیمۆگرافی، که ریگای سه ره کی چاره سه رکردنی کیشه ی ژنانه، که پیشتر ریژه یه کی فراوانی به ده سته پناوه، ههروه ها ریگریکردن له له ناوچووونی ئیکۆلۆژی. مه رجی یه که م بۆ نه مه ش ئازادی و یه کسانی ته واوه تی ژنان و مافی به شداریکردنه له سیاسه تی دیموکراسی و ته واوی کایه کانی ژبانی مادی و مه عنه وی کۆمه لگه دا؛ ههروه ها مافی قسه کردن و ئیراده ی ته واو له هه موو

په یوه نډییه په یوه نډیداره کانی جینده ریه کاند. جگه له م حه قیقه ته، رزگاری و ئازادی و په کسانى ته واوه تی ژنان و کومه لگه و ژینگه رینگه یه کی دیمان نییه. به هه مان شیوه سیاستی دیموکراسی و سیاستی کونفیدرالی پیک دیت له سیانه ی "دیموکراسی رادیکال، ئازادی ژن و پرسه ئیکولؤژییه کان". ئه وهی وه ک نهینى بؤمان دهرده که ویت، له بنه پرتدا پهرده یه به سهر بوونی خؤماندا. ئه وه "مرؤف" حه قیقه ته یه که به و شیوه یه ی تیبینی ده کریت و تیده گات. واته بوونی گهر دوونی هیچ "شاراوه یی" یه کی سروشتی نییه، نه ریکخستن و نه یاسا و نه مانا. ئه وهی سروشتییه روونه، تا ئه و کاته ی لپی تیگه یشتووه ده تواریت ببینیت. به واتا یه کی تر گهر دوونیش ده یه ویت لپی تیگه یین و ببینیت. پاشان، ئه و شته چییه که ده خواریت بشارد ریته وه و تاوه کو نه زانریت چؤن ها تۆته ئاراوه؟ له کاتیکدا ئه وهی جوان و چاکه ده یه ویت خؤی نیشان بدات، چی خؤی ده شاریته وه؟ ناشیرینه کان!

پرسیکی دیکه که کومه لئاسی به کیشه دار ده یینیت، سیستمی په یوه نډییه، که وه ک کیشه ی پیاو و ژن پیناسه ده کریت و تیکچوونی کومه لایه تی دروست ده کات. کیشه ی ئازادی ژن که ئیمه وه ک یه که مین چینی چه وساو و نه سب و نه ته وه پیناسه ی ده که یین، ئه و په یوه نډییه سیستماتیکه که ده سالات و نه ریتی ده وله تی میژوو خؤی تیدا بنیات ناوه. له پرووی چاره سه رکردنی ئه م کیشه ی ئازادییه وه، فیمینیزم به ده نگى به رز هه ولی داوه ئه و کاره بکات که زانستی کومه لایه تی نه یوانی بیکات، به تاییه ت له شه سته کانی سه ده ی رابردووه وه. هه رچه نده ره وتی فیمینیزم له مه دا کورتی هیناوه، بویه ریبه ر ئاپؤ په ره ی به زانستی ژن ناسیدا "ژنؤلؤژی". له باره ی رؤل و حه قیقه تی ژیا نه وه زؤرتیرین لیکؤلینه وه ی پیشکه ش به مرؤفایه تی کرد، بویه له سه ره بندی شؤرشى رؤژئاوای کوردستاندا جار یکی دی ریبه ر ئاپؤ ئاماژه ی به و راستیه میژوویه دا و وتی: "شؤرشى رؤژئاوای کوردستان شؤرشیکه بؤ ده ستیوه ردا ئیکی ئازادانه بؤ لیدان له کؤلؤنیالیزی سیستمی ده سه لاتداری

## شؤرشى ژن ژيان ئازادى له مرؤدا له هه مبه ر نامؤگردنى ژن دريژه به شؤرش ده دات، تاوه کو له که سیتی ژندا نه خوشى نامؤبوون که نه ناسینه وه ی حه قیقه تی بوونی مرؤف و کولتور و میژووی ئیمه ی گرتۆته وه به رکه نار بکات

و وه ک چؤن شؤرشى نیؤلؤتیک له نیو زاگرؤسدا به پیشه نگیه تی ژنان خؤی بوونیدا ئه و ئه مرؤش ژن له هه مان جوگرافیدا له تیکؤشانان بؤ سه ره له نوئ نووسینه وه ی شؤرشى پیکه وه ژیا نی گه لان به هه موو جیاوازیه کانیانه وه". ئه م په وانگه و پیندا گیریه ی ریبه ر ئاپؤ بؤ ئه و راستیه ده گهریته وه که په یوه ندى ژنان به ژيان و گهر دوونه وه زؤر هه مه لایه نتره له په یوه ندى پیاو. گه شه کردنی په هه ندى زیره کی سؤزداری له ژندا په یوه ندى به مه وه هیه. بویه جوانناسی وه ک جوانکردنی ژيان و گهر دوون پرسیکی وجودیه بؤ ژن. بویه له پرووی ئه خلاقه وه "تیؤری ئه خلاقى، جوانیناسى = تیؤری جوانى". بویه دؤختکی سروشتیه که ده یینین رؤحى ژنان له پرووی کومه لگه ی ئه خلاقى و سیاسیه وه واقیعیانه تر و به رپر سیارانته ر دهرده که ویته پیش.

دواجار به هؤگاری ئه وه ی که وا دهرده که ویت که سه ده ی بیست و یه ک سه ده ی ژنانى ئازاد بیت، گرنگه بزاین چؤن ئه مه بکه یینه راستی، له مرؤدا هیتشتا شکاندى ئه توم زؤر ئاسانتره له شکاندى زهینیه تی پیاوسالاری، ژنان چؤن پروبه پرووی ته حه دیه کان ده بنه وه؟ دواجار گه ر تیؤریزه ی چه مکی ژن ژيان ئازادى بکه یین، ده کریت بلین: "ژن = به زمانى کومه لگه"، "ژيان = به کولتوروى کومه لگه" و "ئازادى = به په ره وه رده کردنى کومه لگه" وه؛ که ئه مان له زیر رؤژناى ژندان و ده یسا ژن ژنان ئازادى

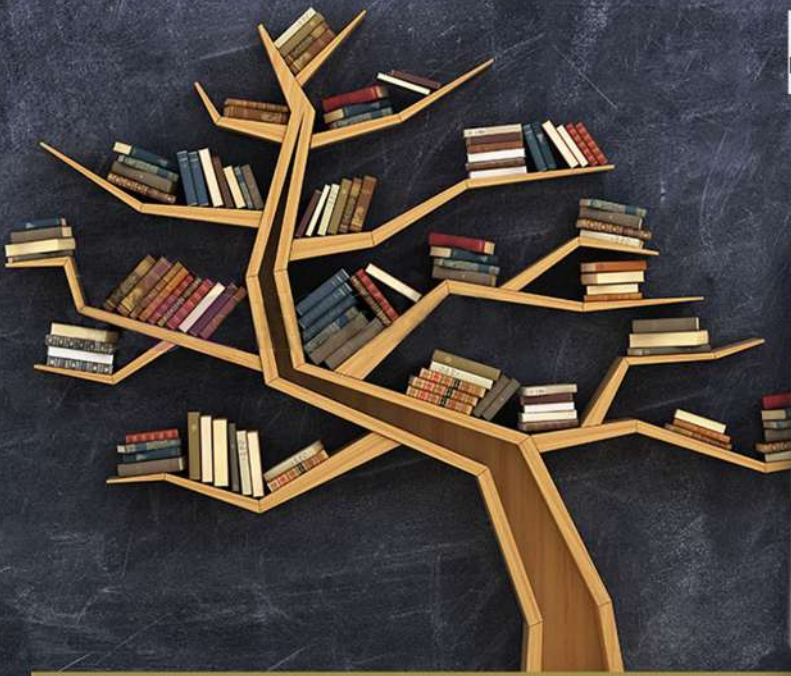
ھەمان خەسلەتە. لێرەو ژیان وەک فیگەرێکی کاریگەر دەبیتە ھیزی بوونیدانانی کۆمەڵگەبەکی ئەخلاقى و سیاسى. شۆرشى ژان ژيان ئازادى ئەو حەقیقەتەى بۆ بەیان کردوین کە بەبێ ئایدیۆلۆژیای ژنۆلۆژی ئیمکانى ئافراندنى تاک و کۆمەڵگە و نەتەوێ دیموکرات مسۆگەر نابیت. نھێنى سەرکەوتنى شۆرشى پوژتائاوى کوردستان بە پێشەنگایەتى ژنان بۆ تیکشاندنى زینھىتەى دەسەڵتدارى دەگەریتەو، لەمرودا تابلوی شۆرشى ژان لە زۆر شوپندا گینگل دەخوات و پیداکرى لەسەر سەرکەوتنى خۆى دەکاتەو. شۆرشى ژان ژيان ئازادى لە پوژھەلاتى کوردستان و جوگرافیای سیاسى ئیران و جیھان گوزارشت لەم حەقیقەتە دەکات. بۆیە ژانانى ئازادىخواز وەک مێژووى حەقیقەتەى خۆیان کە داىکایەتیان بۆ کۆمەڵگەى مروڤایەتى کردوو، ئەوا ئەمروۆش لەرپگەى فراوانکردنى شۆرشى ژان ژيان ئازادىیەو، جارێکى دەبنەو ھەوینى ھىواى ژيانىکى نوێ و دەربازکردنى مروڤایەتى؛ لەو قالب و تەلەزگانەى زینھىتەى پیاوسالارى کە تەنگى بە کۆى پەھەندەکانى ژيان ھەلچنیو و ئەم شۆرشەى دەبیتە ھەوینى ژيانىکى دوور لە توندوتیژى، فرتوفیل و داگیرکارى. ھەر بۆیە بەردەوامى شۆرشى ژان ئازادى پێویستى کى ژيانىیە!

مۆدیرنیتەى سەرمايەدارى  
سیستەمى بەردەوامکردنى  
شەپە لەنیو کۆمەڵگەدا و دژ  
بە پێوانەکانى کۆمەڵگە". گەر  
ئامانجى سیستەمى ھەژمونگەرا  
بەم رەنگە بێت ئەوا دەبیت  
تیکۆشانى کۆمەڵگە لەپێناو  
فەراھەمکردنى ئازادى و  
سەرپێختنى ژيانىکى ئەخلاقى  
بیت بۆ مروڤایەتى

ئەنجام:

بەو پێیەى کە پوڵ و پێگەى ژان لە ئاراستەکردنى کۆمەڵگەدا خاوەن مێژوویەکی دوور و درێژە، ناکریت ژان وەک ھەبوونیکى فیزیکی چاوی لیکریت. وەک رپەر ئاپۆ دەلیت: "ژان وەک دیاردەیکى مینە لە جەوھەرى خۆیدا بەیان دەکات. کۆمەڵگەى ئازاد بە پوڵ و تیکۆشانى شۆرشى ژان ئیمکانى گەیشتنى دەبیت بە ئامانجەکانى. وەک چۆن ھەر کۆمەڵگە و نەتەوێک لە دوالیزمى "مادە و روچ" پیک دیت ئەوا حەقیقەتى ژنیش ھەلگری





کتاب با شعار «ژن ژيان آزادي» به سوی انقلاب زنان به تحقیق شورای هماهنگی حزب آزادی زنان گُردستان (پاژک) در سال ۲۰۲۴ توسط مرکز انتشارات آکادمی ژنئولوژی منتشر شد. برگردان کتاب از ترکی به فارسی از جانب بهار اورین صورت گرفته است. این کتاب شامل ۵ بخش است.

بخش نخست کتاب با سر تیتیر سده‌ی ۲۱، سده‌ی انقلاب زنان و بخش دوم؛ مقاومت و مبارزه ضد سیستمی زنان در سده‌ی ۲۱ و بخش سوم؛ مکان انقلاب زنان؛ گزینه‌ها و امکانات تحقق دومین انقلاب زنان در خاورمیانه و بخش چهارم؛ بر ساخت انقلاب زنان و بخش پنجم؛ سازماندهی جنبش جهانی آزادی زنان، کنفدرالیسم دموکراتیک زنان می‌باشد.

در کتاب پیشاهنگی و وظایف پاژک در تحقق انقلاب زنان مورد واکاوی قرار گرفته است. همچنین بخش نهایی از کتاب سر تیتیر با شعار «ژن ژيان آزادي» به سوی انقلاب زنان به نگارش در آمده است.

برای دریافت فایل می‌توانید به سایت ژنئولوژی مراجعه نمایید

# تەڭگەرى ئاپۆيى تەڭگەرى شەھىدانە



شەھىد نەۋال روبار



شەھىد ھۆگر دەلىل



شەھىد باگەر بىسمىل



شەھىد دلۇقان مەلاتىيە



شەھىد رەزا مامەندى



شەھىد باھۇز سەنە



# Alternative 30

